

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام:

مشارکت فعال مردم، خنثی کننده همه توپنه ها است



عص از ایرنا

رئیس جمهوری: امروز به وحدت و همدلی نیازمندیم

صفحه ۲

* اصلاح ناکار آمدی ها، قدم اول برای برگشت به مسیر درست است
* وضع کنونی جامعه تا حدود زیادی ناشی از انزوای ناخواسته نخبگان کار آمد کشور است
* نخبگان سرمایه های اساسی و اصلی پیشرفت و توسعه کشور هستند

* باید از مردم مدد جوییم تا با اتحاد و همدلی و حضور فعال همه دلسوزان و وفاداران به انقلاب و نظام مشارکت ملی را افزایش دهیم
* اگر زمینه مشارکت فعال و عادلانه و برابر همه سلاقی فراهم شود، آنچه با انتخاب قانونی و آزاد مردم به دست آید مورد پذیرش و حمایت همه خواهد بود
* از هیچ کمکی برای اصلاح روند مدیریتی و تضمین مسیر صحیح انتخاب دریغ نخواهم داشت

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در دیدار اعضای شورای مرکزی انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه ها، نخبگان و سرمایه های کشور اعم از دانشگاهی و غیردانشگاهی را سرمایه های اساسی و اصلی پیشرفت و توسعه کشور خواند. و با ابراز تأسّف از افرای گری و مدیریت برخی افراد تندرو و ناکارآمد در کشور، گفت:

محک

چشم مردم به خانه ملت است

سید محی الدین ساجدی

صفحه ۱۶

گاو و میانه و رگ های ما

خرافه های معبد

سید محی الدین ساجدی

صفحه ۱۶

گزارش

هشدار! تولید مواد غذایی حیوانی منابع آب جهان را می بلعد

صفحه ۵

لگاری هشتمین ستاقتها

نگرانی شهرداران کلانشهرها از کاهش شدید کمک های دولتی

صفحه ۷

روابط پیش الملل

بحران در اتحادیه اروپا

صفحه ۱۲

اطلاعات اقتصادی و سیاسی

استاندارد

صفحه ۱۷

ایب و همد

پایز در سینما

ویژه ادب و هنر ضمیمه اطلاعات امروز

جناب آقای حاج رسول کلرخان

با ابراز تأسف فراوان در گذشت خادم الحسین (ع) مسعود کلرخان برادر عزیزتان را صمیمانه تسلیت عرض نموده و از خواندن متعال برای آن عزیز سفر کرده طلب آمرزش و برای شما و خانواده محترمان صبر مستل می نمایم.

مهدی اسلامی - مهدی آقایی - محمدرضا محمدی

اطلاعه

ششمین همایش سالانه انجمن علوم سیاسی ایران

با عنوان امنیت منطقه ای در پرتو تحولات جهانی

تحلیل علمی دگرگونی های خاورمیانه

در روز پنجشنبه ۹۱/۷/۲۰ در تالار خانه اندیشمندان علوم انسانی واقع در خیابان استاد نجات الهی (ویلا) نبش خیابان ورشو برگزار می گردد.

برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره های ۶۶۹۷۴۱۴۰ و ۶۶۹۴۲۱۲ تماس حاصل فرمایید.

آگهی تجدید ارزیابی کیفی مناقصه گران

۹۱-۹۱

نوبت اول

شرکت شهروک های صنعتی تهران در نظر دارد به استناد این نامه اجرایی بندج ماده (۱۲) قانون برگزاری مناقصات نسبت به ارزیابی کیفی مناقصه گران جهت انجام پروژه اجرایی روشنایی خورشیدی فاز ۴ خیابان مدرس و ورودی شهرک صنعتی عباس آباد اقدام نماید. به منظور ارزیابی توان اجرای تعهدات مناقصه گران از کلیه شرکت های متقاضی دارای می شود تا تاریخ انتشار این آگهی تا پایان وقت اداری ۹۱/۷/۲۹ پس از وارز مبلغ مسجده هزار ریال به حساب جام به شماره ۲۵۶۸۰۰۲۶۳ نزد بانک ملت شعبه میدان آراوتین به نام شرکت شهروک های صنعتی تهران تا کد شعبه ۰۰۹۹۰۰۹۹۹۹۶۳ جهت تحویل فیش بانکی و دریافت اسناد ارزیابی کیفی مناقصه گران همراه با معرفی نامه کتبی به معاونت فنی و اجرایی این شرکت به نشانی تهران - خیابان شهرودی شمالی - خیابان محبی - پلاک ۲ مراجعه نموده و اسناد مربوطه را دریافت و پس از تکمیل همراه با اسناد و مدارک خواسته شده حداکثر تا پایان وقت اداری روز ۹۱/۸/۱۷ به نشانی مذکور تسلیم مناقصه گزار نمایند. (ساعت پاسخگویی: ۹ الی ۱۴) WWW.TEHRANIECIR و پایگاه ملی اطلاع رسانی http://lets.mporg.ir

شرکت شهروک های صنعتی تهران

آگهی مناقصه عمومی

سایپا

شرکت سایپا در نظر دارد اجرای عملیات چاپ و تأمین کلیه اقلام چاپی مورد نیاز خود را از طریق مناقصه عمومی به جایانه واجد شرایط واگذار نماید. متقاضیان می توانند جهت دریافت اسناد و مدارک مناقصه به سایت پورتال گروه سایپا، www.saipagroup.net، «بخش مناقصه الکترونیکی» و یا همه روزه از ساعت ۸ الی ۱۵/۳۰ حداکثر تا پنج روز کاری پس از نشر آگهی بادر دست داشتن معرفی نامه به «داره خریدهای غیرتولیدی» مدیریت خرید داخلی سایپا، واقع در کیلومتر ۱۵ جاده مخصوص کرج - شرکت سایپا - درب شماره ۳ مراجعه نمایند.

روزنامه اطلاعات سال ۱۳۴۴

در ۱۲ DVD

منتشر شد

اردوغان: مردم ترکیه آماده جنگ با سوریه شوند

* دبیرکل سازمان ملل بالاگرفتن تنش میان ترکیه و سوریه را خطرناک خواند
* عربستان سعودی از کميته چهارجانبه حل بحران سوریه شامل ایران، مصر ترکیه و عربستان کناره گیری کرد

شرایط برای حل موضوع هسته ای ایران فراهم است

* سیدعباس عراقچی معاون وزیر امور خارجه: نفت روی دست ایران نمی ماند
* پیشنهادهای ایران به ۵+۱ در پنج گام، بسیار روشن و شفاف مطرح شد
* تحریم ها کمکی به حل مسأله هسته ای ایران نخواهد کرد

معاون آسیا و اقیانوسیه وزارت خارجه ایران با بیان این که نفت کالایی نیست که روی دستمان بماند، گفت: نفت فروخته می شود و درآمد حاصل از آن به نحو مقتضی به دست ما می رسد. سیدعباس عراقچی، در گفت و گو با فارس، درباره اقدامات صورت گرفته در این معاونت برای تبدیل تحریم ها به فرصت و اخبار مطرح شده مبنی بر کاهش خرید نفت ایران توسط ژاپن و تصمیم توتکیو برای خرید نفت ایران را در رفع مشکلات تا حد زیادی موفق بوده ایم.

وی گفت: نفت کالای بسیار ارزشمند و مورد نیاز اقتصادهای جهان به خصوص اقتصادهای آسیایی از جمله چین، هند، کره جنوبی، ژاپن و بقیه کشورهای خریدار نفت است. اینگونه نیست که به راحتی بتوانند خرید نفت را کاهش دهند و صدمه نبینند. نفت کالایی نیست که روی دست ما بماند. ممکن است میزان خرید نفت در برخی از قراردادهای کاهش یابد، ولی در برخی قراردادهای دیگر جبران می شود. عراقچی همچنین افزود: در بحث همکاری های بانکی که مرحله بعد از فروش نفت هم هست، به همین منوال است. نفت ما به فروش رسیده و درآمد حاصله از آن به نحو مقتضی به دستمان می رسد.

بقیه در صفحه ۲

ایب و همد

پایز در سینما

ویژه ادب و هنر ضمیمه اطلاعات امروز

اطلاعات اقتصادی و سیاسی

استاندارد

صفحه ۱۷

روابط پیش الملل

بحران در اتحادیه اروپا

صفحه ۱۲

لگاری هشتمین ستاقتها

نگرانی شهرداران کلانشهرها از کاهش شدید کمک های دولتی

صفحه ۷

گزارش

هشدار! تولید مواد غذایی حیوانی منابع آب جهان را می بلعد

صفحه ۵

گاو و میانه و رگ های ما

خرافه های معبد

سید محی الدین ساجدی

صفحه ۱۶

محک

چشم مردم به خانه ملت است

سید محی الدین ساجدی

صفحه ۱۶

خدمات ویژه سپرده گذاری

از ۸ ماه هر تاه ۱۵ آبان

۱ ۳ ۹ ۱

تماس با: ۲۸۹۳۰

برای کسب اطلاعات بیشتر به شعب بانک دی مراجعه نمائید.

خدمات ویژه بانکدی

کنج ربا باز شکر کم کنج پرواز

بانک دی BANK DAY

انتشارات اطلاعات منتشر کرد:

باستانی پاریزی و هزاران سال انسان

تألیف کریم فیضی

قطع وزیری ۷۸۸۰ صفحه

چاپ اول با جلد سفون: ۱۵۰۰۰ تومان

کتاب حاضر در دو بخش به قلم آمده است. بخش اول: «زندگی و زمانه دکتر باستانی پاریزی» و بخش دوم: «هزاران سال انسان» که به معرفی چهره ها و شخصیت های معاصر از دیدگاه استاد باستانی پاریزی می پردازد.

در این کتاب روایتی دقیق و درست از زندگی، شخصیت، شرایط خانوادگی، علمی، فرهنگی و بخصوص شرایط اجتماعی بالیده شدن نویسنده دیرین و نامدار و استاد برجسته دانشگاه تهران در رشته تاریخ، دکتر باستانی پاریزی طرح شده است تا واقعیت های زندگی یک چهره فرزانه، عیان و آشکار شود. از سوی دیگر، کوشش شده است آشنایی ها و شناخت های این شخصیت معاصر از دیگر چهره های سیاسی و فرهنگی و تاریخی و علمی به صورت مرتب و منظم طرح شود که تعداد آنها به بیش از ۳۰۰ نفر می رسد و از آن میان می توان به: دکتر نصر، دکتر شفیع کدکنی، هوشنگ ابتهاج، احمدشاملو، دکتر زرین کوب، دکتر زریاب خویی، دکتر ریاحی، مرحوم ایرج افشار، مرحوم جمالزاده، دکتر کاتوزیان، علامه طباطبایی، دکتر اسلامی ندوشن، دکتر مهدوی دامغانی و ... اشاره کرد.

۲۹۹۳۲۸۶: فروشگاه مرکزی: تهران بزرگراه حقانی، روبروی ایستگاه مترو، ساختمان روزنامه اطلاعات، تلفن: ۲۹۹۳۲۸۶

۶۶۴۰۷۳۴: فروشگاه شماره (۱): تهران خیابان انقلاب اسلامی، روبروی دانشگاه تهران، تلفن: ۶۶۴۰۷۳۴

۲۹۹۹۳۳۰۶: نمایندگی های روزنامه اطلاعات در سراسر کشور، تلفن توزیع و فروش: ۲۹۹۹۳۳۲۲، ۲۹۹۹۳۳۰۶

برای خرید پستی در سراسر کشور با تلفن ۲۹۹۳۲۸۶ تماس حاصل فرمایید.

آدرس سایت فروشگاه اینترنتی: www.ketabtelalaat.com

انتشارات اطلاعات منتشر کرد:

گزارش یک آدم ربایی

نوشته گابریل گارسیا مارکز

ترجمه امیر حسین طقانات

قطع رقی، ۲۳۶ صفحه

چاپ دوم: ۴۵۰۰ تومان

نویسنده در این کتاب گوشه هایی از واقعیت های خوشنودبار، پیچیده و متناقضی که جامعه کلمبیا را تشکیل می دهد به قلم استادانه و موشکافه خود توصیف می کند. وی از دید یک گزارشگر به روایت واقعه ای می پردازد که حاصل سه سال تحقیقات و انجام گفت و گو با شخصیت ها و بازماندگان شخیت های واقعی در حوادث این کتاب است.

در «گزارش یک آدم ربایی» قدرت شریبرانه «پابلواسکوبار» در اعمال اراده خود بر نهادهای مملکتی از طریق آدم ربایی به استادانه و واقعی ترین شکل آن تشریح شده است و از گوشه های جنگی گزارش می کند که قربانیان اصلی آن مردم کلمبیا هستند.

گارسیا مارکز در مقدمه اش می نویسد: «خوشبختانه این امکان برایم به وجود آمد که با چند تن از شخصیت های اصلی گفتگویی داشته باشم و آنها علی رغم اینکه زخم های گذشته که کوشیده بودند آن را فراموش کنند - دوباره سر باز می گرد و آرامشی را که می جستند بار دیگر برمی افشت، همیشه با سخاوتمندی و آغوش باز مرا پذیرفتند. درها، صوری و خشمشان به من قدرت داد تا این اثر که مشکل ترین و غمناک ترین آثار زندگی من است، نوشته شود. و از این غمگینم که این کتاب، تنها انعکاس کوچکی از وحشت حاکم بر آن اوضاع و احوال و واقعیات درناکی بود که آنها گذراندند».

در ترجمه «گزارش یک آدم ربایی» که مستقیماً از زبان اسپانیولی به فارسی صورت گرفته، کوشش شده است که هماهنگی میان شکل و محتوای کتاب مارکز حفظ گردد.

۲۹۹۳۲۸۶: فروشگاه مرکزی: تهران بزرگراه حقانی، روبروی ایستگاه مترو، ساختمان روزنامه اطلاعات، تلفن: ۲۹۹۳۲۸۶

۶۶۴۰۷۳۴: فروشگاه شماره (۱): تهران خیابان انقلاب اسلامی، روبروی دانشگاه تهران، تلفن: ۶۶۴۰۷۳۴

۲۹۹۹۳۳۰۶: نمایندگی های روزنامه اطلاعات در سراسر کشور، تلفن توزیع و فروش: ۲۹۹۹۳۳۲۲، ۲۹۹۹۳۳۰۶

برای خرید پستی در سراسر کشور با تلفن ۲۹۹۳۲۸۶ تماس حاصل فرمایید.

آدرس سایت فروشگاه اینترنتی: www.ketabtelalaat.com

محکمک

خوش رویی که محکمک خجریه آینه‌به می‌پایک

ابوالقاسم قاسم زاده

چشم مردم به خانه ملت است

گمان ندارم کسی از مسئولین یا مردم گمان نداشته باشند که کشور دچار بیماری اقتصادی شده است. این بیماری اگر چه این روزها در بازار «ارز و طلا» و لرز شدید ایجاد کرده است، اما در ارزیابی میزان تورم، کوکد تولید، رشد نرخ یکبارگی و تحیف شدن ارزش پول ملی و وضع چنان است که دست چنگی را جای انکار آن نیست و به قول معروف: آنجا که عیان است چه حاجت به بیان است. برخی این بیماری را به ویروس تحریم غرب علیه ایران نسبت می دهند و گروهی آنرا ناشی از سوء مدیریت می خوانند و بسیاری این هر دو را دلایل بوجود آمدن شرایط کنونی و بیمارزدگی اقتصاد کشور می‌شمارند. میدان تقد و بررسی ما باید است و همچنان دفاع از نظرات شخصی با جزمیت‌ها در خط و خطوط تشکیلاتی و سیاسی در اغلب گفته‌ها شنیده می‌شود! اینگونه نقدها که کار ساز است و نه راهگشا برای آینده بهتر.

چند روز قبل در نوشته‌ای در همین ستون با عنوان «بحرانی بزرگتر از مشکل ارز» نوشته ام که اگر به جای همگفکی برای یافتن علاج بیماری، یکدیگر را به منتهی کمیت و به جای مسئولیت‌پذیری و تصحیح اشتباهات رفتاری پیشه کنیم، اگر چه بازار تلبلیات و جنگ تبلیغاتی در داخل کشور داغ می‌شود، اما به جای حرکت جمعی برای حل مشکلات. نهمت‌زنی و نسبت ناووا به یکدیگر شدن مد روز خواهد شد.

حاصل این روش، دلسرد شدن بیشتر مردم خواهد بود و تهیه خوراک مناسب برای رسانه‌های یگانه، که خط تبلیغاتی فروپاشی اقتصاد ایران، به دلیل موقعیت تحریم‌های غرب ر شبانه‌روز دنبال می‌کنند. اگر فرض است که به جای یافتن راه‌حل، مسئولان و مدیرانی که مسئولیت مدیریت کلان کشور را دارند، چاره را در انجام مصاحبه و اعلام مواضع، آنهم در دایره نقد رقیب بلداند و این روش را ادامه دهند، نه تنها بیماری اقتصادی بر طرف نمی‌شود، بلکه چشم‌انداز راه علاجی نیز به مردم نشان داده نخواهد شد و مردم را از قدرت تدبیر مدیران مأیوس می‌کند. بارها رهبری هشتدار داده‌اند که سران قوا به گفت‌وگو با یکدیگر از تزییون‌های عمومی پایان دهند. همین امروز بعد از کش‌ها و واکنش‌ها در پی مصاحبه مطبوعاتی رئیس جمهور، این هشتداران رهبری در صدر اخبار روزنامه‌ها قرار گرفته است. این روزها به جای تبادل نظر، روش «تبادل جدل» مرسوم شده است. مردم می‌پرسند، این جلسات سران قوا که قرار بود در آن آینده‌نگری کنند و راه‌حلی برای مشکلات پیش آورند و علاج واقعه را قبل از وقوع موجب شوند، چه شد؟

جلسات سران سه قوه صرفا برای گرفتن عکس‌های یادگاری با بلندنی سیاسی نبود و نباید باشد. واقعیت‌های تلخ در بستر جامعه با این بلندخندا و گرفتن عکس‌های یادگاری شیرین نمی‌شود! مردم را امیدوار نمی‌کند و شاید بیماری اقتصادی را تشدید نیز بکنند و مردم به یکدیگر خواهند گفت که از جلسات رؤسای قوا هم آبی گرم نمی‌شود! نگاره هم به صحنه‌ای که جدل و اختلاف‌ها به تزییون‌های رسمی و غیررسمی کشیده شده است، نه تنها به آرام‌سازی روابط عمومی کمک نمی‌کند، که حس بی‌اعتمادی را در جامعه مضاعف می‌کند. هیچ دولتی نمی‌تواند در کشور کار انجام دهد، مگر آنکه سر خود را در اعتماد عمومی مردم با پشت صحنه، مصلحتی‌باز و پرزگتر، از حراست اعتماد عمومی برای اجرای مدیریت‌ها در اداره کشور نیست.

در این روزها چشم مردم به مردم حلت (مجلس) دوخته شده است تا جمعی نمایندگان ملت و مدیران مسئول طرح‌های ضروری، طرح چاره‌ساز را پیش آورد و نسخه‌ای برای حل مشکلات و علاج بیماری اقتصادی تهیه کند و ارائه دهد؟

مجلس در بروز فوریت طر‌حی را تصویب کرد که در آن اجرای مرحله دوم بارانه‌ها، فعل(مسکوت)، گذاشته می‌شود. هنوز شرح این طرح که هنوز به صورت رسمی آن تصویب نشده و نقد و بررسی در صحن علنی مجلس گذاشته نشده است که نماینده‌ای از مجلس که خود را حامی اولی احمدی‌نژاد می‌داند، گفته است: «اینکه برای توقف طرح بزرگ هدفمندی که از درخشان‌تری کارهای اقتصادی این کشور است، می‌پایز می‌آورند، جز خیانت» نیست؟! خدا را، از آن نماینده محترم می‌خواهم تا خود را اول روزنامه دولتی درج شده، مردم آنرا می‌خوانند و با تعجب می‌گویند، در چپوه خشنود، کاری که مجلس می‌خواهد انجام دهد «جز خیانت» نیست؟! خدا را، از آن نماینده محترم می‌خواهم تا خود را جای شهرندی بگذارد که صبح اول وقت در کنار دکه روزنامه‌فروشی، جلسات او را در صحنه اول روزنامه دولتی می‌خواند. آیا با این روش و با بیان این جملات آنهم از سوسی نماینده مجلس، جس اعتمادی برای مردم باقی می‌ماند؟! بار کلماتی که در این روزها بکار گرفته می‌شود، خسارت‌بار است.

ارزیابی مجدد اقدامات طر‌حی هدفمندی یارانه‌ها، در حالی که دولت از پایان اجرای مرحله اول آن خبر داده است، نه درصالح این طرح و نه سیاسی کاری است. هر طرح اقتصادی را می‌توان در دو بخش دید: بخش اول: بررسی نظری طر‌حی است که متخالف و موافق، براساس دانش‌های علمی یا تجربی درباره آن طر‌حی نظر می‌کنند، دوم: وقتی براساس نظر اقتصادی (در اینجا طر‌حی هدفمندی یارانه‌ها) تصویب قانونی و وارد مرحله اجرا شد، دیگر ارزیابی آن یک نقد بر بررسی نظری نیست. میدان عمل و اجرا نتایج را نشان می‌دهد. هر طرح اقتصادی، علیه المصنوع مالی، با زندگی فردی و خانوادگی جامعه سرر و کار پیدا می‌کند. زندگی عادی و روزانه مردم از اجرای طر‌حی مالی متأثر می‌شود. طر‌حی هدفمندی یارانه‌ها دیگر در فاز نظریه پردازی نیست که رد یا قبول شود. هدفمندی است که مردم از مجلس می‌خواهند به ارزیابی دقیق اجرای هر حله او این طر‌حی بپردازد. هزینه و فایده آن را محاسبه و شرایطسنجی و ادامه طر‌ح را منوط به رفع کاستی‌های آن در هر حله اجرا کنند. آیا این خواست مردم است؟ خلاف قانون یا بخدای ناکرده «خیانت» است؟

بسیاری از کارشناسان اقتصادی معتقدند کشور شرایطی که هم در تحریم غرب بسر می‌بریم و هم اجرای برنامه‌های اقتصادی و مالی دچار آشفتگی شده است، مسکوت گذاشتن اجرای فاز دوم طر‌حی هدفمندی یارانه‌ها، به صلاح کشور است. مگر قرار نبود پس از تصویب طر‌ح هدفمندی یارانه‌ها، مجلس مرحله به مرحله به ارزیابی هزینه و فایده آن بپردازد؟ در محاسبه شائب متحنی، برای اجرای این طر‌ح تصویب کرد، برای مرحله به مرحله آن مدت زمان مشخصی تعیین کرد، موضوع نرخ تورم، رشد تولید، کار آفرینی و دهها مورد از موارد مالی و اقتصادی را در اجرای این طر‌ح منظور داشت، آیا اکنون نباید اقدام به ارزیابی مجدد کند؟ مردم در این شرایط چشم به مجلس و نمایندگان خود دوخته‌اند و معتقدند اگر قرار است در روش مدیریت اجرای، تصحیح انجام یذرد، نیاز به همت و کاردانی خانه ملت است تا بدسون گرایش‌های خاص یا جزمیت‌های تشکیلاتی و سیاسی، از مسیر قانون‌بری برای آینده راهگشایی کنند. مردم از مجلس، صلابت در تصمیم‌گیری براساس مصالح ملی را می‌خواهند. همه باید دارند که به یاد مسیر تصحیح شود. کلید این کار در دست مجلس است و ضوابط آنرا مردم انجام می‌دهند.

واکنش سیاه به ادعای ورود

سرویس سیاسی -اجتماعی: معاون هماهنگ‌کننده سپاه پاسداران اقدام

احتمالی بهیاد جاسوسی در سرزمین‌های اشغالی را نشانگر ناکارآمدی سپر دفاعی رژیم جعلی صهیونیستی دانست.

سردار جمال‌الدین ابرومند دیروز در زمینه نفوذ بهیاد مسورد نظیر ۴۰۰ کیلوگرم سیمید نارذات و پیشینیه سپاه پاسداران، در پاسخ به سؤال درباره ادعای رژیم صهیونیستی مبنی بر ورود بهیاد ایرانی به سرزمین‌های اشغالی، گفت: این موضوع چندوجه دارد، ابتدا ممکن است اقدام که توسط رژیم جعلی صهیونیستی صورت گرفته است، یک عملیات روانی باشد. موضوع دیگر این است که این رژیم دشمنان بسیاری زیادی دارد و از طر‌حی به رغم ادعاهای این رژیم در خصوص توانایی سپهر دفاعی این حضور این بهیاد بر فرض این که عملیات روانی نباشد، یانگرا ناکارآمدی سیستم دفاع آنان است.

وی افزود: ادعاهای آنها در زمینه نفوذ بهیاد مسورد نظیر ۴۰۰ کیلوگرم سیمین سرزمین‌های اشغالی، یانگرا و چند ضعف‌های بسیار در رژیم صهیونیستی و سیستم دفاعی آن است. ابرومند همچنین در پاسخ به سؤال دیگری مبنی بر تهدید به قتل زائران گروگان گرفته دربارهٔ ایران در سوریه، گفت: تصور ما این است که این تهدیدها برای امنیت و بین‌الملل و این کشور، بی‌فایده است. رفیع خورشید احمد معاون هماهنگ‌کننده سپاه در بخش دیگری از این مصاحبه مطبوعاتی، به برگزاری کنگره سرداران ۴۰۰ شهید کارکنان و پشتیبانی سپاه پاسداران اشاره و تصریح کرد: هدفمندی که کشورمان در دفاع مقدس در بعد نظامی تحریم بود، امروز هم در شرایطی قرار داریم که باید با همان توانایی ملی و مردمی آن آثار عور کنیم. ابرومند از یادآوری توانایی‌ها در امور استعدادهای علمی و سازمان‌های نظامی، ارج نهادن به خاوندان شهان و تجدیدبیمان‌های سپاه و اجرای دستورالعمل معظم رهبری می‌داند. بر زنده نگه داشتن یاد شهیدها به عنوان اهداف کنگره سرداران ۴۰۰ شهید یاددارت‌های بسیار یاد کرد و افزود: دشمنان در ماه‌های نوایی‌های ما در مقابله با دشمن، موضوع سپاه است. این کنگره به آن پرداخته می‌شود زیرا درباره علت برادران شهید که در معرقت کربلا به‌اشاره به پیام آن یادآور شد: همانگونه که در دفاع مقدس توانستیم از مسیر سختی عبور کنیم، گذر از تحریم ملی کنونی نیز با اتکا به همان دلیل حل است. به گزارش خبرنگار ما، پس از این مصاحبه مطبوعاتی، از تمیر یادبود شهدای دارت‌کات و پشتیبانی سپاه و چند جلد کتاب رونمایی به عمل آمد.

رئیس‌جمهوری جمهوری اسلامی

خاک‌آرامخانه و اولویت‌ها از اقدام‌های استانداران و مسئولین اجرایی کشور دانست و اظهار داشت: اگر دشمنان سنگین‌ترین فشارها را هم اعمال کنند دولت حتی برای یک لحظه جریان خدمت‌گزاری در جامعه را تعطیل و حتی سرع آن را کاهش نخواهد داد.

دکتر محمود احمدی‌نژاد دیروز در نشست مشترک استانداران و مدیران بخش

کشاورزی و سرسراسر با قدرانی از خدمات اقدام‌های آن‌ها در خدمت به مردم، اظهار داشت: جمهوری اسلامی ایران برای خدمت به مردم و استقرار عدالت برپا شده است و باید مایه دلگرمی و خدمت خالصانه به مردم، رفاه و سعادت جامعه باشد. وی گفت: میزان ماندگاری سعادت و عزت در جامعه به میزان مفید بودن حکومت و مسئولین بستگی دارد.

رئیس‌جمهوری تصریح کرد: باید فرهنگ خدمت‌گزاری را حفظ و سرعت آن را افزایش دهیم و مراقب باشیم که با برخی بهانه‌ها به اولویت دست چندم تبدیل نشود

و همواره به عنوان اولویت اول مورد توجه باشد.

احمدی‌نژاد خاطر‌نشان کرد: ماندگاری ما به این است که بر ارزش‌های الهی و برپایی عدالت پافشاری کنیم و لحظاتی که در آن هستیم را در راه خدمت و تعالی جامعه و بودجه لازم هم برای اتمام آنها پیش نینی کرد. مردم باید با یزاییان مستمر از دست می‌رود قابل یزاییان باشند. احمدی‌نژاد با تأکید بر ضرورت انسجام، همدلی و مسئولیت‌شناسی همه دستگاه‌ها در قبال مسائل کشور، تصریح کرد: اگر دشمنان همه راه‌های مادی را هم به روی یک ملت ببنند، نمی‌توانند آن ملت را به سقوط بکشانند و امروز روزی است که همه باعث افزایش اشتغالزایی و توزیع عادلانه‌تر ثروت در کشور است؛ لذا ضرورت دارد با شرایط شیوه‌های آبیاری و اقدامات انکری، شرایط رونق هر چه بیشتر بخش کشاورزی کشور را تأمیندگی تبدیل کنیم و بدون تردید ملت ایران را این حوادث و شرایط با عزت و اقتدار عبور خواهد داد.

احمدی‌نژاد در بخش دیگری از

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام: مشارکت فعال مردم

خشی‌کننده همه توطئه‌هاست



بقیه از صفحه اول
و اهداف کید و دشمنی مغرضان و قدرت‌طلبان منحرف خواند و تصریح کرد: اگر چه افراطیون و بانداوران نتوانستند دلسوزان خدمت‌آرام مدیران کارآمد و علمای دلسوز و نیز دانشگاهیان فریخته را نابود کنند، اما آنان را مغرور و خات‌نشین کردند

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام اوجدهت ملی را نه به معنای ادغام نیروها و مسخره‌خواهی‌های گروهی، بلکه به عنوان فراهم کردن زمینه حضور همه وفاداران به انقلاب و قانون اساسی خواند؛ گفت: اگر زمینه مشارکت همه و عدالانه و برابر همه سلاطین فراهم شود، آنچه با انتخاب قانونی و آزاد

مردم به دست می‌آید، مورد پذیرش و حمایت همه خواهد بود و پس از آن اساس آنرا با دقت و رووند پیشرفت و توسعه هموار خواهد شد. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در دیدار با رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت‌های تخصصی، گفت: اگر زمینه مشارکت همه و عدالانه و برابر همه سلاطین فراهم شود، آنچه با انتخاب قانونی و آزاد

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در پاسخ به پرسش گروه‌ها، افراد و اقتدار گوناگون کشور در دبدارهای متعدد در مورد انتخابات ریاست جمهوری، به وجود حضور افراد پرتنزی می‌توانند، خوش‌نکر و کارآمد برای اداره کشور و در میان روه‌های موجود و دلسوز و طوطه‌های داخلی و خارجی خشتی و راه پیشرفت و توسعه کشور هموار خواهد شد.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در پاسخ به پرسش گروه‌ها، افراد و اقتدار گوناگون کشور در دبدارهای متعدد در مورد انتخابات ریاست جمهوری، به وجود حضور افراد پرتنزی می‌توانند، خوش‌نکر و کارآمد برای اداره کشور و در میان روه‌های موجود و دلسوز و طوطه‌های داخلی و خارجی خشتی و راه پیشرفت و توسعه کشور هموار خواهد شد.

رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس ایجاد فضای روانی و الهام‌برای مجلس ارزابه عنوان یک مهم‌ترین نوسانات بازار از دانست و افزود: در کنار افزایش تکنیکی در کشور، برخی اختلالات در انجام مسئولیت‌های مسئولان در بازار، نوسانات بازار را به‌دلیل دانست، مثلاً در شرایطی که موسسات و بنگاه‌ها مالی به عنوان محلی برای ذخیره کردن پول به شمار می‌آیند هیچ نظارتی بر آنها انجام نمی‌شود. بنابراین حضور این دسته از بنگاه‌های می‌تواند در اختلالات بازار نقش آرد و تأثیرگذار باشد.

جالبی در عین حال با بیان این که سهم کل نوسانات بازار از دامی‌نژاد منتهب به یک عده و عوامل محدود و متخصب است، ابراز امیدواری کرد که در صورت تدابیر مناسب توسط دولت در کنار دانش ذخیار مناسب برای مجلس بتوان بازار ارز را مدیریت کرد.

بازار ارز را به ضعف مدیریت و مصلدات‌انقلاب‌زمان مربوط دانست و عامل کنار یکدیگر را به عنوان یک متخصب بودن دولت یارانه‌ای به مردم اختصاص داد. وی دیگر این منبع از محل‌های غیر رسمی و خلق پول را به عنوان منبع درآمد دولت به مردم اختصاص داد و افزود: قرار بود در واقع شلشدن قیمت‌ها و به‌دلیل آن افزایش درآمد دولت یارانه‌ای به مردم به فضای ارزشمن در جامعه وجود دارد نقد در رسانه‌ها شنیده شده و به گفتگو می‌پردازند و در مقابل، در زمانی که مسئله‌ای مهم در کشور رخ می‌دهد حضور مسئولان تأثیرگذار در رسانه‌ها کمتر می‌شود.

وی با بیان این که در مورد ارز باید تصمیم‌گیری‌های موعوم و با سرعت انجام شد، خاطر‌نشان کرد: متأسفانه برخی اقدها بسیار کند از سوی مسئولان انجام شده که خود آنها هم در جلسات خصوصی به آن اعتنا ن کردند.

لکچران دولتی

رئیس‌جمهوری: امروز به وحدت و همدلی نیازمندیم

اظهارات خود ضرورت پیگیری و اتمام طرح‌های مهر ماندگار را مورد تأکید قرار داد و گفت: طرح‌های مهر ماندگار از اقدام‌های مهم و ویژه دولت در سال جاری است و به طور متوازن و با ننگه عادلانه و سراسر کشور توزیع شده است و همه امکانات و بودجه لازم هم برای اتمام آنها پیش نینی شده که ضرورت دارد با پیگیری مستمر این طرح‌ها به اتمام برسد تا یاری بر دوش دولت‌های بعدی نباشد. رئیس‌جمهوری همچنین با اشاره به لزوم توجه به کشاورزی و رفع مشکلات موجود در این بخش اظهار داشت: توجه به کشاورزی نه فقط می‌تواند نیازهای کشور را برسرآورد کند بلکه باعث افزایش اشتغالزایی و توزیع عادلانه‌تر ثروت در کشور است؛ لذا ضرورت دارد با شرایط شیوه‌های آبیاری و اقدامات انکری، شرایط رونق هر چه بیشتر بخش کشاورزی کشور را تأکید کرد: امروز همگی نیازمند همدلی و وحدت با یکدیگر هستیم.

رئیس‌جمهوری همچنین با اشاره به تسبیح کنند، رئیس‌جمهوری همچنین استانداران و مدیران اجرایی کشور را به داشتن ارتباط عاطفی و صمیمانه با مردم توصیه کرد و گفت: مسئولین وظیفه دارند در کنار تلاش برای اقدامات زیربنایی، رفع مشکلات جزئی مردم به خصوص طبقات محروم را در دستور کار خود داشته باشند.

لزوم ایجاد آرامش و ثبات در بازار
دکتر محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهوری در جلسه هیات دولتی پر لزوم ایجاد آرامش و ثبات در بازار تأکید کرد. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، در ابتدای این جلسه دکتر احمدی‌نژاد با بیان این‌که پس گرفتن طرح استیضاح وزیر ورزش و جوانان توسط مجلس شورای اسلامی اقدامی درست و نشان‌دهنده فهم صحیح مجلس است، این اقدام را استود و تأکید کرد: امروز همگی نیازمند همدلی و وحدت با یکدیگر هستیم.

وزیر اطلاعات و وزارت امور خارجه و تشکیلاتی و بیمه‌ای کشور در حال تلاش هستند و ما هم تلاش‌هایی را انجام می‌دهیم. وی ادامه داد: البته کشورهایی که گروه‌های مختلف و معارض سوریه را تجهیز می‌کنند و سلاح خود ایرانی در لیبی در گفت‌وگو با شه‌نگار صدامیما درباره اقدامات و زحماتی که وزارت اطلاعات برای آزادی کارکنان هال‌احمر کشورمان که در لیبی گرفتار گرفته شده بودند، گفت: آزادی این گروگان‌ها موقعیت بزرگی برای ملت ایران بود که سربازان گمنام امام زمان(عج) به عنوان فرزندان ملت ایران توانستند در یک سری اقدام‌هایم که قابل بیان نیست، این گروگان‌ها را به کشورمان بازگردانند.

وزیر اطلاعات و وزارت امور خارجه و تشکیلاتی و بیمه‌ای کشور در حال تلاش هستند و ما هم تلاش‌هایی را انجام می‌دهیم. وی ادامه داد: البته کشورهایی که گروه‌های مختلف و معارض سوریه را تجهیز می‌کنند و سلاح خود ایرانی در لیبی در گفت‌وگو با شه‌نگار صدامیما درباره اقدامات و زحماتی که وزارت اطلاعات برای آزادی کارکنان هال‌احمر کشورمان که در لیبی گرفتار گرفته شده بودند، گفت: آزادی این گروگان‌ها موقعیت بزرگی برای ملت ایران بود که سربازان گمنام امام زمان(عج) به عنوان فرزندان ملت ایران توانستند در یک سری اقدامات و زحماتی که وزارت امور خارجه و تشکیلاتی و بیمه‌ای کشور در حال تلاش هستند و ما هم تلاش‌هایی را انجام می‌دهیم.

وزیر اطلاعات و وزارت امور خارجه و تشکیلاتی و بیمه‌ای کشور در حال تلاش هستند و ما هم تلاش‌هایی را انجام می‌دهیم. وی ادامه داد: البته کشورهایی که گروه‌های مختلف و معارض سوریه را تجهیز می‌کنند و سلاح خود ایرانی در لیبی در گفت‌وگو با شه‌نگار صدامیما درباره اقدامات و زحماتی که وزارت امور خارجه و تشکیلاتی و بیمه‌ای کشور در حال تلاش هستند و ما هم تلاش‌هایی را انجام می‌دهیم.

وزیر اطلاعات و وزارت امور خارجه و تشکیلاتی و بیمه‌ای کشور در حال تلاش هستند و ما هم تلاش‌هایی را انجام می‌دهیم. وی ادامه داد: البته کشورهایی که گروه‌های مختلف و معارض سوریه را تجهیز می‌کنند و سلاح خود ایرانی در لیبی در گفت‌وگو با شه‌نگار صدامیما درباره اقدامات و زحماتی که وزارت امور خارجه و تشکیلاتی و بیمه‌ای کشور در حال تلاش هستند و ما هم تلاش‌هایی را انجام می‌دهیم.

وزیر اطلاعات و وزارت امور خارجه و تشکیلاتی و بیمه‌ای کشور در حال تلاش هستند و ما هم تلاش‌هایی را انجام می‌دهیم. وی ادامه داد: البته کشورهایی که گروه‌های مختلف و معارض سوریه را تجهیز می‌کنند و سلاح خود ایرانی در لیبی در گفت‌وگو با شه‌نگار صدامیما درباره اقدامات و زحماتی که وزارت امور خارجه و تشکیلاتی و بیمه‌ای کشور در حال تلاش هستند و ما هم تلاش‌هایی را انجام می‌دهیم.

وزیر اطلاعات و وزارت امور خارجه و تشکیلاتی و بیمه‌ای کشور در حال تلاش هستند و ما هم تلاش‌هایی را انجام می‌دهیم. وی ادامه داد: البته کشورهایی که گروه‌های مختلف و معارض سوریه را تجهیز می‌کنند و سلاح خود ایرانی در لیبی در گفت‌وگو با شه‌نگار صدامیما درباره اقدامات و زحماتی که وزارت امور خارجه و تشکیلاتی و بیمه‌ای کشور در حال تلاش هستند و ما هم تلاش‌هایی را انجام می‌دهیم.

وزیر اطلاعات و وزارت امور خارجه و تشکیلاتی و بیمه‌ای کشور در حال تلاش هستند و ما هم تلاش‌هایی را انجام می‌دهیم. وی ادامه داد: البته کشورهایی که گروه‌های مختلف و معارض سوریه را تجهیز می‌کنند و سلاح خود ایرانی در لیبی در گفت‌وگو با شه‌نگار صدامیما درباره اقدامات و زحماتی که وزارت امور خارجه و تشکیلاتی و بیمه‌ای کشور در حال تلاش هستند و ما هم تلاش‌هایی را انجام می‌دهیم.

وزیر اطلاعات و وزارت امور خارجه و تشکیلاتی و بیمه‌ای کشور در حال تلاش هستند و ما هم تلاش‌هایی را انجام می‌دهیم. وی ادامه داد: البته کشورهایی که گروه‌های مختلف و معارض سوریه را تجهیز می‌کنند و سلاح خود ایرانی در لیبی در گفت‌وگو با شه‌نگار صدامیما درباره اقدامات و زحماتی که وزارت امور خارجه و تشکیلاتی و بیمه‌ای کشور در حال تلاش هستند و ما هم تلاش‌هایی را انجام می‌دهیم.

وزیر اطلاعات و وزارت امور خارجه و تشکیلاتی و بیمه‌ای کشور در حال تلاش هستند و ما هم تلاش‌هایی را انجام می‌دهیم. وی ادامه داد: البته کشورهایی که گروه‌های مختلف و معارض سوریه را تجهیز می‌کنند و سلاح خود ایرانی در لیبی در گفت‌وگو با شه‌نگار صدامیما درباره اقدامات و زحماتی که وزارت امور خارجه و تشکیلاتی و بیمه‌ای کشور در حال تلاش هستند و ما هم تلاش‌هایی را انجام می‌دهیم.

وزیر اطلاعات و وزارت امور خارجه و تشکیلاتی و بیمه‌ای کشور در حال تلاش هستند و ما هم تلاش‌هایی را انجام می‌دهیم. وی ادامه داد: البته کشورهایی که گروه‌های مختلف و معارض سوریه را تجهیز می‌کنند و سلاح خود ایرانی در لیبی در گفت‌وگو با شه‌نگار صدامیما درباره اقدامات و زحماتی که وزارت امور خارجه و تشکیلاتی و بیمه‌ای کشور در حال تلاش هستند و ما هم تلاش‌هایی را انجام می‌دهیم.

وزیر اطلاعات و وزارت امور خارجه و تشکیلاتی و بیمه‌ای کشور در حال تلاش هستند و ما هم تلاش‌هایی را انجام می‌دهیم. وی ادامه داد: البته کشورهایی که گروه‌های مختلف و معارض سوریه را تجهیز می‌کنند و سلاح خود ایرانی در لیبی در گفت‌وگو با شه‌نگار صدامیما درباره اقدامات و زحماتی که وزارت امور خارجه و تشکیلاتی و بیمه‌ای کشور در حال تلاش هستند و ما هم تلاش‌هایی را انجام می‌دهیم.

وزیر اطلاعات و وزارت امور خارجه و تشکیلاتی و بیمه‌ای کشور در حال تلاش هستند و ما هم تلاش‌هایی را انجام می‌دهیم. وی ادامه داد: البته کشورهایی که گروه‌های مختلف و معارض سوریه را تجهیز می‌کنند و سلاح خود ایرانی در لیبی در گفت‌وگو با شه‌نگار صدامیما درباره اقدامات و زحماتی که وزارت امور خارجه و تشکیلاتی و بیمه‌ای کشور در حال تلاش هستند و ما هم تلاش‌هایی را انجام می‌دهیم.

رئیس‌جمهوری جمهوری اسلامی

خاک‌آرامخانه و اولویت‌ها از اقدام‌های استانداران و مسئولین اجرایی کشور دانست و اظهار داشت: اگر دشمنان سنگین‌ترین فشارها را هم اعمال کنند دولت حتی برای یک لحظه جریان خدمت‌گزاری در جامعه را تعطیل و حتی سرع آن را کاهش نخواهد داد.

دکتر محمود احمدی‌نژاد دیروز در نشست مشترک استانداران و مدیران بخش کشاورزی و سرسراسر با قدرانی از خدمات اقدام‌های آن‌ها در خدمت به مردم، اظهار داشت: اگر دشمنان همه راه‌های مادی را هم به روی یک ملت ببنند، نمی‌توانند آن ملت را به سقوط بکشانند و امروز روزی است که همه باعث افزایش اشتغالزایی و توزیع عادلانه‌تر ثروت در کشور است؛ لذا ضرورت دارد با شرایط شیوه‌های آبیاری و اقدامات انکری، شرایط رونق هر چه بیشتر بخش کشاورزی کشور را تأکید کرد: امروز همگی نیازمند همدلی و وحدت با یکدیگر هستیم.

رئیس‌جمهوری همچنین با اشاره به تسبیح کنند، رئیس‌جمهوری همچنین استانداران و مدیران اجرایی کشور را به داشتن ارتباط عاطفی و صمیمانه با مردم توصیه کرد و گفت: مسئولین وظیفه دارند در کنار تلاش برای اقدامات زیربنایی، رفع مشکلات جزئی مردم به خصوص طبقات محروم را در دستور کار خود داشته باشند.

مصلحی: اطلاعات دقیقی از کمک دشمن

به منافقین داریم

وزیر اطلاعات و وزارت امور خارجه و تشکیلاتی و بیمه‌ای کشور در حال تلاش هستند و ما هم تلاش‌هایی را انجام می‌دهیم. وی ادامه داد: البته کشورهایی که گروه‌های مختلف و معارض سوریه را تجهیز می‌کنند و سلاح خود ایرانی در لیبی در گفت‌وگو با شه‌نگار صدامیما درباره اقدامات و زحماتی که وزارت اطلاعات برای آزادی کارکنان هال‌احمر کشورمان که در لیبی گرفتار گرفته شده بودند، گفت: آزادی این گروگان‌ها موقعیت بزرگی برای ملت ایران بود که سربازان گمنام امام زمان(عج) به عنوان فرزندان ملت ایران توانستند در یک سری اقدامات و زحماتی که وزارت امور خارجه و تشکیلاتی و بیمه‌ای کشور در حال تلاش هستند و ما هم تلاش‌هایی را انجام می‌دهیم.

وزیر اطلاعات و وزارت امور خارجه و تشکیلاتی و بیمه‌ای کشور در حال تلاش هستند و ما هم تلاش‌هایی را انجام می‌دهیم. وی ادامه داد: البته کشورهایی که گروه‌های مختلف و معارض سوریه را تجهیز می‌کنند و سلاح خود ایرانی در لیبی در گفت‌وگو با شه‌نگار صدامیما درباره اقدامات و زحماتی که وزارت امور خارجه و تشکیلاتی و بیمه‌ای کشور در حال تلاش هستند و ما هم تلاش‌هایی را انجام می‌دهیم.

وزیر اطلاعات و وزارت امور خارجه و تشکیلاتی و بیمه‌ای کشور در حال تلاش هستند و ما هم تلاش‌هایی را انجام می‌دهیم. وی ادامه داد: البته کشورهایی که گروه‌های مختلف و معارض سوریه را تجهیز می‌کنند و سلاح خود ایرانی در لیبی در گفت‌وگو با شه‌نگار صدامیما درباره اقدامات و زحماتی که وزارت امور خارجه و تشکیلاتی و بیمه‌ای کشور در حال تلاش هستند و ما هم تلاش‌هایی را انجام می‌دهیم.

وزیر اطلاعات و وزارت امور خارجه و تشکیلاتی و بیمه‌ای کشور در حال تلاش هستند و ما هم تلاش‌هایی را انجام می‌دهیم. وی ادامه داد: البته کشورهایی که گروه‌های مختلف و معارض سوریه را تجهیز می‌کنند و سلاح خود ایرانی در لیبی در گفت‌وگو با شه‌نگار صدامیما درباره اقدامات و زحماتی که وزارت امور خارجه و تشکیلاتی و بیمه‌ای کشور در حال تلاش هستند و ما هم تلاش‌هایی را انجام می‌دهیم.

وزیر اطلاعات و وزارت امور خارجه و تشکیلاتی و بیمه‌ای کشور در حال تلاش هستند و ما هم تلاش‌هایی را انجام می‌دهیم. وی ادامه داد: البته کشورهایی که گروه‌های مختلف و معارض سوریه را تجهیز می‌کنند و سلاح خود ایرانی در لیبی در گفت‌وگو با شه‌نگار صدامیما درباره اقدامات و زحماتی که وزارت امور خارجه و تشکیلاتی و بیمه‌ای کشور در حال تلاش هستند و ما هم تلاش‌هایی را انجام می‌دهیم.

وزیر اطلاعات و وزارت امور خارجه و تشکیلاتی و بیمه‌ای کشور در حال تلاش هستند و ما هم تلاش‌هایی را انجام می‌دهیم. وی ادامه داد: البته کشورهایی که گروه‌های مختلف و معارض سوریه را تجهیز می‌کنند و سلاح خود ایرانی در لیبی در گفت‌وگو با شه‌نگار صدامیما درباره اقدامات و زحماتی که وزارت امور خارجه و تشکیلاتی و بیمه‌ای کشور در حال تلاش هستند و ما هم تلاش‌هایی را انجام می‌دهیم.

وزیر اطلاعات و وزارت امور خارجه و تشکیلاتی و بیمه‌ای کشور در حال تلاش هستند و ما هم تلاش‌هایی را انجام می‌دهیم. وی ادامه داد: البته کشورهایی که گروه‌های مختلف و معارض سوریه را تجهیز می‌کنند و سلاح خود ایرانی در لیبی در گفت‌وگو با شه‌نگار صدامیما درباره اقدامات و زحماتی که وزارت امور خارجه و تشکیلاتی و بیمه‌ای کشور در حال تلاش هستند و ما هم تلاش‌هایی را انجام می‌دهیم.

وزیر اطلاعات و وزارت امور خارجه و تشکیلاتی و بیمه‌ای کشور در حال تلاش هستند و ما هم تلاش‌هایی را انجام می‌دهیم. وی ادامه داد: البته کشورهایی که گروه‌های مختلف و معارض سوریه را تجهیز می‌کنند و سلاح خود ایرانی در لیبی در گفت‌وگو با شه‌نگار صدامیما درباره اقدامات و زحماتی که وزارت امور خارجه و تشکیلاتی و بیمه‌ای کشور در حال تلاش هستند و ما هم تلاش‌هایی را انجام می‌دهیم.

وزیر اطلاعات و وزارت امور خارجه و تشکیلاتی و بیمه‌ای کشور در حال تلاش هستند و ما هم تلاش‌هایی را انجام می‌دهیم. وی ادامه داد: البته کشورهایی که گروه‌های مختلف و معارض سوریه را تجهیز می‌کنند و سلاح خود ایرانی در لیبی در گفت‌وگو با شه‌نگار صدامیما درباره اقدامات و زحماتی که وزارت امور خارجه و تشکیلاتی و بیمه‌ای کشور در حال تلاش هستند و ما هم تلاش‌هایی را انجام می‌دهیم.

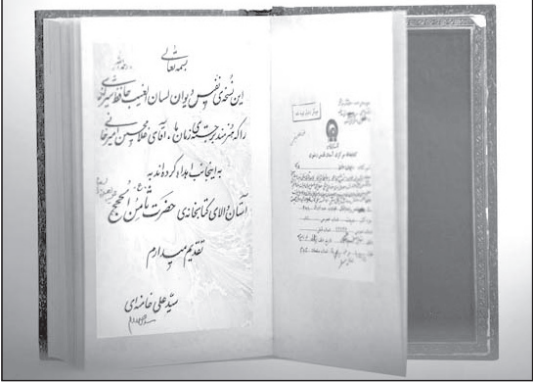
وزیر اطلاعات و وزارت امور خارجه و تشکیلاتی و بیمه‌ای کشور در حال تلاش هستند و ما هم تلاش‌هایی را انجام می‌دهیم. وی ادامه داد: البته کشورهایی که گروه‌های مختلف و معارض سوریه را تجهیز می‌کنند و سلاح خود ایرانی در لیبی در گفت‌وگو با شه‌نگار صدامیما درباره اقدامات و زحماتی که وزارت امور خارجه و تشکیلاتی و بیمه‌ای کشور در حال تلاش هستند و ما هم تلاش‌هایی را انجام می‌دهیم.

وزیر اطلاعات و وزارت امور خارجه و تشکیلاتی و بیمه‌ای کشور در حال تلاش هستند و ما هم تلاش‌هایی را انجام می‌دهیم. وی ادامه داد: البته کشورهایی که گروه‌های مختلف و معارض سوریه را تجهیز می‌کنند و سلاح خود ایرانی در لیبی در گفت‌وگو با شه‌نگار صدامیما درباره اقدامات و زحماتی که وزارت امور خارجه و تشکیلاتی و بیمه‌ای کشور در حال تلاش هستند و ما هم تلاش‌هایی را انجام می‌دهیم.

وزیر اطلاعات و وزارت امور خارجه و تشکیلاتی و بیمه‌ای کشور در حال تلاش هستند و ما هم تلاش‌هایی را انجام می‌دهیم. وی ادامه داد: البته کشورهایی که گروه‌های مختلف و معارض سوریه را تجهیز می‌کنند و سلاح خود ایرانی در لیبی در گفت‌وگو با شه‌نگار صدامیما درباره اقدامات و زحماتی که وزارت امور خارجه و تشکیلاتی و بیمه‌ای کشور در حال تلاش هستند و ما هم تلاش‌هایی را انجام می‌دهیم.

وزیر اطلاعات و وزارت امور خارجه و تشکیلاتی و بیمه‌ای کشور در حال تلاش هستند و ما هم تلاش‌هایی را انجام می‌دهیم. وی ادامه داد: البته کشورهایی که گروه‌های مختلف و معارض سوریه را تجهیز می‌کنند و سلاح خود ایرانی در لیبی در گفت‌وگو با شه‌نگار صدامیما درباره اقدامات و زحماتی که وزارت امور خارجه و تشکیلاتی و بیمه‌ای کشور در حال تلاش هستند و ما هم تلاش‌هایی را انجام می‌دهیم.

جزئیاتی از وقف یک کتاب نفیس توسط رهبر معظم انقلاب به کتابخانه آستان قدس رضوی



هفت سال پس از اهدای یک نسخه نفیس از دیوان حافظ و در آستانه روز بزرگداشت این شاعر گرانقدر، جزئیاتی درباره این نسخه منتشر می‌شود.

در تیرماه سال ۱۳۷۴، استاد غلامحسین امیرخانی - هنرمند چیره‌دست خط نستعلیق و چهره ماندگار هنر - یک نسخه فوق‌العاده نفیس از دیوان حافظ را در رهبر معظم انقلاب اسلامی اهدا نمود. معظلم‌ها هم پس از مطالعه و تأدین در این کتاب، آن را به رسم وقف به کتابخانه آستان قدس رضوی اهدا فرمودند.

رهبر معظم انقلاب در آغاز این نسخه فوق‌العاده نفیس نوشته‌اند: «این نسخه نفیس دیوان لسان‌الغلب شیرازی (رحمة‌الله) را که هنرمند برجسته زمان ما آقای غلامحسین امیرخانی به اینجانب اهدا کرده‌اند، به آستان والاّی کتابخانه حضرت ثامن‌الحجج علیه‌الصلوة‌والسلام تقدیم می‌دارم.»

این کتاب شریف پس از اهدای معظلم‌ها، در کتابخانه آستان قدس رضوی مورد نسخه‌شناسی و مرمت قرار گرفت. سپس از آن میکروفیلم تهیه شد و معدمات چاپ آن را روی تصاویر انجام پذیرفت. مؤسسه آفرینش‌های آستان قدس رضوی با همکاری اداره کل اوقاف و امور خیریه استان فارس این نسخه گر‌کنشگ را به زیور طبع آراست. در آغاز آن هم به عنوان مقدمه، متن سخنرانی رهبر معظم انقلاب اسلامی در کنگره بزرگداشت حافظ (آبان‌ماه ۱۳۷۶) را درج کرده‌اند.

۱. نکته در مورد این کتاب

۱. به قلم کیست؟
ناشر این اثر نفیس، کتاب آن را هنرمند به‌نام خط شکسته‌نستعلیق، استاد عبدالمجید طالقانی عنوان نموده است، اما در بررسی‌های هنرمندان طراز اول هنر خوشنویسی و نسخه‌شناسان متبحر کشورمان، این انتساب مورد تأیید قرار نگرفت و کاتب آن را محمدحسین شیرازی دانسته‌اند.

استاد غلامحسین امیرخانی در این خصوص توضیح جالبی داده است.
۲. سخت‌خوان اما چشم‌نواز

خط نگارش این کتاب به شکسته‌نستعلیق خفی است؛ خطی که علیرغم هنرورزی‌های بسیار زیبا و جلوه‌های بصری و ویژه‌ای که دارد، برای خوانند عام عموم مردم قابل توجه نیست.

۳. دیوان حافظ دوران صفوی
این نسخه دیوان حافظ از لحاظ حافظ‌شناسی همان نسخه‌ای است که در دوران صفویه در دست مردم بوده و با نسخ متفق و مصحح حافظ در زمان ما ماصله دارد. این دیوان حافظ در باره‌ای موارد دارای ابیات اضافی و نیز تغییر در جملات اثر است.

۴. نفیس بودن اثر
نسخه اصلی این کتاب در سال ۱۱۲۴ هجری قمری کاتب کرده‌اند. مشخصات فنی آن عبارت است از: دارای کاغذ آغای نباتی، زمینه و سط‌فصحا‌افشان غبار، کمند و جدول‌بندی به زر، تحریر مشکی. صفحه نخست آن دارای سرلوح مزوج در مرصع و تذهیب شده است. خط اثر شکسته خفی است.

۵. اطلاعات تکمیلی

این کتاب برای نخستین بار در مهرماه ۱۳۸۷ با شمارگان ۵۰۰۰ نسخه انتشار شده است. ۴۴۰ صفحه دارد و احتمالاً هم‌اکنون کمی کمیاب است.

اطلاعات

معارف و حکمت‌های حج

آیه‌الله العظمیٰ جوادی آملی ‏ بخش هشتم

سرّ اساسی الهی تعمیر مسجد الحرام و تولّد آن را اختیار کرده‌است کثیور معلوم حجاز نیست، آن آیه است که عیبه و حرم امن الهی، همانند آثار باستانی اقوام و ملل خاص نیست تا گروه مخصوصی اتکا نداشته و نخواهد داشت و همان‌طوری که قرآن کریم محصول فکر احدی نیست و هیچ فردی توان آورد همتای آن را ندارد و لذا کلام الله و کتاب الله است و اختصاصی به کسی ندارد و همان‌طوری که پیامبر اکرم (ص) در مکتب احدی علم نیاموخت و احدی حق تعلیم و تزکیه و تهذیب در او ندارد، لذا عبدالله و رسول الله است، کعبه نیز به شرح اضیاء زیاره آن در ملک احد و کسی ساخته شد و نه نقشه آن را مهندس بشری طرح کرد و نه مصالح ساختمانی آن ملک کسی بود و نه معمار و دستیار آن، فرد عادی بودند؛ بلکه همه توحهات آن، چنانچه اشاره شده، متعلق به ذات اقدس الهی بوده و می‌باشد.

لذا این امور می‌توانند محور وحدت مسلمانان سراسر گیتی قرار گیرند و تبلور دین جهان شمول اسلام در آنها خواهد بود و همان‌طوری که خدای سبحان حقیقت قرآن را از تطاول طاغوتیان لثم و از گزند هر گونه تحریف حفظ کرد و مصون نگه می‌دارد، به‌طوری که نه حرفی بر آن افزوده شد و نه ممکن است افزوده گردد، چنان‌که نه حرفی از آن کاهش یافت و نه ممکن است کاسته گردد و همان‌طوری که رسالت رسول اکرم (ص) را با اعجازهای گوناگون مخصوصاً با معجزه خالده، یعنی قرآن کریم تثبیت نمود و همچنان ثابت نگه می‌دارد، کعبه را نیز که میجالی وحدت مسلمین جهان است، همواره از گزند ابره‌های گذشته و حال و آینده مصون نگه می‌دارد.

همان‌طوری که بر تمام مسلمانان عالم لازم است که در حرسات قرآن بکوشند و در صیانت شخصیت حقوقی و رسالت نبی اکرم (ص) جدیت نمایند، همچنین واجب است که در تأمین حرم و تقدیس آن جهاد نمایند تا مبدا به لوث آلود گردد.
همان‌طوری که صرف عربی بودن قرآن یا نزول آن در حجاز، دلیل اختصاص آن به تازی زبانان نیست و همان‌طوری که صرف آنکه پیامبر اکرم (ص) در حجاز به سر می‌برد و همانجا رحلت کرد و مزار شریفش در همان سرزمین واقع شده است، مایه اختصاص آن به قوم عرب یا مردم حجاز نیست؛ زیرا قرآن و همچنین رسول اکرم (ص) از لحاظ پیکر یا لفظ یا قالب بدین، همانند دیگرانند، لیکن از لحاظ معنی و قلب هیچ کلامی همتای قرآن نبوده و هیچ شخصی همتان رسول اکرم (ص) نخواهد شد و همین‌طور صرف وقوع بنای کعبه در حجاز و تأمین مصالح آن یا مواد اولیه آن سرزمین، اختصاص به عرب یا مردم حجاز یا او دولتمرد آن ابره‌گر نه آن نخواهد بود؛ زیرا اگر چه کعبه از اجزای تشکیل شده یک ظاهر عاری آن همانند اجزای دیگر، نه سومند است و نه زیانبار، لیکن از آن‌چیز که محایر عبادت خداست و چهار دیوار آن بر نقشه تسبیحات اربع «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر» بنا نهاده شد و عین سلطه همه ابرسلطنتهاست، همانندی نخواهد داشت و اگر کتاب یا کلام یا شخص یا پناهی به غیر خدا وابسته باشد، هرگز نمی‌تواند تبلور اسلام جهان شمول باشد.

صفیو الرحمن

۲۰. این صفای مهمانی حرم و دعوت شدگان حّق‌اند که شرایط و اوصاف خاص را واجد باشند و قرآن کریم، هم اوصاف آنها را به نحو عموم بیان کرد و هم مصادق آن را به نحو خصوصی ذکر نمود؛ اما برای عمومی همان است که در عهد نبوت به معمار و دستیار کعبه، یعنی خلیل الله (ص) ذبیح الهیان شد: **طُورِ ابْنِ الْمُطَفِّينَ وَالْمَلَكِینَ وَ الرُّکَّع السَّجُودِ**.

اما مصادق آن همان است که در آیه ۹۱ سوره فتح فرمود: **مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَالَّذینَ مَعَهُ أَشْدَّاءُ عَلَی الْکُفَّارِ رِجْمًا وَّ نَجْمًا تَجْدِیثُ یَبْتَغُونَ قُتْلًا مِنْهُ وَ یَرْضَوْنَ**؛ یعنی آن را کائنات و ساجدان که حضرت خلیل (ص) و ذبیح (ص) نامور و دیندار عظیم الهی برای صفیات الهی شانه‌هاست راستین نمودن اگر کم‌تر که در کنار نماز و رکوع و سجود، صلابت ابراهیمی را علیه نمرودیان سعودی و غیر سعودی داشته و رافت خلیل الرحمن را نسبت به تمامان حرموم سراسر جهان اسلام دارند.

آن که آلوده فکر یا آلوده عمل است، مهمان نیست طاهر نیست و آن که امتیاز طلب و برتری خود را می‌بیند، مهمان نیست مسائرات و موائست نیست و آن که بنده هوا و برده هوس یا بنده هر مستکبر یا نوکر شرع ملحد است، مهمان نیست عتیق و خانه آزاد و آزادگی نمی‌باشد و آن که صدهایت و پیشین دارد، مهمان نیست توحید نخواهد بود و آن که روی در خلق دارد و پشت بر خلق نهان می‌گازد، مهمان نیست مسلمین نیست و آن که به جای تبری از شرک و نفاق و کفر، جز متولیان سران الحاد است، مهمان مطاف عاقلان نیست و آنکه در قبال استعمارگر کر کش می‌کند، مهمان خانه راکعان و ساجدان نخواهد بود.

خاطره تاریخ و اعلان خطر

اکتون که طی بخشهای امتداد فقراتی، محورهای اصیل و جذم اسلامی تبیین شد و قداست عمتد هر معلوم گشت، توحید و عودت مسلمانان جهان، مخصوصاً صاحب نظران و فرزاتگان اسلامی را به فاجعه خونبار و سناحنه سنگین و دردناک دربار و رخداد غمبار و خاتمه سیه‌نگین عصر، بلکع اعصار و ضایعه دریداد قرن یکله قرن هجری جلب می‌نماید و این اینکه راقم این سطور، همانند صدها هزار زائر مسلمان در موسم حج سال ۱۴۰۷ق به مزم حج و زیارت حرمات الهی حجاز شلمد و چون تبری از مشرکان همانند قریب اوابی اهل قرن مّین در تعبیه شد و در مناسک حج نیز تبلور خاص دارد و برای نیل به این هدف و وحدت همگان ضروری است، لذا طبق رهنمود مقام معظم رهبری و پیانگهان حکومت اسلامی، حضرت امام آخینعی امام‌ظله العالی ایهیماپی باسکوه و جدور در مدینه منوره و تظاهرات شکوهمند پراشت از مشرکین در مکه تشکیل شد.

این سنت حسنه، بعد از احیای آثار آفراموش شده مناسک حج، رائج بود و در پیرامرس هزاران نفر از زن و مرد از ایران و غیر ایران شرکت می‌نمودند و نسوع این جریان نیز با اعلام توافق قبلی هیأت حاکمه کنونی حجاز بود و هیچ گونه نامنی و اعتقداش از طرف زائران و برادر جوانان مشاهده نمی‌شد و در پایان مراسم نیز از نماز جماعت مدینه به مکه شرکت می‌کردند و همانند دیگران فربضه الهی خود را به جماعت برگزار می‌نمودند.

لیکن بعد از ظهر جمعه ششم ذی‌الحجه ۱۴۰۷، هنوز راهیماپیی برانث از مشرکین در مکه به پایان نرسیده بود، در حالی که در پیشاپیش راهیماپییان، زنان و مسلمانان و معلولان جنگ تحمیلی و... بودند، مأموران آن سده که به دستور مستقیم سلطان طاعی حجاز که خود را خادم الخرمین می‌نامد و به فرمان قطعی آمریکا، شروع به سرکوب زائران غریب و بی‌پناه نمودند؛ به‌طوری که صدها نفر از زن و مرد مسلمان کشته و صدها نفر زجر و زخمی و مجروح و خفه شدند و این کشتار بی رحمانه با سلاح گرم و سرد و گاز اشک‌ناجم شد و صفیر مسلسل آن سده در فضایی حرم امن الهی پیچید و در ماه حرام و در «بلد امین»، زائران محرم را به جرم تبری از مشرکان چنین کشتند و از تحویل اجساد و جنازه‌ها تا مدت‌های مدید خودداری کردند و سایر چنانهای روانی و غیر روانی را که نه قلم یارای شرح آن است و نه بیان، هر ترکب بدید.

هان ای مسلمانان عالم! تنها افغانستان در چنگال شوری یا فلسطین در قهر اسرائیل یا لبنان و ... در زیر چکمه آمریکا نیست، بلکه حرمین در سلطه سعهدهای آمریکایی است! هان ای رادمردان اسلامی! بکوشید قبیلتان را از سلطه آمریکا آزاد کنید! هان ای مجاهدان مبارک! از آن سده کسب است و **اِذَا قِیلَ لَهُ اِنَّ اللهَ اَدْخَلَ الْعَرْضَ بِالْاَمْنِ** او اهل استدلال و معظت نیست و اهل محروم اصیل و وحدت اسلامی در چنگال جدلی خواه آل سعود نباشند که حلقوم مسلمانانی را که می‌کفتند: **یا اهل المسلمون!** همانا اجدادو! یا کلوله می‌دارد، هرگز راه برای حصول اتحاد نیست! هان ای دلباختگان اسلام! خطر دشمنان از زبان خودتان شنید که فرمود: **اِذَا یَزَالُونَ بِقُلُوبِهِمْ حَتّی یُردُّوْهُمَ عِندَ دِیْکُمْ اَنْ اَسْتَغْفِرُوا**؛ یعنی همواره سحمی می‌کنند و ایقند با ششما می‌چنگند که از شلار اسلام، مرتد و خارج نمایند. **اِذَا لَا تَزَالُ تَطْلُعُ عَلٰی خَاصَنِهِ مِمَّهِ اِلَّا جَدِیْلُ مَنَهِم**. همواره تو ای پیامبر بر خیات و تدبیر و سیاستهای خائنانه اسرائیلیان آگاه می‌شوی. بنابراین، دشمنی و عداوت و مشخص است. باید بگوئیم که مراکز اصیل اسلامی را در پرتو وحدت، از لوث آنها پاک سازیم، به امید پیروزی اسلام بر کفر جهانی.

پی‌نوشتها: ۹۹- بقره، ۱۲۵. ۱۰۰- بقره، ۲۱۷. ۱۰۱- مائده، ۱۳.

«لرد کزّون» (Crezon) در جلد اول کتاب «ایران و موضوع ایران» می‌نویسد: «کسانی که از اوضاع دربارهای شرق توکاهند، از این پیشامدها تعجب نمی‌کنند؛ چه، توجه یابی تو چهی پادشاه نسبت به سر وشت تغییر ناپذیر خود فرض می‌کنند. توجه شاه به عزیرالسلطان تا حدی است که اگر او ناخوش شود، شاه دست از کار می‌کشد و امور کشور مختل می‌شود... عزیرالسلطان یا آنکه یازده سال پیشتر ندارد، به درجه عالی فیلد مارشال (ارتشبد) یا امیر نویان ارتقا یافته و از کلیه مزایا و افتخارات این منصب خطیری استفاده می‌کند و در اختیار مردم همان سرزمین است و مانند امثال مصر نیست که فقط یک پادیده الهی بوده و صیانت آن به عهده مردم همان منطقه است و یا نظیر آثار باستانی طبیعی مالک دیگر نخواهد بود و اگر نه محور رده‌های معنوی مسلمانان سراسر گیتی در طول تاریخ نمی‌بود.

بلکه همه در تمام ادبای هنری و صناعی و ابزار و آلات و نقشه و بزمن، همه و همه از وابستگی به غیر خدا متنوع و از پیوستگی به احدی میراست و از این رهگذر، از تباط خاصی به شخص یا گروهی نداشته و تابع هیچ قانونی از قوانین مجعوله بشری نخواهد بود؛ بلکه کعبه را نیز اسلام است، همانند قرآن کریم و رسول اکرم (ص) جز به خداوند به احدی اتکا نداشته و نخواهد داشت و همان‌طوری که قرآن کریم محصول فکر احدی نیست و هیچ فردی توان آورد همتای آن را ندارد و لذا کلام الله و کتاب الله است و اختصاصی به کسی ندارد و همان‌طوری که پیامبر اکرم (ص) در مکتب احدی علم نیاموخت و احدی حق تعلیم و تزکیه و تهذیب در او ندارد، لذا عبدالله و رسول الله است، کعبه نیز به شرح اضیاء زیاره آن در ملک احد و کسی ساخته شد و نه نقشه آن را مهندس بشری طرح کرد و نه مصالح ساختمانی آن ملک کسی بود و نه معمار و دستیار آن، فرد عادی بودند؛ بلکه همه توحهات آن، چنانچه اشاره شده، متعلق به ذات اقدس الهی بوده و می‌باشد.

لذا این امور می‌توانند محور وحدت مسلمانان سراسر گیتی قرار گیرند و تبلور دین جهان شمول اسلام در آنها خواهد بود و همان‌طوری که خدای سبحان حقیقت قرآن را از تطاول طاغوتیان لثم و از گزند هر گونه تحریف حفظ کرد و مصون نگه می‌دارد، به‌طوری که نه حرفی بر آن افزوده شد و نه ممکن است افزوده گردد، چنان‌که نه حرفی از آن کاهش یافت و نه ممکن است کاسته گردد و همان‌طوری که رسالت رسول اکرم (ص) را با اعجازهای گوناگون مخصوصاً با معجزه خالده، یعنی قرآن کریم تثبیت نمود و همچنان ثابت نگه می‌دارد، کعبه را نیز که میجالی وحدت مسلمین جهان است، همواره از گزند ابره‌های گذشته و حال و آینده مصون نگه می‌دارد.

همان‌طوری که بر تمام مسلمانان عالم لازم است که در حرسات قرآن بکوشند و در صیانت شخصیت حقوقی و رسالت نبی اکرم (ص) جدیت نمایند، همچنین واجب است که در تأمین حرم و تقدیس آن جهاد نمایند تا مبدا به لوث آلود گردد.
همان‌طوری که صرف عربی بودن قرآن یا نزول آن در حجاز، دلیل اختصاص آن به تازی زبانان نیست و همان‌طوری که صرف آنکه پیامبر اکرم (ص) در حجاز به سر می‌برد و همانجا رحلت کرد و مزار شریفش در همان سرزمین واقع شده است، مایه اختصاص آن به قوم عرب یا مردم حجاز نیست؛ زیرا قرآن و همچنین رسول اکرم (ص) از لحاظ پیکر یا لفظ یا قالب بدین، همانند دیگرانند، لیکن از لحاظ معنی و قلب هیچ کلامی همتای قرآن نبوده و هیچ شخصی همتان رسول اکرم (ص) نخواهد شد و همین‌طور صرف وقوع بنای کعبه در حجاز و تأمین مصالح آن یا مواد اولیه آن سرزمین، اختصاص به عرب یا مردم حجاز یا او دولتمرد آن ابره‌گر نه آن نخواهد بود؛ زیرا اگر چه کعبه از اجزای تشکیل شده یک ظاهر عاری آن همانند اجزای دیگر، نه سومند است و نه زیانبار، لیکن از آن‌چیز که محایر عبادت خداست و چهار دیوار آن بر نقشه تسبیحات اربع «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر» بنا نهاده شد و عین سلطه همه ابرسلطنتهاست، همانندی نخواهد داشت و اگر کتاب یا کلام یا شخص یا پناهی به غیر خدا وابسته باشد، هرگز نمی‌تواند تبلور اسلام جهان شمول باشد.

لذا این صفای مهمانی حرم و دعوت شدگان حّق‌اند که شرایط و اوصاف خاص را واجد باشند و قرآن کریم، هم اوصاف آنها را به نحو عموم بیان کرد و هم مصادق آن را به نحو خصوصی ذکر نمود؛ اما برای عمومی همان است که در عهد نبوت به معمار و دستیار کعبه، یعنی خلیل الله (ص) ذبیح الهیان شد: **طُورِ ابْنِ الْمُطَفِّينَ وَالْمَلَكِینَ وَ الرُّکَّع السَّجُودِ**.

اما مصادق آن همان است که در آیه ۹۱ سوره فتح فرمود: **مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَالَّذینَ مَعَهُ أَشْدَّاءُ عَلَی الْکُفَّارِ رِجْمًا وَّ نَجْمًا تَجْدِیثُ یَبْتَغُونَ قُتْلًا مِنْهُ وَ یَرْضَوْنَ**؛ یعنی آن را کائنات و ساجدان که حضرت خلیل (ص) و ذبیح (ص) نامور و دیندار عظیم الهی برای صفیات الهی شانه‌هاست راستین نمودن اگر کم‌تر که در کنار نماز و رکوع و سجود، صلابت ابراهیمی را علیه نمرودیان سعودی و غیر سعودی داشته و رافت خلیل الرحمن را نسبت به تمامان حرموم سراسر جهان اسلام دارند.

آن که آلوده فکر یا آلوده عمل است، مهمان نیست طاهر نیست و آن که امتیاز طلب و برتری خود را می‌بیند، مهمان نیست مسائرات و موائست نیست و آن که بنده هوا و برده هوس یا بنده هر مستکبر یا نوکر شرع ملحد است، مهمان نیست عتیق و خانه آزاد و آزادگی نمی‌باشد و آن که صدهایت و پیشین دارد، مهمان نیست توحید نخواهد بود و آن که روی در خلق دارد و پشت بر خلق نهان می‌گازد، مهمان نیست مسلمین نیست و آن که به جای تبری از شرک و نفاق و کفر، جز متولیان سران الحاد است، مهمان مطاف عاقلان نیست و آنکه در قبال استعمارگر کر کش می‌کند، مهمان خانه راکعان و ساجدان نخواهد بود.

این سنت حسنه، بعد از احیای آثار آفراموش شده مناسک حج، رائج بود و در پیرامرس هزاران نفر از زن و مرد از ایران و غیر ایران شرکت می‌نمودند و نسوع این جریان نیز با اعلام توافق قبلی هیأت حاکمه کنونی حجاز بود و هیچ گونه نامنی و اعتقداش از طرف زائران و برادر جوانان مشاهده نمی‌شد و در پایان مراسم نیز از نماز جماعت مدینه به مکه شرکت می‌کردند و همانند دیگران فربضه الهی خود را به جماعت برگزار می‌نمودند.

لیکن بعد از ظهر جمعه ششم ذی‌الحجه ۱۴۰۷، هنوز راهیماپیی برانث از مشرکین در مکه به پایان نرسیده بود، در حالی که در پیشاپیش راهیماپییان، زنان و مسلمانان و معلولان جنگ تحمیلی و... بودند، مأموران آن سده که به دستور مستقیم سلطان طاعی حجاز که خود را خادم الخرمین می‌نامد و به فرمان قطعی آمریکا، شروع به سرکوب زائران غریب و بی‌پناه نمودند؛ به‌طوری که صدها نفر از زن و مرد مسلمان کشته و صدها نفر زجر و زخمی و مجروح و خفه شدند و این کشتار بی رحمانه با سلاح گرم و سرد و گاز اشک‌ناجم شد و صفیر مسلسل آن سده در فضایی حرم امن الهی پیچید و در ماه حرام و در «بلد امین»، زائران محرم را به جرم تبری از مشرکان چنین کشتند و از تحویل اجساد و جنازه‌ها تا مدت‌های مدید خودداری کردند و سایر چنانهای روانی و غیر روانی را که نه قلم یارای شرح آن است و نه بیان، هر ترکب بدید.

هان ای مسلمانان عالم! تنها افغانستان در چنگال شوری یا فلسطین در قهر اسرائیل یا لبنان و ... در زیر چکمه آمریکا نیست، بلکه حرمین در سلطه سعهدهای آمریکایی است! هان ای رادمردان اسلامی! بکوشید قبیلتان را از سلطه آمریکا آزاد کنید! هان ای مجاهدان مبارک! از آن سده کسب است و **اِذَا قِیلَ لَهُ اِنَّ اللهَ اَدْخَلَ الْعَرْضَ بِالْاَمْنِ** او اهل استدلال و معظت نیست و اهل محروم اصیل و وحدت اسلامی در چنگال جدلی خواه آل سعود نباشند که حلقوم مسلمانانی را که می‌کفتند: **یا اهل المسلمون!** همانا اجدادو! یا کلوله می‌دارد، هرگز راه برای حصول اتحاد نیست! هان ای دلباختگان اسلام! خطر دشمنان از زبان خودتان شنید که فرمود: **اِذَا یَزَالُونَ بِقُلُوبِهِمْ حَتّی یُردُّوْهُمَ عِندَ دِیْکُمْ اَنْ اَسْتَغْفِرُوا**؛ یعنی همواره سحمی می‌کنند و ایقند با ششما می‌چنگند که از شلار اسلام، مرتد و خارج نمایند. **اِذَا لَا تَزَالُ تَطْلُعُ عَلٰی خَاصَنِهِ مِمَّهِ اِلَّا جَدِیْلُ مَنَهِم**. همواره تو ای پیامبر بر خیات و تدبیر و سیاستهای خائنانه اسرائیلیان آگاه می‌شوی. بنابراین، دشمنی و عداوت و مشخص است. باید بگوئیم که مراکز اصیل اسلامی را در پرتو وحدت، از لوث آنها پاک سازیم، به امید پیروزی اسلام بر کفر جهانی.

لیکن بعد از ظهر جمعه ششم ذی‌الحجه ۱۴۰۷، هنوز راهیماپیی برانث از مشرکین در مکه به پایان نرسیده بود، در حالی که در پیشاپیش راهیماپییان، زنان و مسلمانان و معلولان جنگ تحمیلی و... بودند، مأموران آن سده که به دستور مستقیم سلطان طاعی حجاز که خود را خادم الخرمین می‌نامد و به فرمان قطعی آمریکا، شروع به سرکوب زائران غریب و بی‌پناه نمودند؛ به‌طوری که صدها نفر از زن و مرد مسلمان کشته و صدها نفر زجر و زخمی و مجروح و خفه شدند و این کشتار بی رحمانه با سلاح گرم و سرد و گاز اشک‌ناجم شد و صفیر مسلسل آن سده در فضایی حرم امن الهی پیچید و در ماه حرام و در «بلد امین»، زائران محرم را به جرم تبری از مشرکان چنین کشتند و از تحویل اجساد و جنازه‌ها تا مدت‌های مدید خودداری کردند و سایر چنانهای روانی و غیر روانی را که نه قلم یارای شرح آن است و نه بیان، هر ترکب بدید.

هان ای مسلمانان عالم! تنها افغانستان در چنگال شوری یا فلسطین در قهر اسرائیل یا لبنان و ... در زیر چکمه آمریکا نیست، بلکه حرمین در سلطه سعهدهای آمریکایی است! هان ای رادمردان اسلامی! بکوشید قبیلتان را از سلطه آمریکا آزاد کنید! هان ای مجاهدان مبارک! از آن سده کسب است و **اِذَا قِیلَ لَهُ اِنَّ اللهَ اَدْخَلَ الْعَرْضَ بِالْاَمْنِ** او اهل استدلال و معظت نیست و اهل محروم اصیل و وحدت اسلامی در چنگال جدلی خواه آل سعود نباشند که حلقوم مسلمانانی را که می‌کفتند: **یا اهل المسلمون!** همانا اجدادو! یا کلوله می‌دارد، هرگز راه برای حصول اتحاد نیست! هان ای دلباختگان اسلام! خطر دشمنان از زبان خودتان شنید که فرمود: **اِذَا یَزَالُونَ بِقُلُوبِهِمْ حَتّی یُردُّوْهُمَ عِندَ دِیْکُمْ اَنْ اَسْتَغْفِرُوا**؛ یعنی همواره سحمی می‌کنند و ایقند با ششما می‌چنگند که از شلار اسلام، مرتد و خارج نمایند. **اِذَا لَا تَزَالُ تَطْلُعُ عَلٰی خَاصَنِهِ مِمَّهِ اِلَّا جَدِیْلُ مَنَهِم**. همواره تو ای پیامبر بر خیات و تدبیر و سیاستهای خائنانه اسرائیلیان آگاه می‌شوی. بنابراین، دشمنی و عداوت و مشخص است. باید بگوئیم که مراکز اصیل اسلامی را در پرتو وحدت، از لوث آنها پاک سازیم، به امید پیروزی اسلام بر کفر جهانی.

لیکن بعد از ظهر جمعه ششم ذی‌الحجه ۱۴۰۷، هنوز راهیماپیی برانث از مشرکین در مکه به پایان نرسیده بود، در حالی که در پیشاپیش راهیماپییان، زنان و مسلمانان و معلولان جنگ تحمیلی و... بودند، مأموران آن سده که به دستور مستقیم سلطان طاعی حجاز که خود را خادم الخرمین می‌نامد و به فرمان قطعی آمریکا، شروع به سرکوب زائران غریب و بی‌پناه نمودند؛ به‌طوری که صدها نفر از زن و مرد مسلمان کشته و صدها نفر زجر و زخمی و مجروح و خفه شدند و این کشتار بی رحمانه با سلاح گرم و سرد و گاز اشک‌ناجم شد و صفیر مسلسل آن سده در فضایی حرم امن الهی پیچید و در ماه حرام و در «بلد امین»، زائران محرم را به جرم تبری از مشرکان چنین کشتند و از تحویل اجساد و جنازه‌ها تا مدت‌های مدید خودداری کردند و سایر چنانهای روانی و غیر روانی را که نه قلم یارای شرح آن است و نه بیان، هر ترکب بدید.

هان ای مسلمانان عالم! تنها افغانستان در چنگال شوری یا فلسطین در قهر اسرائیل یا لبنان و ... در زیر چکمه آمریکا نیست، بلکه حرمین در سلطه سعهدهای آمریکایی است! هان ای رادمردان اسلامی! بکوشید قبیلتان را از سلطه آمریکا آزاد کنید! هان ای مجاهدان مبارک! از آن سده کسب است و **اِذَا قِیلَ لَهُ اِنَّ اللهَ اَدْخَلَ الْعَرْضَ بِالْاَمْنِ** او اهل استدلال و معظت نیست و اهل محروم اصیل و وحدت اسلامی در چنگال جدلی خواه آل سعود نباشند که حلقوم مسلمانانی را که می‌کفتند: **یا اهل المسلمون!** همانا اجدادو! یا کلوله می‌دارد، هرگز راه برای حصول اتحاد نیست! هان ای دلباختگان اسلام! خطر دشمنان از زبان خودتان شنید که فرمود: **اِذَا یَزَالُونَ بِقُلُوبِهِمْ حَتّی یُردُّوْهُمَ عِندَ دِیْکُمْ اَنْ اَسْتَغْفِرُوا**؛ یعنی همواره سحمی می‌کنند و ایقند با ششما می‌چنگند که از شلار اسلام، مرتد و خارج نمایند. **اِذَا لَا تَزَالُ تَطْلُعُ عَلٰی خَاصَنِهِ مِمَّهِ اِلَّا جَدِیْلُ مَنَهِم**. همواره تو ای پیامبر بر خیات و تدبیر و سیاستهای خائنانه اسرائیلیان آگاه می‌شوی. بنابراین، دشمنی و عداوت و مشخص است. باید بگوئیم که مراکز اصیل اسلامی را در پرتو وحدت، از لوث آنها پاک سازیم، به امید پیروزی اسلام بر کفر جهانی.

لیکن بعد از ظهر جمعه ششم ذی‌الحجه ۱۴۰۷، هنوز راهیماپیی برانث از مشرکین در مکه به پایان نرسیده بود، در حالی که در پیشاپیش راهیماپییان، زنان و مسلمانان و معلولان جنگ تحمیلی و... بودند، مأموران آن سده که به دستور مستقیم سلطان طاعی حجاز که خود را خادم الخرمین می‌نامد و به فرمان قطعی آمریکا، شروع به سرکوب زائران غریب و بی‌پناه نمودند؛ به‌طوری که صدها نفر از زن و مرد مسلمان کشته و صدها نفر زجر و زخمی و مجروح و خفه شدند و این کشتار بی رحمانه با سلاح گرم و سرد و گاز اشک‌ناجم شد و صفیر مسلسل آن سده در فضایی حرم امن الهی پیچید و در ماه حرام و در «بلد امین»، زائران محرم را به جرم تبری از مشرکان چنین کشتند و از تحویل اجساد و جنازه‌ها تا مدت‌های مدید خودداری کردند و سایر چنانهای روانی و غیر روانی را که نه قلم یارای شرح آن است و نه بیان، هر ترکب بدید.

لیکن بعد از ظهر جمعه ششم ذی‌الحجه ۱۴۰۷، هنوز راهیماپیی برانث از مشرکین در مکه به پایان نرسیده بود، در حالی که در پیشاپیش راهیماپییان، زنان و مسلمانان و معلولان جنگ تحمیلی و... بودند، مأموران آن سده که به دستور مستقیم سلطان طاعی حجاز که خود را خادم الخرمین می‌نامد و به فرمان قطعی آمریکا، شروع به سرکوب زائران غریب و بی‌پناه نمودند؛ به‌طوری که صدها نفر از زن و مرد مسلمان کشته و صدها نفر زجر و زخمی و مجروح و خفه شدند و این کشتار بی رحمانه با سلاح گرم و سرد و گاز اشک‌ناجم شد و صفیر مسلسل آن سده در فضایی حرم امن الهی پیچید و در ماه حرام و در «بلد امین»، زائران محرم را به جرم تبری از مشرکان چنین کشتند و از تحویل اجساد و جنازه‌ها تا مدت‌های مدید خودداری کردند و سایر چنانهای روانی و غیر روانی را که نه قلم یارای شرح آن است و نه بیان، هر ترکب بدید.

لیکن بعد از ظهر جمعه ششم ذی‌الحجه ۱۴۰۷، هنوز راهیماپیی برانث از مشرکین در مکه به پایان نرسیده بود، در حالی که در پیشاپیش راهیماپییان، زنان و مسلمانان و معلولان جنگ تحمیلی و... بودند، مأموران آن سده که به دستور مستقیم سلطان طاعی حجاز که خود را خادم الخرمین می‌نامد و به فرمان قطعی آمریکا، شروع به سرکوب زائران غریب و بی‌پناه نمودند؛ به‌طوری که صدها نفر از زن و مرد مسلمان کشته و صدها نفر زجر و زخمی و مجروح و خفه شدند و این کشتار بی رحمانه با سلاح گرم و سرد و گاز اشک‌ناجم شد و صفیر مسلسل آن سده در فضایی حرم امن الهی پیچید و در ماه حرام و در «بلد امین»، زائران محرم را به جرم تبری از مشرکان چنین کشتند و از تحویل اجساد و جنازه‌ها تا مدت‌های مدید خودداری کردند و سایر چنانهای روانی و غیر روانی را که نه قلم یارای شرح آن است و نه بیان، هر ترکب بدید.

لیکن بعد از ظهر جمعه ششم ذی‌الحجه ۱۴۰۷، هنوز راهیماپیی برانث از مشرکین در مکه به پایان نرسیده بود، در حالی که در پیشاپیش راهیماپییان، زنان و مسلمانان و معلولان جنگ تحمیلی و... بودند، مأموران آن سده که به دستور مستقیم سلطان طاعی حجاز که خود را خادم الخرمین می‌نامد و به فرمان قطعی آمریکا، شروع به سرکوب زائران غریب و بی‌پناه نمودند؛ به‌طوری که صدها نفر از زن و مرد مسلمان کشته و صدها نفر زجر و زخمی و مجروح و خفه شدند و این کشتار بی رحمانه با سلاح گرم و سرد و گاز اشک‌ناجم شد و صفیر مسلسل آن سده در فضایی حرم امن الهی پیچید و در ماه حرام و در «بلد امین»، زائران محرم را به جرم تبری از مشرکان چنین کشتند و از تحویل اجساد و جنازه‌ها تا مدت‌های مدید خودداری کردند و سایر چنانهای روانی و غیر روانی را که نه قلم یارای شرح آن است و نه بیان، هر ترکب بدید.

لیکن بعد از ظهر جمعه ششم ذی‌الحجه ۱۴۰۷، هنوز راهیماپیی برانث از مشرکین در مکه به پایان نرسیده بود، در حالی که در پیشاپیش راهیماپییان، زنان و مسلمانان و معلولان جنگ تحمیلی و... بودند، مأموران آن سده که به دستور مستقیم سلطان طاعی حجاز که خود را خادم الخرمین می‌نامد و به فرمان قطعی آمریکا، شروع به سرکوب زائران غریب و بی‌پناه نمودند؛ به‌طوری که صدها نفر از زن و مرد مسلمان کشته و صدها نفر زجر و زخمی و مجروح و خفه شدند و این کشتار بی رحمانه با سلاح گرم و سرد و گاز اشک‌ناجم شد و صفیر مسلسل آن سده در فضایی حرم امن الهی پیچید و در ماه حرام و در «بلد امین»، زائران محرم را به جرم تبری از مشرکان چنین کشتند و از تحویل اجساد و جنازه‌ها تا مدت‌های مدید خودداری کردند و سایر چنانهای روانی و غیر روانی را که نه قلم یارای شرح آن است و نه بیان، هر ترکب بدید.

لیکن بعد از ظهر جمعه ششم ذی‌الحجه ۱۴۰۷، هنوز راهیماپیی برانث از مشرکین در مکه به پایان نرسیده بود، در حالی که در پیشاپیش راهیماپییان، زنان و مسلمانان و معلولان جنگ تحمیلی و... بودند، مأموران آن سده که به دستور مستقیم سلطان طاعی حجاز که خود را خادم الخرمین می‌نامد و به فرمان قطعی آمریکا، شروع به سرکوب زائران غریب و بی‌پناه نمودند؛ به‌طوری که صدها نفر از زن و مرد مسلمان کشته و صدها نفر زجر و زخمی و مجروح و خفه شدند و این کشتار بی رحمانه با سلاح گرم و سرد و گاز اشک‌ناجم شد و صفیر مسلسل آن سده در فضایی حرم امن الهی پیچید و در ماه حرام و در «بلد امین»، زائران محرم را به جرم تبری از مشرکان چنین کشتند و از تحویل اجساد و جنازه‌ها تا مدت‌های مدید خودداری کردند و سایر چنانهای روانی و غیر روانی را که نه قلم یارای شرح آن است و نه بیان، هر ترکب بدید.

پارتی‌بازی و فساد اداری

بابک کاظمی- مدرس رشته مدیریت و عضی کانون علوم اداری ایران

گاهی نیز افسران به در یافت رشوه سربازان را مخصص کرده و در غیابشان حقوق آنها را تصاحب می‌نمودند. در ارتش همه ترفیعات تابع رشوه بود و یک سربازی می‌توانست خیلی ساده به درجه سرهنگی و سرتیپ برسد! وضع تغذیه سربازان هم آنقدر بد بود که گاهی به سبب نبودن غذا از علف بیابان سدجوع می‌کردند.

کامران میرزا نایب‌السلطنه و وزیر جنگ و رئیس کل قشون (سردار کل و فرماندهی کل قوای مظفرنشین ناصرالدین شاه)، در مقابل تملق و پیشکش به هر کس که دلش می‌خواست، درجـات نظامی عطا می‌کرد و احکام سرهنگی، سرتیپی، امیرتوانی و امیرنویانی را بدون هیچ استفساری به این و آن می‌بخشید و بودجه ارتش را بدین‌گونه می‌ریاد می‌داد.

تبدیل ویژگیهای رفتاری نظامهای اداری و سیاسی گذشته

با توجه به مطالب مطرح شده، اختیارات مأموران دولت ناشی از شغل آنها و استعداد فطری، کفایت، تجربه، تخصص، تلاش، صداقت و میزان خدمتگزاری شان نبود، بلکه اختیارات مداخله‌ی خود بر مبنای مناسبات و روابط فردی و نه ضوابط، به‌رحسب سلسله مراتب، به وکالت طبیعی و تبعی به هر کس دولت تا پایین‌ترین سطح منتقل می‌گردید. برپرسیهای تاریخی و اسناد و مدارک، حاکی از آن است که تا قبل از مشروطیت و حتی سهالها پس از آن، استفاده‌های دولتی و اعطای مناصب و مشاغل اداری در سطوح بالا، اختصاصاً به مرکز به موجب احکام و حکم پادشاه و در ولایات توسط احکام شاهزادگان و صاحبان امور، صورت می‌پذیرفت و به همان فرمانروای مفری نقادی و جنسی صاحب منصب و حتی میزان اضافه حقوق سالیانه آنها نیز به دلخواه تعیین می‌شد.

انتخاب، انتصاب و ارتقای مقامها بدون هیچ ضابطه و شرایط احراز فـضـلی مشخص و تنها بر مبنای روابط و مناسبات شخصی و نظر افراد صاحب قدرت، انجام می‌پذیرفت. مالک عملیات استخدامی و احراز مشاغل مختلف و ارتقای مقام در نظام اداری به واسطه و به واسطه و پارتی تراشی و ایجاد روابط و مناسبات غیر رسمی یا اهرهای قدرت، روی می‌آورد و این قبیل تدابیر رواج پیدا می‌کرد. همچنین به سبب ضعفهای اخلاقی کارگزاران و بی‌بهرگی شان و از ارزشهای والای معنوی و انسانی، رشوه و فساد اداری تعمیم می‌یابید و هدف کارگزاران دولتی فقط حفظ منافع و برکردن جیبشان می‌شود.

در چنین فضایی عرصه‌برای افرادباکفایت، کارآمد، لایق، شریف و دلسوز تنگ می‌شود و از طرف دیگر خارج از این چارچوب، فرصت‌طلبان و افراد فاسد اداری می‌شوند و چون نمی‌توانند در چنین موقعیتی کار کنند، به خانوادهای سرشناس، اعیان و اشراف میسر بود، نه مشخصات منطقی و درست و صلاحیت شاغلین آنها. بدین ترتیب، مشاغل با توجه به ارزش، اهمیت و عایداتشان دارای سرفـقـلی و نرخ پـوـند و بعضاً در هیچ خرید و فروش می‌شدند. بدین سبب ناصالح‌ترین عناصر در مصدر امور قرار می‌یافتند.

طبیعتاً مدیریت سازمانهای دولتی در حکومتهای شاهی تابعی از خواسته‌های پادشاه بود، تا بتوانند در ابقای سیاسی نقش خود را ایفا کنند؛ یا در واقع می‌توانند در جهت تعمیم خواسته‌های حکومت و تحکیم بوند آن عمل کنند و بدین گونه منافع هیأت حاکمه و سردمداران امور را همواره رعایت نمایند.

بنابراین چون درباریان و رجال کشور، سرنوشته خود را در ارتباط مستقیم باجلب رضایت پادشاه، یا در ایالات و ولایات، شاهزادگان حاکم می‌دیدند، بدیهی است که هدفی را جز کسب خشنودی و جلب توجه مرکب قدرت به هر صورت، تحقیق نمی‌کردند و سرتیپ‌ترین کار هم تملق و فراهم آوردن وسایل رضایت، خاطر، عیش و نوش، خوشی و خوشگذرانی بود. به بیان دیگر، با آشنایی که با خلق و خوی آنها پیدا کرده بودند، جلب خاطر خطیر و ازضای خواسته‌های آنها را، اعم از مشروع و غیر مشروع، در اولویت قرار می‌دادند.

شاهزادگان و حکـمـای ایالات و ولایات هم به هر موقع امتیاز و پیشکشی برای شایع تقدیم و تعداد سربازان تعیین شده را گسیل می‌کردند و بدین وسیله اطاعت و وفاداری‌شان را اعلام می‌داشتند، مناصبان حفظ می‌شد و حکومتشان تنقید می‌گردید؛ در غیر این صورت خیلی زود به اتهام طغیان و سرکشی معزول می‌شدند.

آثار و نتایج خودکامگی

بدین سبب نزدیک شدن فرامیادگان و چالپوسان به مرکز قدرت و جلب نظر آنها و ایجاد روابط غیر رسمی با آنها و اتمام غلبه توسط آنها، یکی از مشخصات بارز این نظام بود. در واقع شیوه حکومت استبدادی باعث می‌شود که سفلگان و فرومایگان، هر چه بیشتر، وفادار به او نشان دهند و در چشم او عزیز تر و محترم‌تر

اثـر حاضـر جمـوعـه اشـعار شـاعر معاصـر، فـوت نصـیری سـواد کـوی، در مدح و رثای حضرت زهرا (س)

است که در قالبهای غزل و دوبیتی سروده شده است.

«ارمغانی در بلور شعر»، «کوشش»، «نوی روی»، «بوی قراق»، «بوسه‌ای غر غسبار»، «مظلوم‌ترین»،

«وای ما مدینه منوره»، «چون لیل‌القدری»، «گل‌پر»، «گریه علی»، «کوی زهر»، «آینه شکسته»،

«تو دارم»، «جای سبلی» و «دوای» عناوین برخی از اشعار این مجموعه است.

درغزلی ازاین شاعرمی‌خوانیم: «گل این چنین فتاده و پیر ندمدند / دافنی چنین به سینه حیدر ندیده ام»
نیل و شکسته دل و بی‌پناه بود/ مظلومه‌ای شده‌ام
در ندیده‌ام / وقتی شکست دیو سیه، ساغر وجود/ قلبی نایتمت که مکنر ندیده‌ام / بوده دو دسته یاس در آغوش او / نهان/ زین خویر نـو ازش مادر ندیده‌ام / مهتاب را ز شـام علی در یـو رده‌اند / بی‌ماه و مهر، چرخ منور ندیده‌ام.»

تخریب ناروای انسانی یکی از مهمترین دغدغه‌های امروزی است. هر چند این نیاز در تمام طول تاریخ تمدن و حیات انسانی برروی کره زمین قابل مطالعه و بازایی است، ولی در چند دهه اخیر که انسان با توسعه و پیشرفت‌های سریع تکنولوژی، استفاده ناهنجار از منابع طبیعی داشته، تخریب و آلودگی محیط زیست به یکی از

ترجم
<div></div>
همه از خدائیم و به سوی او باز می گردیم
بانهایت تأسف و تالم درگذشت‌بانوسی پرهیز گار و باتقوی، معلمی دلسوز و مادری صورت و مهربان، بانو حاجیه خانم خدیجه حامد قزوینی را به اطلاع دوستان، آشنایان و منسوبین می‌رسانیم.به همین مناسبت مجلس ترجم در روز چهارشنبه نوزدهم مهرماه از ساعت ۳/۳۰ الی ۵بعدازظهر درمسجد حجت‌بن‌الحسن العسگری علیه‌السلام واقع در خیابان سه‌رودی شمالی برقرار می‌باشد.حضور سروران ارجمند موجب آرامش روح آن مرحومه و تسلی بخش خاطر بازماندگان خواهد بود.
<div>همسر: حسین شاه حسینی</div> <div>فرزندان: حامده و محمود رضا شاه حسینی</div> <div>داماد: محمدمهدی سفیدابی</div> <div>و خانواده‌های: شاه حسینی – حامد قزوینی – حامد، سفیدابی، مرتضوی، جلالی، روستا، جراح‌زاده، صراف‌زاده، صرافان، توکل، صابونی، کیال، توکل، فروزش، ناصری، ذوالفقاری، ملکی، پورمنزه‌چلیلی، شیرزاد، معینی‌فر، عصار‌پور، نبی‌پور، جلالی سعادت، دستجردی، کهریبا‌یی، هاشمی، معین‌فر، مفاخریان، منصوری، صابر، مشهدی حسینی.</div>

باز گشت همه بسوی خداست
باننده و تأسف بسیار درگذشت روانشادبانو خدیجه حامد قزوینی همسر ویاور جناب آقای حسین شاه حسینی مبارز دیرپای راه آزادی و استقلال ایران را به آگاهی می‌رساند. مجلس ترجم روز چهارشنبه ۱۹/۷/۹۱از ساعت ۳/۳۰ تا ۵بعدازظهر در مسجد حجت‌ابن‌الحسن عسگری (عج) واقع در خیابان سه‌رودی شمالی بر گزار می‌گردد.
علی اکبر بیانی –علی پور حمید –عباس تاج‌الدینی –محمدرضا توحیدی – محمود چانکه – طاهر خوش خلق – رسول دادمهر – محمود دل آسایی – کوروش دینوری – اصغر رضایی – بهمن رضاخانی – حسین زاد عیسی – ابراهیم شاکری شیرانی – مهدی صراف – علی اشرف ضرغامی – فریدون ضرغامی – احمدطوسی – محمد علوی –ناصر فخرالسلطانی –کیومرث فرجاد–نظام‌الدین قهاری – هرمز ممیزی – هادی مو تمنی – داود محمدی – حیدر علی نجابتی – محمود نکور روح – خلیل هراتی

باز گشت همه به سوی اوست

با تأسف و اندوه بسیار درگذشت بانوی فرهیخته و نیکوکار حاجیه خانم خدیجه حامدقزوینی همسر گرامی جناب آقای حسین شاه حسینی نایب رئیس محترم شورای مرکزی جبهه ملی ایران راکه از پویندگان دیرپای راه مصدق بزرگ و نهضت ملی ایران می‌باشند به اطلاع یاران و همفکران ارجمند می‌رسانیم. مجلس ترجم آن شادروان روز چهارشنبه نوزدهم مهرماه از ساعت ۳/۳۰ تا ۵ بعدازظهر در مسجد حجت‌ابن‌الحسن (عج) واقع در خیابان سه‌رودی شمالی بر گزار می‌گردد.

ادیب پرومند دکتر لقار دلان –بانو فرشیدافشار –مهندس عباس امیرانظام –الهه امیرانظام –فرهاد امیرابراهیمی – محمد اولیایی فرد – علیرضا افشاری – عبدالله ازدوجینی –مصطفی آجودانی – مهندس بامداد ارفع زاده – مهندس غلامرضا اربابی – فرهاد اعرابی – دکتر حسین اعرابی – پرفسور حسن امین – حمید احراری – دکتر هرمیداس باوند –مهندس مرتضی بدیعی – دکتر جهانشاه پرومند – فرهاد بیشه‌ای – مهندس مهران بختیاری – اکبر بهشتی – دکتر احمد بهنیا –تیرداد بنکدار –رحیم بنانی –محمدبسته نگار – محمد بهزادی – محمدبهفرزوی – رحمت الهی برهانی – ابوالفضل بازرگان – محمد حسین بنی اسدی –علی اکبر بدیع زادگان –فاطمه بخارایی – دکتر حبیب الله پیمان – محمدتکرکمان – مهندس محمد توسلی – دکتر غلامعباس توسلی – علی اصغر تهرانچی – دکتر پرویز تمامی – محمدمهدی جعفری – دکتر نصرالله جمشیدی – بیژن جانفشان – حسین حریری – عیسی خان قاسمی – مهندس اسماعیل حاج قاسمعلی –دکتر علی حاج قاسمعلی –ابوالفضل حکیمی –درشته خاکی پور –مهندس هوشنگ خیراندیش –فرزاد خرمشاهی –مهندس فیروزه خرمشاهی –علیرضا خیاط زاده –اکبر خرازی –رسول دادمهر –سعید درودی –جمال درودی –فریبا درودی –دکتر علی رشیدی –حسین ریاحی –مهندس آرش رحمانی –بهمن رضاخانی –رضارئیس طوسی –حسین رفیعی –محمدجواد جانیان– مهندس کورش زعیم –مرتضی زندی –دکتر احمد ساعی – دکتر شاهین سینتا– حسین سکاکی –ابراهیم شاکری –تقی شامخی –علی شجاع –حسن شهیدی –جواد شرف‌الدین – مهندس هاشم صباغیان –یوسف صفنی –مسعود صفاریان – احمد صدرحاج سیدجوادی – مهندس مجید ضیایی – امیرطیرانی – اعظم طالقانی – طاهره طالقانی – یوسف طاهری –مهندس حسین عزت‌زاده–مهندس احسان عزت پور –پیمان عارف –محمود عمرانی –زرین دخت عطایی (سحابی) – احمد عسگری راد – محمدرضا عالم زاده – اکبر غضنفری –خلیل فردوسی – دکتر ابوالقاسم فروزان –محمود فیض پور –اصغر فنی پور – سرلشکر باز نشسته ناصر فرید –دکتر محسن فرشاد –دکتر باقر مدیری اصلی– حسن قدیانی –مصطفی قاسمی –علی قادری – دکتر نظام الدین قهاری – محمد کریمی – ناصر کمیلیان – مصطفی کتیرایی – ناصر کلاری – مهندس علی اکبر معین فر – علی اصغر معین فر – ناصر میناچی – مهندس لطف‌الله میشی –محمد محمدی گرگانی –محمد محمدی اردهالی –دکتر محمدملکی – مر ضیه مرتاضی لنگرودی هادی موتمنی – خسرو منصوریان – منوچهر ملک قاسمی – دکتر حسین موسویان – دکتر مهدی میوزاده – پریچهر مبشری – پرفسور صادق مسرت – ابراهیم منتصری – هرمز ممیزی – مهندس علی محمدی –محمد ملک خانی –جمشید میرعمادی –دکتر پوریا مطهری – ضیاء مصباح – بابک مغازه‌ای – دکتر حسین مجتهدی – دکتر آذین موجد –مهندس بابک موسوی –دکتر محمود نکوروح – دکتر علی اکبر تقی پور – ابوالفضل نیماوری – داریوش نیماوری – مهدی ناطقی – اسماعیل ناطقی – عباس همایونی –ناصر هاشمی – دکتر جمشید وحید – مهرگان وثوق –مهندس حبیب یکتا –دکتر شکرالله یوسفی –دکتر ابراهیم یزدی

هوالیاقی
<div></div> <div>با نهایت تأثر و تأسف درگذشت همکار گرامی مرحوم مغفور آقای مهندس اسماعیل اکبری کارشناس محترم دادگستری رشته برق، ماشین و تأسیسات کارخانجات را ضمن عرض تسلیت به اطلاع همکاران گرامی می‌رساند. به همین مناسبت مجلس یادبودی از ساعت ۱۶ الی ۱۷/۳۰ روز چهارشنبه ۱۹/۷/۹۱ در مسجد جامع شهرک قدس (غرب) منعقد می‌باشد. حضور سروران گرامی باعث تسلی خاطر بازماندگان خواهد شد.</div>
<div>کانون کارشناسان رسمی دادگستری و هیئت رئیسه گروه ۷–صنعت و فن</div>

النعمة اذا فقدت عرفت
<div></div> <div>بانهایت تأثر و تأسف رحلت مرحومه مغفوره فردوس و ساده‌علیین آرامگاه عقیده‌سعبیده‌بانو حاجیه خانم جواهریان مادر بافضیلت جناب مستطاب ذخره‌الاعزه حضرت آقای حاج سیدتقی پورجواهریان که معظم له از اخبار وخیرین بنام می‌باشند و خدمات ارزنده و گرانقدری به دارالشفای حضرت حسین علیه‌السلام (بیمارستان سوم شعبان) –نموده و همچنین عقیده‌سعبده سالها قرآن نفیسی که نفاست بی نظیر است با خط زیبای خود نوشته که خود آثار فوق‌العاده است. از یاری‌تعالی برای آن مرحومه علو درجات و جهت بازماندگان صبر جمیل و اجر جزیل خواستارم. لذا بدین مناسبت مجلس ترجمیی در روز چهارشنبه ۱۹/۷/۹۱از ساعت ۱۵ الی ۱۷در مسجد الغدیر واقع در بلوار میرداماد منعقد میباشد. از اقوام و دوستان تقاضای شرکت را دارم. با ابقاء احترام متولی مسجد الغدیر سید عبدالمهدی آل طعمه موسوی</div>

باز گشت همه به سوی اوست
<div></div> <div>بانهایت تأسف و تالم درگذشت مرحومه مغفوره حاجیه خانم منصوره جواهریان همسر مرحوم مغفورحاج سیدعلی پورجواهریان را به اطلاع اقوام و دوستان می‌رساند. به همین مناسبت مجلس ترجمیی روزچهارشنبه ۱۹/۷/۱۳۹۱از ساعت ۱۵ تا ۱۷در مسجد الغدیر واقع در بلوار میرداماد برقرار می‌باشد. ضمنامجلس شب هفت آن مرحومه روزشنبه ۲۲/۷/۱۳۹۱از ساعت ۱۵ الی ۱۷در مسجد الغدیر واقع در بلوار میرداماد بر گزار می‌گردد. حضور شما بزرگواران موجب شادی روح آن مرحومه و تسلی خاطر و امتنان بازماندگان خواهد بود. خانواده‌های: پور جواهریان –جواهریان–سعادت بهشتی –فریدونی –فراحت – جوهری – جواهریان – کاظمی – خاورمنش –رحمانی –حجیحی –نایب حسینی – کاظمی – محمدی –یمانی –اردکانی –حیدری فرد –محمد نمازی و سایر خانواده‌های وابسته.</div>

باز گشت همه به سوی اوست
<div></div> <div>بانهایت اندوده و تأسف درگذشت شادروان حسن ذوالریاستین را به اطلاع کلیه اقوام و آشنایان می‌رساند. به همین مناسبت مجلس ترجمیی در روز چهارشنبه ۱۹/۷/۱۳۹۱از ساعت ۳۰/۲۰ در مسجد حجت‌ابن‌الحسن (عج) واقع در سه‌رودی شمالی پایین‌تر از میدان پالیزی بر گزار می‌گردد. از طرف همسر: صدیقه جلالی</div>
<div>فرزندان: حسین و میترا</div> <div>خانواده‌های: ذوالریاستین و جلائی و سایر بستگان و آشنایان</div>

انالله و انا الیه راجعون
<div></div> <div>با کمال تأسف و تأثر درگذشت شادروان خانم توران حسینقلی‌خانی را به اطلاع اقوام و آشنایان می‌رساند. بدین مناسبت مجلس ترجمیی در روز سه‌شنبه۱۸/۷/۹۱ از ساعت ۱۴ الی ۱۵/۳۰ در مسجدجامع شهرک قدس واقع در شهرک غرب فاز پنج روبروی بازار میلاد منعقد می‌گردد.حضور شما سروران گرامی باعث شادی روح انمرحومه و تسلی خاطر بازماندگان خواهد شد. خانواده جعفری –امین کاشانی</div>

باز گشت همه به سوی اوست
<div></div> <div>بانهایت تأسف و تالم درگذشت مادری مهربان و فداکار مرحومه مغفوره شادروان خانم رقیه(ملوک خانم)ایروانی را به اطلاع کلیه دوستان و آشنایان محترم می‌رسانیم. به همین مناسبت مراسم ختمی در روز سه‌شنبه مورخه ۱۸/۷/۹۱–از ساعت ۱۶ الی ۱۷/۳۰درمسجدالنبی(ص) واقع در انتهای خیابان کارگر شمالی –روبروی کوی دانشگاه تهران بر گزار می‌گردد. حضور پرمهر و محبت شما دوستان و سروران عزیز باعث شادی روح آن مرحومه و تسلی بخش خاطر بازماندگان خواهد بود. از طرف خانواده‌های: مهاجر ایروانی –کاتوزیان –واحد – کیوان مهد – نوروزی جاوید – حیدرزاده – اشمیت – درخشان‌فخر – طباطبائی محمدی و کلیه خانواده‌های وابسته.</div>
یادبود
<div></div> <div>پس از گذر هشت سال هنوز یاد‌شانه‌های وقت بودن توست تسلی روزگار سخت نبودنت مهر ماه ۸ سال از پرواز بی‌بازگشت عزیز دلمان دکتر مهدی طرقی گذشت. یادش گرامی</div>
<div>نسرين –دکتر علی –نیلوفر</div>

غروب‌جمعه ۹۱/۶/۱
<div></div> <div>امواج دریا فرزند عزیزمان را با خود برد. با قلبی آکنده از اندوه در چهلمین روز فراق جوان ناکام مهندس میثتم احمدی چهارشنبه مورخه ۱۹/۷/۹۱ بر سر مزارش به سوگ نشسته‌و یادش را گرامی می‌داریم.</div>
<div>باز آی و بر چشمش نشین ای دلستان نازنین</div> <div>کاشوب و فریاد از زمین بر آسمانم می‌رود</div> <div>خانواده‌های احمدی و عینی</div>

دانیال عزیز
<div></div> <div>نوجوانی جوانمرد که به کمال غائی نرسیده بود در هشتمین سال پرواز فرشته‌آسای او به روان پاکش درود می‌فرستیم. این یگانه نازنین مادر شانزدهم مهرماه سال ۸۳در خون خود غلتید و ناگهان از دست رفت و کهنکشانی از یاد و داغ و دروغ برای ما بچا نهاد.</div>
<div>تیر از کمان محنت زد بر دل محبت</div>

تیری از این مصیبت بر چشم آن کمان باد
<div></div> <div>درست است که مرگ هم واقعیت است و هم حقیقت، اما حقیقت این است که مرگ برخی از انسانها حالتی متفاوت دارد. آنها بزرگند و مرگ کوچک و از این رو مرگ در حقیقتان در عین باور بودن انده‌آفرین است. دانیال بی‌گناه ما ستاره‌ای بود که خاموش شد. خورشیدی بود که غروب کرد، وزش بادی بود که با عشق می‌وزید، عشقش پناه بود و مرگش بی‌پناهی و بی‌کسی، دیگر صدایش از نهایت خلوت و تاریکی به گوش می‌رسدو از نهایت شب و انجماد خاک حرف می‌زند، ای کاش روح مشوش ما را با او پیوندی بود. چه فراموشی سنگینی...، روحش قرین رحمت باد. از خداوند مهربان در خواست دارم، همه فرزندان را در کنار والدینشان زنده نگاه دارد. کرمانشاه: دلسوختگان مادرت فریده نوربخش – زهرا</div>

به نام خدا
<div></div> <div>یکسال از غروب ستاره‌ای درخشان گذشت موحدی که ثناگوی ذات یزدان بود پزشک بود زنان را و یار نساوان بود ز بحر شعر و ادب نیز بهره‌ای می‌داشت شجاع بود و سخندان، طبیب دوران بود</div>
<div></div>
<div>سالگرد درگذشت همسر و پدر عزیزمان شادروان آقای دکتر محمدمهدی موحدی، این اسطوره انسانیت و شجاعت را گرامی می‌داریم و به روح پاکش درود می‌فرستیم.</div>
<div>هزینه مراسم سالگرد صرف امور خیریه می‌گردد.</div>
<div>همسر: همای خلوتی</div>
<div>فرزندان: دکتر خسرو موحدی – دکتر ایرج موحدی</div>

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق
<div></div> <div>بسیست و یکمین سال درگذشت پدر عزیزمان آقای حاج عباس رحیم تبریزی فرارسید.</div>
<div>یادش را گرامی می‌داریم.</div>
<div>لادن – سوسن – عاطفه – زیبا – فرناز رحیم تبریزی</div>

چهل روز بی تو
<div></div> <div>بی‌همگان به سر شوی بی تو به سر نمی‌شود داغ تو دارد دل ما جای دگر نمی‌شود بی تو نه روز و شب خوشیم بی تو نه زندگی خوشیم سرزغم تو چون کشیم بی تو بسر نمی‌شود چهل روز از سفر بی‌بازگشت و ناباورانه همسر گرامی و پدر عزیزمان زنده‌یاد جناب آقای مهندس کمال بزرگی را با دلی آکنده از غم و درد سپری کردیم و در جای جای خانه از دامن گل‌هایی که دستدارانت هدیه کرده‌اند بوی گل وجود با تو بودن را می‌شنویم، و با چشمان اشکیار خود یاد ترا زیر لب زمزمه می‌کنیم. بوی تراز گل شنیده‌ایم دامن گل از آن گرفته‌ایم تو ای پدر کجائی یادت برای همیشه گرامی باد</div>
<div>مریم عبیدی</div>
<div>فرزندان: مهندس کامبیز بزرگی و مهندس کامیار بزرگی</div>

تسلیت
<div></div> <div>دوست عزیز و بزرگوار جناب آقای حسین شاه حسینی ضایعه اسفبار درگذشت همسر گرامیتان را خدمت جنابعالی و خانواده محترم تسلیت می‌گویم. سلامتی و بقای شما را از خداوند منان خواستاریم.</div>
<div>عبدالله از دجینی – حسین پاشایی – محمود رضا – حسین سکاکی – ابراهیم فیروزآبادی – محسن قاجار – مصطفی نراقی – دکتر مهدی مؤید زاده</div>

جناب آقای مهندس فرخ هاشم‌زاده
<div></div> <div>بانهایت تأسف درگذشت خواهر گرامیتان را تسلیت عرض نموده و از خداوند متعال برای آن مرحومه رحمت و غفران و برای شما طول عمر مسئلت داریم. اعضاء هیئت مدیره باشگاه فرهنگی و ورزشی شاهین</div>
<div>بنام خدا</div>
<div>باز گشت همه به سوی اوست</div>
<div>جناب آقای دکتر سیدحسین وحید طاری</div>
<div>بانهایت تأسف و تأثر درگذشت برادر گرامیتان مرحوم مغفور شادروان آرش وحیدطاری را تسلیت عرض نموده برای آن مرحوم رحمت واسعه الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبائی مسئلت داریم.</div>
<div>گروه جراحی مغز و اعصاب بیمارستان مهراد</div>

باز گشت همه به سوی اوست
<div></div> <div>همکار گرامی جناب آقای دکتر سیدحسین وحید طاری بانهایت تأسف و تأثر درگذشت برادر گرامیتان مرحوم مغفور شادروان آرش وحیدطاری را تسلیت عرض نموده برای آن مرحوم رحمت واسعه الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبائی مسئلت داریم.</div>
<div>گروه ارتوپدی بیمارستان مهراد</div>
<div></div> <div>جناب آقای حاج محمد گودرزی سردفتر محترم اسناد رسمی ۲۹۷ تهران و ریاست فاضل اداره حقوقی کانون سردفتران سردفتر عشق و مهر گردید هم او ساکن به بهشت گشته با چهر نکو درگذشت پدر بزرگوارتان شادروان حاج علی نقی گودرزی را صمیمانه تسلیت عرض می‌نماییم. دکتر حسن حمیدیان، مدیرکل هماهنگی امور استان‌های قوه قضائیه و سازمان‌های وابسته –بهروز یغمایی، وکیل دادگستری – مهندس عباس کمانی – سعید یغمایی</div>

همکار گرامی جناب آقای دکتر طاری
<div></div> <div>بانهایت تأسف و تالم مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده برای آن مرحوم از درگاه ایزد منان علو درجات و برای بازماندگان صبر جزیل آرزومندیم. هیئت مدیره، پزشکان، پرستاران و کارکنان بیمارستان تهران</div>
<div></div> <div>برادر ارجمند، جناب آقای دکتر محمدجواد زهتاب با اندوه فراوان مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده، از خداوند منان برای آن مرحومه علو درجات و برای جنابعالی و بازماندگان محترم صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت می‌نماییم. هیئت مدیره، مدیریت و کارکنان بیمارستان بهمن</div>

انالله و انالیه راجعون
<div></div> <div>جناب آقای مهندس مقتدی کرمانشاهانی با کمال تأسف و تأثر درگذشت برادر گرامیتان را تسلیت عرض نموده و از درگاه ایزد منان برای آن شادروان رحمت واسعه و علو درجات و برای جنابعالی و بازماندگان محترم، صبر و شکیبایی مسئلت دارم. دکتر حمید ظاهری مدیرعامل شرکت نفت الهلال –ایران</div>
<div></div> <div>خانواده محترم اسحاق بیگی برادر عزیز جناب آقای حاج محمود آقا اسحاق بیگی و خانواده محترم محمدیان مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده و از پروردگار متعال برای ایشان علو درجات و صبر و شکیبایی برای شما و سایر بازماندگان آرزو دارم.</div>
<div>جلال تهرانی</div>

رحلت بزرگ خاندان سلامت را به فرزندان ایشان تسلیت عرض می‌نماییم.
<div></div> <div>خانواده عبرت آموز</div>
<div></div> <div>همکار محترم جناب آقای مهدی عامری نایب رئیس اتحادیه سراسری کانونهای وکلای دادگستری ایران و رئیس کانون وکلای دادگستری خراسان با اندوه فراوان، از جانب خود و اعضاء هیات رئیسه اسکودا درگذشت پدر بزرگوارتان را تسلیت گفته، از درگاه حضرت حق برای آن مرحوم رحمت و برای شما و بازماندگان صبر و سلامتی آرزو دارم. دکتر علی مندنی‌پور – اتحادیه سراسری کانونهای وکلای دادگستری ایران (اسکودا)</div>

جناب آقای مهندس سید عبدالله آل رسول
<div></div> <div>عضو محترم انجمن صنایع و معادن گچ کشور مصیبت وارده را به جنابعالی و خانواده محترم‌تان تسلیت عرض نموده و از درگاه خداوند متعال برای آن مرحومه رحمت واسعه‌الهی و برای آنجناب و سایر بازماندگان طول عمر با عزت همراه با صبر و شکیبایی مسئلت می‌نماید. رئیس، هیات مدیره و دبیر کل انجمن صنایع و معادن گچ کشور</div>

استاد ارجمند جناب آقای دکتر ابریشم‌چی
<div></div> <div>بدینوسیله درگذشت همسر گرامی‌تان را تسلیت عرض نموده و از درگاه خداوند متعال برای روح ایشان طلب رحمت و برای شما و سایر بازماندگان صبر آرزومندیم. اساتید، کارکنان و دانشجویان دانشکده مهندسی عمران دانشگاه صنعتی شریف</div>

دوست و برادر گرامی
<div></div> <div>جناب آقای دکتر بهزاد کریمی درگذشت پدر مرحومتان میرزا احمد کریمی را صمیمانه تسلیت می‌گویم.</div>
<div>غلامرضا نیرودل و خانواده</div>
<div></div> <div>جناب آقای مهندس سهرابی با نهایت تأسف و تأثر درگذشت پدر بزرگ گرامیتان را به شما و خانواده محترم‌تان تسلیت عرض نموده و برای شما و بازماندگان صبر و شکیبایی آرزومندیم. از طرف مدیران و پرسنل شرکت مهندسی تکتاب</div>

بانهایت تأسف و تأثر درگذشت آقای دکتر کریم طایی
<div></div> <div>عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی اهواز و دبیر انجمن اورولوژی شاخه خوزستان را به جامعه محترم پزشکی، همکاران محترم اورولوژیست و خانواده محترم ایشان تسلیت عرض می‌نماییم.</div>
<div>انجمن اورولوژی ایران</div>

جناب آقای مهندس فتوگرافی
<div></div> <div>با کمال تأسف درگذشت مادر همسر گرامی را به جنابعالی و حضرت آیت‌الله‌قیله‌ای و بازماندگان آن بانوی بافضیلت و تقوا از صمیم قلب تسلیت می‌گویم، بقای عمر و سلامت بازماندگان و آموزش آن سعیده عقیده را از درگاه خداوند متعال خواستاریم.</div>
<div>حمید شریعتی و کیل دادگستری</div>

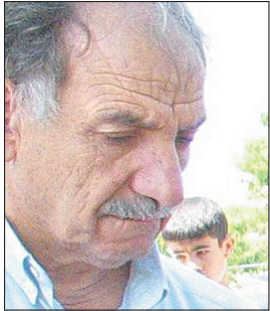
جناب آقای مهندس فرخ هاشم‌زاده
<div></div> <div>مدیرعامل محترم شرکت شالوده با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده، از درگاه ایزد منان برای آن مرحومه علو درجات و برای جنابعالی و سایر بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت داریم.</div>
<div>سازمان توسعه راههای ایران – آباد راهان پارس</div>

جناب آقای مهندس فرخ هاشم‌زاده
<div></div> <div>مدیرعامل محترم شرکت شالوده صمیمانه و با کمال تأسف درگذشت خواهر گرامیتان را تسلیت گفته، سلامتی جنابعالی و خانواده محترم را از خداوند متعال خواستاریم.</div>
<div>ژیلا و عزت‌اله خواجه‌نوری</div>

برادر ارجمند، جناب آقای دکتر محمدجواد زهتاب
<div></div> <div>بانهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده از درگاه خداوند متعال صبر و بردباری برای کلیه بازماندگان آرزومندم.</div>

دکتر محور – رئیس بیمارستان بهمن
سیاسگزاری
<div></div> <div>تشکر و سپاسگزاری و به جز قصه هجران و شکیب</div>
<div>چیست افسانه عمر.</div>
<div>ایزدمنان را سپاسگزاریم که در غمناکترین لحظه زندگیمان ما را از نعمت حضور دوستان و سرورانی مهربان بهره‌مند ساخت که همدردیشان التیامی ست بر دل‌های داغ‌دیده ما، ابراز همدردی و بذل محبت شما عزیزان که با حضور در مراسم و مجالس تشییع، تدفین، ترجم و یادبود زنده یاد سیدتقی هاشمی وکیل محترم دادگستری و یابار سال گل و پیامهای تسلیت موجبات تسلی خاطر ما را فراهم نمودید، سزوار قدردانی و سپاسگزاری است. روزهایتان دور از غم، همراهیتان مستدام.</div>
<div>از طرف همسر و فرزندان</div>

قابل توجه ارادکنندگان
خدمات مجالس ترجم و بزرگداشت
<div></div> <div>•••••</div>
<div>✱ تالارها</div>
<div>✱ مراکز طبخ غذا</div>
<div>✱ گل فروشی‌ها</div>
<div>✱ حکاکان</div>
<div>✱ فیلمبرداران و عکاسان</div>
<div>✱ ظروف کریهه، ظروف یکبار مصرف و ...</div>
<div></div> <div>•••••</div>
<div>برای درج آگهی در صفحه ترجم و تسلیت با شماره‌های زیر تماس بگیرید:</div>
<div>۰۱۶-۲۲۲۵۸۰۱۴ ✱ ۰۲۸۸۳۷۳۶۶</div>
<div>۰۶۹۴۲۲۳۳۶۹ ✱ ۰۲۹۹۹۴۲۴۹</div>
<div>۰۴۱-۲۹۹۹۴۲۶۱</div>



شعر فریاد

شعر اعتراض

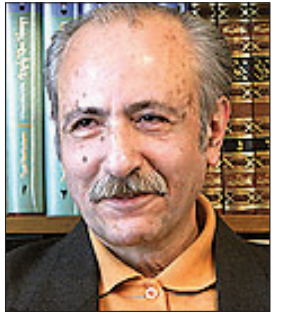
صفحه ۳

ادب و هنر

۱۹۹

ضمیمه ادبی هنری روزنامه اطلاعات
ویژه فرهنگ، هنر و ادبیات

سه شنبه ۱۸ مهر ۱۳۹۱
شماره ۲۵۴۲۶



کژتابی های

ذهن و زبان

صفحه ۲

مروری بر فیلم های اکران پاییز سینمای جهان

پاییز در سینما

پاییز در سینما زمانی است که هالیوود می خواهد انتقام خود را از فیلم های چرند تابستانی بگیرد؛ آن هم با نمایش فیلم هایی که ممکن است بالاخره «خوب» باشند!

دانیل کریگ با فیلم جیمز باندی «رگبار» (Skyfall) باز گشته است. خواهر و برادر واچوفسکی (اندی و لانا) با یک ماتریکس معما گونه دیگر به نام «اطلس ابر» (Cloud Atlas) آمده اند. پتر جکسون هم با فرمانروایی ارباب حلقه ها این بار با اسم «هابیت: یک سفر غیر منتظره» بازگشته. کریستین استوارت و رابرت پتینسون هم با قسمتی دیگر از «گرگ و میش» برگشته اند. (خب آن قدرها هم برای این یکی خوشحال نیستیم!) اما حداقل خوشحالم که این قسمت پایانی خون آشام ها خواهد بود. همه می دانند که پاییز فقط در مورد یک چیز است: اسکار! اسکار! اسکار!

دیل دی لوپس در نقش لینکلن، بیل موری در نقش فرانکلین روزولت، راسل کرو در بینوایان، کوئنتین تارانتینو با داستان بردگی اش در فیلم «جانگوی رها شده»، پائول توماس اندرسون با آیین های مذهبی در فیلم «مرشد» به میدان خواهند آمد، کاترین بیگلو به دنبال اسامه بن لادن در فیلم «سی تاریک صفر» خواهد بود و بن افلک در درام گروگان گیری در ایران با



نام «آرگو» شمه های کارگردانی خود را نشان می دهد.

در تاریخ نوامبر فصل انتخابات شروع می شود و درگیری ها بالا می گیرد، اما ما هنوز فیلم هایی داریم که برایشان بجنگیم.

سال گذشته «آرتیست» با یک داستان خیال انگیز صامت هالیوودی، رقصان و خوشحال توانست در فصل نوستالژیک جوایز، اسکار بهترین فیلم را از آن خود کند. اما در پاییز و زمستان امسال، فیلم ها با تنش و بحران پر سر و صدایی مواجه خواهند بود. تعدادی از فیلم های مطرح به سختی با هم درگیر خواهند شد؛ بعضی ها با خشونت و بعضی ها هم به خاطر موضوعاتشان که رنگ و بوی سیاست دارد و همگی خود را از صحنه شلوغ رقابت به روی پرده های نمایش می رسانند.

مطمئناً بلندترین صدای این فصل متعلق به آقای «هاروی وینشتاین» و شرکت وینشتاین است. شرکت فیلم سازی که سال گذشته با «آرتیست» آمد و سال قبل ترش هم «سخنرانی پادشاه» را داشت؛ یک فیلم نوستالوژی صمیمی دیگر که آن هم برنده اسکار بهترین فیلم شد.

در ماه جولای، در همایش بین المللی کامیک کان (comic-con) که هر ساله برای طرفداران کمیک ها، فیلم ها، بازی ها و ابرقهرمان ها برگزار می شود، وینشتاین از فیلم جدید خود با نام «جانگوی رها شده» (Django Unchained) که یکی از کاندیداهای اصلی جوایز سال ۲۰۱۳ است، رونمایی کرد. یک افسانه خون آلود که کوئنتین تارانتینو آن را نوشته و کارگردانی کرده است و در آن جیمی فاکس در نقش یک برده آزاد شده است که در جستجوی یک عشق گمشده (با بازی کری واشینگتون) سران سفیدپوست را شکار می کند.

تارانتینو در توضیح این فیلم انتقام جوینده و مرگبار می گوید: «داستان فیلم از آنچه که در واقعیت بوده وحشتناک تر نیست». او عنوان اسپاگتی سور رئالیسم در امریکای جنوبی را به این داستان می دهد.

قرار است پخش فیلم در روز کریسمس آغاز شود و همچنین در روز مراسم کامیک کان توسط نماینده کمپانی وینشتاین به عنوان مدعی اصلی جوایز امسال در موردش صحبت شد و گفته شد که در ادامه فیلم «حرامزاده های بی آبرو» ساخته شده.

فیلمی که تارانتینو را با آن نقش نازی پوست سر کن دوباره مطرح کرد. فیلم خشنی که هشت نامزدی اسکار در سال ۲۰۱۰ به دست آورد. (چندی پیش آقای وینشتاین درخواست یک بحث هالیوودی در مورد تاثیرات خشونت در سینما را کرده بود).

اما «جانگوی رها شده» برای این که برنده باشد باید چند فیلم دیگر را هم از سر راه بردارد. فیلم «باغی» (Lawless) ساخته جان هیل کوت که در مورد گانگسترهایی است که در منطقه ممنوعه ویرجینیا، کالا قاچاق می کنند. «مرشد» (The Master) ساخته پائول توماس اندرسون که در مورد یک مرد سرگردان دائم الخمر است که با رهبر یک مکتب با نام ال ران هابارد آشنا می شود که مؤسس مکتب ساینتولوژی است.

فیلم «دفتر چای با خطوط نقره ای» (Silver Linings playbook) به کارگردانی دیوید او. راسل که در مورد یک معلم بیکار است که به تازگی از یک بیمارستان روانی مرخص شده است.

بقیه در صفحه ۴

■ خشت اول

در گریم داشت روز جهانی حافظ و

تقدیم به حافظ پژوه معاصر، استاد بهاء الدین خرمشاهی

بدون حافظ هرگز!



اکبر اکسیر

حافظ اگر حافظه ماست، اگر تبلور شعور ملی ماست اگر توانسته با گذشت قرن ها، همدوش معاصران حرکت کند و اجتماعی ترین شاعر مالتقی شود، نه ملک بوده نه ملک. مثل تمام بزرگان هم روز گار یک آدم زمینی بود، محیط بر علوم زمان، حافظ قرآن، شاعر و عارف غزل پرداز. آنچه باعث ماندگاری او شد شناخت جامعه، مدیریت هوش ربای ذهن و زبان، طنز نهان، درک ظرفیت و ظرفیت کلمه و کلام و از همه مهتر رندانه سخن گفتن او بود.

او مثل دیگران بانداک و زش سموم به طرف این بوستان به مهاجرت نیندیشید، بر خلاف دیگران به دربار هند پناهنده نشد از فشارهای اجتماعی و ناملازمات موجود ترک وطن نگفت. او جهان را به خانه آورد و در جهان خود ساخته، فلک را سقف شکافت و طرحی نو در انداخت. به جای شعار و مصاحبه به راز ماندگاری شعر اندیشید، سپس طنز شریف را به عنوان ماده نگهدارنده وارد شعر کرد. به جای خود سانسوری، خموشی و فراموشی به مهندسی اندیشه های عالی و انسانی پرداخت.

خط قرمزها را دور زد و شیخ و سنگ و شلنگ انداز پیش رفت. به یاری جادوی جادوانه طنز و رندی بیان و چیش فنی واژه های شگفت، معمار شعری شد که حتی به مذاق ممیزان زمان خوش آمد! این چنین بود که شعرش تبلور باورهای سرکوفته ملتی بزرگ شد و به امروز رسید.



شاعر امروز اگر به رمز گشایی اندیشه های پنهان در غزلیات حافظ بپردازد، هرگز تن به یاس و خمودی نمی دهد بلکه نفرت را به انرژی مثبت بدل می کند و فارغ از تئوری توطئه و توهم می ماند و بدون شکر و شکایت ز نقش نیک و بد، چراغش را در این خانه روشن می کند؛ با اعتقاد بر این که: نفس باد صبا مشک فشان خواهد شد. من بعد از ۲۵ سال تجربه و تکرار به خاطر پرهیز از سیاهی لشکر شدن، دهه هفتاد را خاموش و لال در گوشه ای نشستم و فقط خوب دیدن را تمرین کردم. در کنار تخلیه فاضلاب ذهنی به تقویت چشمه های عینی پرداختم؛ یک روز به حافظ رسیدم و وقتی شنید:

بقیه در صفحه ۳

گزارشی از جلسه مهرماه طنز شکرخند — فرهنگسرای ارسباران

وارد شده ده کامیون افغانی چینی!

در حالی که میجریان برنامه در جای خود مستقر شده بودند؛ برنامه شکر خند این ماه به خاطر آن که دقیقاً در روز اول مهر واقع شده بود، در یک اقدام خوب، باپخش آهنگ و ترانه دوست داشتنی و خاطره انگیز «یار دبستانی» آغاز شد. سپس رضارفع ضمن گرامی داشتن همزمانی شصت و هفتمین جلسه شکر خند با شصت و هفتمین جلسه مجمع عمومی سازمان ملل متحد و پرواز رئیس جمهور به نیویورک به همین منظور، آرزو کرد که امیدواریم دولت به ایشان ارز مسافرتی بدهد. برای انجام کار شخصی نمی روند.

خانمی از بین جمعیت با صدای بلند خطاب به او که پیراهنی هلوپی رنگ به تن داشت، گفت: بلوزتان خوش رنگ است! خانم صدافتی، مجری دوم برنامه گفت: بله، طرح کتشان هم خوب است... اما درست بارنگ شلوارشان ست نشده! رفیع که نمی خواست بیشتر از این زیر ذره بین قرار بگیرد، اعتراض کرد: صورتی در زیر دارد آنچه در بالا ستی!... از بالای میز پیراهن و کت پیدا است و از زیر، شلوار!... و یک نفر گفت: نه، کسی زیر شلوازی را کاری ندارد!

این وسط، تلفن همراه رضارفع هم یکسره زنگ می خورد، ولی ظاهراً بحث پیش آمده برای او جالب تر بود تا شماره افتاده بر گوشی! برای همین گفت: بر خر مگس معر که لعنت! چند لحظه بعد که تلفن دوباره شروع به زنگ خوردن کرد، خانم صدافتی گفت: می خواهی جواب این خر مگس رامن بدهم؟! در فاز دوم پیش تولید، رضارفع به مناسبت آن که روز اول مهر ماه بود، به ذکر خاطراتی از دوران مدرسه اش پرداخت؛ مثلاً این که در دوران دفاع مقدس، چون پول توجیبی زیاد نداشته، سر کلاس که کمک جمع کردند برای جبهه، توانسته آن موقع پنج ریال به جبهه کمک کند و مدتی بعد، رزمندهای بافر ستادن نامه، از این لطف او تشکر می کنند! (یعنی به خاطر پنج زار، اسم و آدرس هم فرستاده بوده؟!)

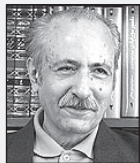
خانم صدافتی گفت: من الگویم را فرستادم و هیچ نامه ای هم نیامد، تازه الگویم طلبا بود، تنها الگوی زندگی ام هم بود.

بقیه در صفحه ۵



محمد کدخدایی (بازیگر نقش مبصر ۵ ساله) مهمان ویژه شکر خند در روز اول مهر

کژتابی‌های ذهن و زبان



۴۴ استاد بهاء‌الدین خرمشاهی

در اینجا چهار مثال را که دوست و سرور دانشور نکته‌دان و زبان‌شناس و زبان‌دان مهربانم جناب استاد ابوالحسن نجفی، در یکی از جلسات شورای فرهنگستان زبان و ادب فارسی، در اواخر اردیبهشت ماه ۱۳۸۲، به صورت یادداشت به این دوستدار دیرین خود التفات فرموده‌اند، عرضه می‌دارم.

۱- آمد بهار و نوبت سرما شد / وین سالخورده گیتی برنا شد (ناصرخسرو) [که معلوم نیست نوبت سرما فراموش شده یا سپری شده است؟].

۲- و حتی یکی از آنها حق این حرف را ادا نکرده است» (بهاء‌الدین خرمشاهی، در کتاب در خاطره شط، ص ۸۲). از این جمله دو معنی بر می‌آید (و معنای مراد نویسنده را به قرینه سطور پیشین باید دریافت):

الف) هیچ یک از آنها حق این حرف را ادا نکرده است.

ب) یکی از آنها حق این حرف را ادا نکرده است.

۳- شکر انعام تو هرگز نکند شکر گزار (سعدی)

از این مصراع دو معنی بر می‌آید:

الف) شکر انعام تو را، چنان که حق تو ست، هرگز شکر گزار نمی‌کند [هر چه بکوشد باز هم به مدلول و مشابهت «ما عرفناک حق معرفتک» نمی‌تواند از عهده شکر تو بر آید].

ب) شکر گزار [از شدت غفلت، یا بَطَر یا انانیت یا هر انگیزه و عامل منفی دیگر] هرگز حاضر نیست که شکر انعام تو را بکند.

لزو ما همه جملات و گزاره‌هایی که کژتابی دارند، طنز ندارند، اما تجربه گذشته مقاله‌ای نشان می‌دهد که غلبه با جملات یا عبارات کژتاب / دوپهلوی طنزآمیز است. به قول معروف باید ببینیم و تعریف کنیم. و تعریف و تعارف تکه-پاره نکنیم.

اما چرا در نیمه دوم کار از این پس، عنوان را از «کژتابی‌های زبان» به «کژتابی‌های ذهن و زبان» تغییر داده‌ایم؟ پاسخش این است که در فاصله کارسازی که در میان آمد، با انتقاد از خود به این نتیجه رسیدیم که اگر این بچه‌زائر یا ژانرک «کژتابی‌ها» بخواهد ادامه پیدا کند، باید قدری متنوع‌تر از شکار مادام‌العمر جملات / عبارات کژتاب باشد. لذا مواد و مطالب دیگری به آن افزودم که همه زبانی / ادبی و زبان‌کاوانه و ادب‌پژوهانه است؛ مثل افزایش «انکدوت»‌ها، لطیفه‌ها و نکته / نادرهای رخ داده و برای صاحب‌عله، تحت عنوان «از آنچه رفت حکایت».

یا غلط‌های شنیدنی از رسانه‌های صوتی / تصویری و خلاص‌تر: رادیو-تلویزیون، یا از هر گونه‌ای، مثل آن که به نقل دوست هنرمندم جناب استاد هوشنگ ابتهاج (ه.ا. سایه) این شعر حافظ را که «... ناز کم کن که در این باغ بسی چون تو شکفت» را کسی چنین می‌خواند: «ناز کم کن [فی‌المثل به من رژیم لاغری بده یا کاری بکن که گوشت تنم بریزد] که در این باغ بسی چون تو شکفت».

یا یکی پیش خود من، «حاک گویت» را در شعر حافظ «حاکِ گویت Kuwait» می‌خواند، و کاری هم به این نداشت که وزن را نه می‌دهد. اما یکی دیگر در جایی که اتفاقاً وزن هم به صورت مزید بر علت راه می‌داد، شعر حافظ را چنین می‌خواند: بوی شیراز [=شهر شیراز] لب چون شکرش می‌آید [/ گر چه خون می‌چکد از شیوه چشم سیه اش] آری، بوی شیراز [=بوی شیراز] می‌خواند.

حکایت صاحب‌دلی است که «مادر پیاله عکس رخ یار دیده‌ایم» را به نحوی می‌خواند که «مادر پیاله»، مثل «مادر بخطا»، صورت و ساختار نوعی فحش به خود می‌گرفته. حالا دیگر طشت قرائت «کوس نو-دولتی» که «کوس نو-دولتی» خوانده‌اند، از بام ادبیات مردمی ما افتاده و فجایع و فضایح از این دست بسیار است. شاید اشتباهات زبانی نظیر این که یکی به جای «تالار ستاره» می‌گفت «سالار ستاره / طیاره» یا دیگری از گارسن به جای «دوغ گازدار»، لایذ «سود داغدار» [با سنین بدل از کاف فارسی]، درخواست کرده بود؛ یا شیرین سخنی که به جای «جایی داغه» گفته بود: «دایی چاقه» و اکنون «جایی داغه / دایی چاقه» جز و صنایع سنگین ادب عامه است.

حالا دیگر تا اینجا پیش نمی‌رویم که از خوانندگان بخواهیم که کلمات سخت-گسور را به عنوان نوعی بازی زبانی تکرار کنند: «سخت شب سردی بود دیشب» خواهش می‌کنم هشت ده بار محض خود آزمایی در دل یا به زبان تکرار فرمایید. یا: «گشتم شپش شپش کش شش پا را». نوع دیگر از دورنمای کژتابی‌های ذهن و زبان که فی‌الواقع می‌توان آن را با عنوان فرعی «کشکول شیخ بهاء‌الدین» هم نامید، فی‌المثل غریب زبانی است. نظیر «از اسر» به جای «از سر» (به معنای از نو)، یا «اسم بدنامی» که همان بدنامی است با اندک فرق و فحواى متفاوت، یا «چشم و هم‌چشمی» که همان «هم‌چشمی» است و نظایر آنها.

ادامه دارد

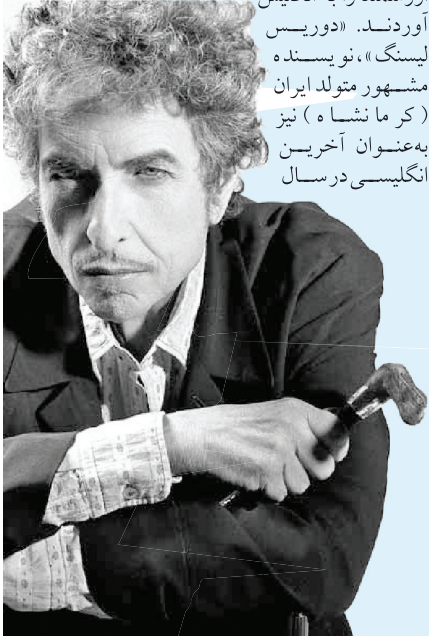
در استقبال از آغاز یکصد و دوازدهمین مراسم نوبل در سوئد

کدام نویسنده نوبل ادبیات را به خانه می‌برد؟



محمد رضا حیدرزاده

«سینلکر لویس» در سال ۱۹۳۰ آن را به جنگ آورد. «تونی موریسون» نیز آخرین آمریکایی بود که در سال ۱۹۹۳ عنوان برنده نوبل ادبیات را از آن خود کرد. «جورج برنارد شاو»، نویسنده معروفی بود که اولین جایزه نوبل ادبیات را در سال ۱۹۲۵ برای انگلستان به ارمان آورد. طی هشت دهه بعد شخصیت‌های نام‌آشنایی چون: «تی. اس. الیوت» (۱۹۳۲)، «برتراند راسل» (۱۹۵۰)، «ویلیام گلدینگ» (۱۹۸۳) و «هارولد پینتر» (۲۰۰۵) این جایزه ارزشمند را به انگلیس آوردند. «دوریس لیسینگ»، نویسنده مشهور متولد ایران (کرمانشاه) نیز به عنوان آخرین انگلیسی در سال



باب دیلن

۲۰۰۷ جایزه نوبل را در دست گرفت. وی همچنین لقب پیرترین برنده نوبل ادبیات را نیز یدک می‌کشد. کشورهای آلمان و سوئد هر یک هشت جایزه نوبل را کسب کرده‌اند و در این فهرست مشترکا رتبه سوم را به دست می‌آورند. پس از آن ایتالیا (۶)، اسپانیا (۵)، لهستان (۴)، ایرلند (۴) و شوروی سابق (۳) دیگر کشورهایی هستند که به دفعات مفتخر به دریافت جایزه نوبل در حوزه ادبیات شده‌اند.

از دیگر نکات قابل توجه راجع به اعطای جایزه نوبل ادبیات می‌توان به تعداد برندگان قاره پهناور آسیا اشاره کرد که در مقایسه با کشورهای کوچک اروپایی عدد بسیار پایین‌تری است. اولین جایزه نوبل ادبیات در قاره آسیا «رابیندرانات تاگور» از هند در سال ۱۹۱۳ کسب کرد. «وی. اس. ناپیل» دیگر نویسنده‌های تبار کشور ژاپن نیز دو بار در سال‌های ۱۹۶۸ (یاسوناری کاواбата) و ۱۹۹۴ (کنزابورو اووا) نوبل ادبیات را برای اهالی آسیا به ارمان آورد. «جاو شینگ جیان» نویسنده چینی بود که در سال ۲۰۰۰ از سوی آکادمی نوبل ادبیات شایسته دریافت این جایزه شناخته شد.

شاید اغراق نباشد اگر جایزه نوبل را شناخته شده‌ترین دستور دنیا ادبیات بنامیم. در جریان اعطای این جایزه معتبر که سالانه از سوی آکادمی نوبل به مجموعه آثار یک نویسنده متعلق می‌گیرد، استثنائات و رویدادهای غیرمتعارفی نیز روی داده که مرور برخی از آنها خالی از لطف نیست.

*** اولین جایزه نوبل ادبیات در سال ۱۹۰۱ به «سولی پرودوم»، نویسنده فرانسوی اعطا شد. اگرچه مرسم است اعضای آکادمی نوبل هر سال یک نویسنده را انتخاب کنند، اما در سال‌های ۱۹۱۴ و ۱۹۱۸، ۱۹۳۵، ۱۹۴۰، ۱۹۴۱، ۱۹۴۲ و ۱۹۴۳ هیچ نویسنده‌ای به عنوان برنده نوبل معرفی نشد. علت عدم برگزاری و اعطای این جایزه مهم ادبی درگیری جنگ‌های جهانی و گاه به اجماع نرسیدن اعضای تصمیم‌گیرنده بوده است.

*** یکی از دلایل دشواری پیش‌بینی برنده نوبل در هر سال، قوانین سخت و سخت‌آکادمی است. طبق یکی از این قوانین، فهرست نامزدهای این جایزه تا ۵۰ سال باید مخفی بماند. در حال حاضر تنها اسامی کاندیداهای نوبل بین سال‌های ۱۹۰۱ تا ۱۹۵۰ در دسترس است.

*** زمانی که «آلفرد نوبل» آخرین وصیت‌نامه‌اش را به نگارش درآورد، برای نویسندگان تمام کشورها حتی برابر قائل شد. اما نگاهی به تاریخچه برندگان نوبل ادبیات نشان می‌دهد که اعضای آکادمی سوییسی توجه ویژه‌ای به کشورهای اروپایی نشان می‌دهند. از مجموع ۱۰۸ برنده معتبرترین جایزه ادبی جهان، تنها ۲۸ نویسنده غیراروپایی بوده‌اند! علاوه بر این، آمار نشان می‌دهد کشور سوئد بیشتر از تمام کشورهای قاره آسیا سابقه کسب جایزه نوبل را دارد.

نوبل ادبیات ۱۷ سال انتظار کشیدند! زیرا اعضای تصمیم‌گیرنده بنیاد نوبل، چهره‌هایی چون «موریس مترلینگ»، «رابیندرانات تاگور»، «رومن رولاند»، «ویلیام باتلر ییتس»، «جورج برنارد شاو» و... در هر دوره نویسنده‌ای نه‌چندان شناخته شده را برای کسب این افتخار شایسته‌تر دانستند.

«گراتز یادلد» نویسنده ایتالیایی بود که در سال ۱۹۲۶ دو سال به دلیل تصویرروشنی که از زندگی در جزیره بومی خود «ساردینیا» در آثارش ارائه کرده بود، نوبل ادبیات را از آن خود کرد.

پس از او «زیگرید اوندست» از نروژ به عنوان برنده نوبل معرفی شد. وی نویسنده‌ای بود که در توصیف فضای اسکاندیناوی در قرون وسطی تبحر داشت.

«پرل پاک» زن قلم به دست آمریکایی بود که ۱۰ سال بعد از آن در سال ۱۹۳۹ برای شرح روشن زندگی در چین، مدال نوبل ادبیات را به گردن او یخت. پنجمین جایزه نوبل ادبیات برای زنان در سال ۱۹۴۵ به شاعری شیلیایی به نام «گابریل میسترال» رسید. در فاصله بین سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۶۶ که «نلی ساش» شاعر و نمایشنامه‌نویس سوئدی عنوان برنده نوبل را به خود اختصاص داد، نویسنده‌گان مشهوری چون «هرمان هسه»، «آندره ژید»، «تسی اس الیوت»، «ویلیام فاکتز»، «برتراند راسل»، «ارنست همینگوی»، «آلبر کامو»، «جان اشتاین بک»، «ژان پل سارتر» و «میخائیل بولگاکف» برگزیده اعضای آکادمی سوئدی نوبل بودند.

«نادین گوردیمر» هفتمین نماینده نویسندگان زن بود که در سال ۱۹۹۱ موفق به کسب این افتخار بزرگ شد. پس از او «تونی موریسون» به عنوان اولین زن آفریقایی-آمریکایی در سال ۱۹۹۳ جایزه ارزشمند نوبل را به چنگ آورد.

به فاصله سه سال از خالق رمان «معشوق»، شاعری بزرگ از کشور لهستان به نام «ویسلاوا شیمبورسکا» که در فوریه ۲۰۱۲ برای همیشه قلمش را زمین گذاشت، مدال نوبل ادبیات را دریافت کرد. نویسنده زن بعدی که موفق به دریافت مهمترین جایزه ادبی جهان شد، «الفرید جلینک» بود. اما پیش از او چهره‌های سرشناسی چون «داریو فو»، «ژوزه ساراماگو»، «گوئتر گراس» و «وی. اس. ناپیل» به عنوان نمایندگان جامعه مردان از سوی اعضای آکادمی نوبل برگزیده شدند.

«جلینک» اتریشی که به قدرت زبانی و موسیقایی خارق‌العاده آثارش شهرت دارد، در سال ۲۰۰۴ جایزه نوبل را به دست آورد و سه سال پس از او «دوریس لیسینگ»، نویسنده ایرانی‌تبار انگلیسی‌جایزه نوبل ۲۰۰۷ را به خانه برد. اعضای آکادمی نوبل وی را به برای توصیفات برجسته در زمینه تجربیات زنان مورد تقدیر قرار داد. در فهرست نویسندگان زن برنده نوبل ادبیات آخرین اسمی که به چشم می‌خورد، نام «هرتا وولر» آلمانی است. وی به عنوان برنده سال ۲۰۰۹ معتبرترین جایزه عرصه ادب معرفی شد.

«ماریوبار گاس یوسا» از پرو و «توماس ترانسترورم» از سوئد نیز برندگان سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ نوبل ادبیات بودند.

از مجموع ۱۰۶ نویسنده‌ای که تاکنون مدال نوبل ادبیات را به گردن آورده‌اند، تنها ۲۷ نفر غیراروپایی بوده‌اند. جالب‌تر آنجاست که بدانیم سهم کشور کم‌جمعیتی چون سوئد که تاکنون هشت برنده نوبل را به دنیا معرفی کرده، از کل کشورهای قاره آسیا (با پنج نوبل ادبیات) بیشتر بوده است.

واکنش اعضای تصمیم‌گیرنده این جایزه ادبی نیز در نوع خود جالب توجه است. سال ۲۰۱۰ «هوراس انگداهل» به عنوان دبیر آکادمی نوبل اروپا را محور اصلی جهان خطاب کرد. به نظر می‌رسد همین دیدگاه می‌تواند وجهی برای این جهت‌گیری‌های جغرافیایی باشد. این در حالی است که «آلفرد نوبل» در وصیت‌نامه آخر خود هیچ‌گونه تبعیضی میان نویسندگان از سراسر جهان قائل نشد و شرط اصلی را خدمت در راستای ایده‌آل‌ها به دنیای ادبیات دانست. در میان کشورهایی که موفق به کسب نوبل ادبیات شده‌اند، نویسندگان فرانسوی حرف اول را می‌زنند. اولین برنده نوبل «سولی پرودوم»، نویسنده فرانسوی بود که ظاهراً این مدال برای کشورش خوش یمن بود؛ چرا که پس از او ۱۴ نویسنده هموطنش موفق به دریافت این جایزه ارزشمند شدند. از سرشناس‌ترین چهره‌های ادبیات فرانسه که نوبل ادبیات را به دست آورده‌اند، می‌توان از «رومن رولان»، «هنری برگسون»، «آندره ژید»، «آلبر کامو»، «کلود سیمون» و «ژان پل سارتر» که البته از دریافت جایزه امتناع کرد- نام برد. پس از فرانسه، دو کشور آمریکا و انگلستان، هر یک با ۱۰ جایزه نوبل مشترک در رتبه دوم قرار دارند. آمریکا برای کسب اولین جایزه سه دهه انتظار کشید تا

مراسم اهدای جایزه نوبل در بخش‌های مختلف کار خود را از دیروز آغاز کرد.

جایزه نوبل امسال با اهدای جایزه فیزیک پولویزی یا پزشکی شروع شد و پس از آن به ترتیب جایزه فیزیک و شیمی اهدا می‌شود. جمعه هم روز اهدای جایزه صلح نوبل است و جایزه علوم اقتصادی در روز ۲۴ مهر به برنده‌اش اهدا می‌شود.

در این میان، نوبل ادبیات است که زمان اهدای آن تعیین نشده باقی مانده و آکادمی سوئد اعلام کرده که برنده آن طبق معمول توسط پیترا انگلوند، دبیر این بخش، اعلام خواهد شد.

مراسم نوبل در همه بخش‌های اعلام اسامی به صورت زنده و مستقیم در سایت نوبل قابل مشاهده است و پس از اعلام هر نام، یک مصاحبه با یکی از اعضای انتخاب‌کننده درباره چهره منتخب سال انجام می‌شود.

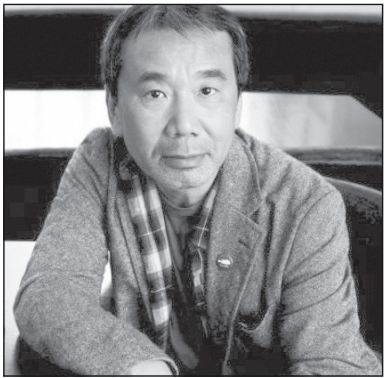
امسال «هاروکی موراکامی» نویسنده ژاپنی از شانس بیشتری نزد منتقدان برای دریافت جایزه ادبی نوبل برخوردار است و در سایت لادبروکر که با توجه به احتمالات و یا اخبار درز کرده از کمیته نوبل، شانس هر نویسنده تعیین می‌شود؛ بالاترین شانس برای او در نظر گرفته شده است.

موراکامی که در یک ماه اخیر در رأس این فهرست قرار داشته، ابتدا از شانس یک به ۱۰ برخوردار بود و دو هفته پیش شانس یک به ۷ برای او در نظر گرفته شد. در چند روز اخیر احتمال برنده شدن او در این فهرست افزایش یافته و شانس یک به ۵ برایش متصور شده است. هاروکی موراکامی، در ایران نیز طرفداران بسیاری دارد.

باب دیلن که تا چندی پیش در جایگاه دوم قرار داشت، اکنون به جایگاه سوم رفته و «مویان» نویسنده چینی از شانس دوم برای دریافت این جایزه برخوردار شده است. هر چند هنوز احتمال یک به ۱۰ برای باب دیلن در نظر گرفته شده، اما «مویان» اکنون از شانس یک به ۸ برخوردار است.

خیلی‌ها اعتقاد داشتند که دیلن ترانه سرا، شاعر و آهنگساز و خواننده آمریکایی می‌تواند بهترین انتخاب برای نوبلی‌ها باشد تا هم دل منتقدان آمریکایی را به دست آورد که اعتقاد دارند کمیته نوبل به ادبیات آمریکاروی خوش‌نشان نمی‌دهد و هم با انتخاب این چهره معترض به سیاست‌های سرمایه‌داری، وجهه روشنفکری خود را حفظ کنند.

با این حال «مویان» نویسنده چینی، که تاکنون در مقام سوم قرار داشت، اکنون جایگاه دوم را با شانس یک به ۸ به خود اختصاص داده است.



موراکامی

مویان ۵۷ ساله که به عنوان یکی از نویسندگان مدرن چین شناخته می‌شود، معمولاً در زادگاهش برای انتشار آثارش با ممنوعیت روبه‌رو می‌شود. اما غربی‌ها که او را با عنوان از زمان‌هایش که با اقتباس از آنها فیلم «ذرت سرخ» ساخته شد، می‌شناسند؛ وی را همدیفرانتس کافکا یا جوزف هلر برمی‌شمارند. مویان سال ۲۰۰۷ یکی از نامزدهای دریافت جایزه بوکر آسیا بود و سال پیش جایزه مانو دون چین را با «قورباغه» برد. کسب جایزه نوبل ادبیات شاید بزرگ‌ترین آرزوی هر نویسنده‌ای باشد، اما پرسش اینجاست آیا سهم مردان و زنان در کسب این جایزه ارزشمند یکسان بوده است؟

نگاهی به تاریخچه جایزه نوبل ادبیات به عنوان قله افتخار یک نویسنده و شاعر نشان می‌دهد که از ۱۰۸ نویسنده‌ای که از سال ۱۹۰۱ تاکنون مدال نوبل را به گردن آورده‌اند، ۹۶ نفر مرد بوده‌اند. این بدین معناست که سهم نویسندگان زن از این جایزه تنها ۱۲ نفر بوده است.

«سلما لاگرولف» سوئدی نخستین زنی بود که در سال ۱۹۰۹- یعنی هشت سال پس از اعطای اولین نوبل ادبیات- موفق شد این افتخار را برای جامعه زنان کسب کند.

نویسندگان زن برای دریافت دو میسن جایزه

نگاهی به نمایش «خدای کشتار» به کارگردانی علیرضا کوشک جلالی

از درگیری دو کودک تا یک کشتار خانگی ساده



زهره زاهدی کرمانی

تاریکی نفوذ می کند، مسائل درونی خود را به متن مبادا راه می یابد و پرده های پنهان کاری شخصیت های شان کنار می رود، تاجایی که گمان می کنیم این شخصیت ها در عین جذاب بودن، اما دیگر هیچ نقطه پنهانی برای کشف شدن ندارند و اینجا درست نقطه پایان است. در واقع انگار موضوع دعوی دو پسر بهانه ای برای در کنار هم جمع شدن این آدم ها بوده و هر یک از آنها در بخش های مختلف اثر از آن به عنوان جرقه ای برای برافروخته کردن جمع استفاده می کنند. این دو خانواده بانوهای از عقده ها و حرص ها و ناراحتی های سرکوب شده به بهانه کوچکی گرد هم جمع شده اند، در حالی که

در عین حال آن گونه نباشد که تماشاگر گمان کند، آمد و نشست و یک مشت حرف شنید و رفت. آنچه در اینجا به این فضای پر دیالوگ کمک می کند، میزانشن های خوب علیرضا کوشک جلالی در مقام کارگردان است. این حرکت ها که به خوبی طراحی شده اند، توانسته اند با برش بخش های اضافی از خود به باور پذیری این فضا کمک کنند، اما آنچه باعث گسست ارتباط ذهنی تماشاگر با اثر می شود، بیان دیالوگ ها از سوی بازیگران است که گاهی گمان می کنیم اگر بیشتر دقت کنیم، می توانیم کاغذ نامرئی که از رویش می خوانند را هم ببینیم.



اشکان خطیبی و رضا مولایی در صحنه ای از نمایش «خدای کشتار»

مسائل بسیار بزرگتری برای حل شدن به طور جداگانه در زندگی هر یک از آنها وجود دارد.

در این نمایشنامه هیچ برش زمانی وجود ندارد. نه به آینده می رویم و نه سری به گذشته خواهیم زد. زمان اثر بازمان حقیقی تطابق کامل دارد. ماجرا داستانی را روایت می کند که واقعی دانستن آن چندان دور از ذهن نیست؛ چه، چنان معمولی است که می توان آن را به راحتی تصور کرد. اما آنچه همین ماجرا را کاملاً معمولی راویژه می کند، پرداخت خوب اثر توسط نمایشنامه نویس است و آنچه آن را در زمان اجرا بهتر از آنچه هست نمایش می دهد، حفظ روح اثر توسط کارگردان است. در نمایش علیرضا کوشک جلالی، میز و وسایل خانه کاملاً حذف شده و تلفن، کتاب ها و وسایل پذیرایی همگی روی زمین پخش هستند و کارگردان فقط به چهار صندلی روی صحنه اکتفا کرده است، اما از سویی دیگر دیوارها، پنجره و تابلوهای نقاشی، کامل و یادآور یک طراحی صحنه رئال برای خانه هستند.

در شرایطی که متن نمایشنامه و موضوع داستان نشانگر هیچ مسأله به خصوصی نیست و سبک کارگردان در کارگردانی اثر هم چیز عجیب و غریبی به چشم نمی آید و همه چیز به راحتی برگزار شده است، در تمامی طول تماشای این نمایش این سؤال ذهن تماشاگر را می آزارد که پس وسایل این صحنه کجا هستند؟ آیا در این خانه هیچ چیز غیر از آن چهار صندلی پیدا نمی شود؟ آیا کارگردان می خواسته با این حذف احتمالاً تعمدی نکته خاصی را به بیننده برساند یا فقط به جهت باز بودن محل حرکت بازیگران وسایل صحنه حذف شده اند؟ اینها سؤالاتی است که معمولاً بهتر است در زمان تماشای یک اثر نمایشی مخاطبی را نیازارد و اگر آزد، بهتر است زودتر برای آن جوابی داشته باشد.

طرز بیان مصنوعی و طولی وارد دیالوگ ها نشان از هضم نادرست کلمات متن در ذهن بازیگران دارد که نتیجه را چنین تصنعی می سازد.

بازیگران حاضر در این نمایش، همگی از هنرمندان با سابقه در عرصه بازیگری تئاتر به حساب می آیند و بروز چنین مشکلی تا حدی این شک را به وجود می آورد که شاید آنها تعمداً به بیان تصنعی دیالوگ های پردازند. اما با نگاهی به موضوع و متن نمایشنامه هیچ دلیل منطقی نمی توان برای این مسأله پیدا کرد. رومن پولانسکی در سال ۲۰۱۱ فیلمی به همین نام و بر اساس نمایشنامه یاسمینا رضا ساخت که در آن حتی برای لحظه ای گمان نمی کردید با چیزی غیر از واقعیت مواجه هستید.

آدم هایی که برای حل یک مشکل در کنار هم جمع شده اند، اما به مرور همچون تشعشعات نور که در دل



لادن مستوفی، سیمنا تیرانداز، رضا مولایی و اشکان خطیبی در صحنه ای از نمایش

بقیه از صفحه اول

بلبلانیم که در موسم گل خاموشیم / پرسید چه می خواهی؟ گفتم: همچو حافظ به رغم مدعیان / شعر رندانه گفتم هوس است. لحظه ای بعد یک جلد نسخه اصلاح شده دکتر غنی را که پر از غلط های چاپی بود به من داد و گفت: هر چند این نکته به تحقیق نخواهی دانست، اما بدان من هر چه دارم همه از دولت قرآن دارم. به سراغ قرآن رفتم، خواندم: ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر به زبان آن قوم. پس استعاره رها کردم، زبان پیچیده کنار گذاشتم، به زبان آدمیزاد حرف زدم و سادگی بیان اولین کارم شد.

بعد شنیدم: «صد نکته غیر حسن بیاید که تا کسی / مقبول طبع مردم صاحب هنر شود» به دنبال صد نکته به طنز مرموز حافظ رسیدم. به آن عارفانه حافظ و طنز را در شعر هایم به کار گرفتم.

از شاهد و شاهد بازی در شعر فارسی دلم خون بود، پس به حذف دوم شخص مفرد مؤنث مفلوک پرداختم؛ اما دیدم شعر فارسی بدون کلمه یار چیزی کم دارد. گفتم شمشاد خانه پرو و ما از که کمتر



گفتاری گذرا پیرامون شعر متعهدانه ایران

شعر قریب الیه شعر اعتراضی

سید محمود سجادی

۱۷

که دلیلی روشن از نفرت حافظ از شرایط زمان خود و برخورد او با امیر مبارزالدین و صبر و سکوت مردم ترسیده و مایوس و غمگین فارس زمان آن امیر جبار بی ذوق کم خرد است. او شرایط دشوار جامعه و رویدادهای مهیب سیاسی و اختناق سیاه حاکم بر جامعه را با دید یک شهروند ناراضی زودرنج نگاه نمی کند، بلکه به مسائل جاری در منطقه با چشم یک انسان بزرگ و صبور (اما صبر انقلابی) می نگرد و آن را در چرخه تکوین و تطور تاریخی دنیا امری اجتناب ناپذیر می شمارد و در پایان می افزاید:

حافظ اسرار الهی کس نمی داند خموش

از که می پرسی که دور روز گاران را چه شد

او از شرایط کاملاً ناراضی است، اما آنقدر سعه صدر و جهان بینی دارد که بداند این کر و فری که امیر مبارزالدین و امثالهم می کنند، تبعات یک جبر تاریخی است. تا تغییرات زیربنایی در کل جامعه و دگرگونی های ساختاری در شاکله اجتماع به وجود نیاید، همین آش است و همین کاسه و تنها ممکن است تغییراتی جزئی و بی اهمیت حادث شود، نه تحولی پر دامنه و گسترده. به هر حال او با زبان شعر، اوضاع را مورد نقد و نکوهش قرار می دهد و فریاد می زند:

از کران تا به کران لشکر ظلم است پدید

از ازل تا به ابد فرصت درویشان است

بدون تردید، واژه درویشان در اینجا فقط به معنای عرفانی آن نیست که توده های تحت ستم، پابرهناها، تحقیر شده ها و عقب نگه داشته شده ها مراد حافظ است و بشارت این که حکومت نهایی از آن آنهاست. حافظ بزرگ زمینی که آسمانی اش می خوانند، از زبان مردم رنج دیده اما اینک امیدوار خود آرام و استوار می گوید:

به ناامیدی از این در مرو بزن فالی

بود که قرعه دولت به نام ما افتد

شعر حماسی، نماد مقاومت در ادب منظوم ایران

ادبیات ایران- به ویژه و به شکلی مشخص و ممتاز- ادبیات منظومش، از ابتدای شکل گیری و استقلال زبان دری با سروده های حماسی و بیان برانگیزاننده نبردها و دفاع ها و شجاعت های مردم گریانه، ارتباط و آمیختگی داشته است. می دانیم که حماسه در معنای واژگانی اش، دلیری و شجاعت است و دلاوری و ترس بودن؛ اما معمولاً آن را منظومه ای با شعر بلندی می دانیم که موضوع اصلی اش جنگ و دفاع و رودررویی فردی یا گروهی است. در موضوعی که ابراز آن شجاعت ها و دلاوری ها و درگیر شدن در آن مصاف ها ضروری می نماید. هدف این شجاعت ها و درگیری ها نوعاً انسانی و میهنی و ملی و اعتقادی است.

جنگ های بی هدف یا غیر انسانی موضوع محوری شعر حماسی نیست. مردان حماسه ساز- مرد به معنای انسانی کلمه است، نه جنسیتی آن- معمولاً پهلوان ها یا نیم خداهایی هستند که با کارهای سترگ و شجاعانه خود، قومی، ملتی، قبیله ای و کشوری را از خطر و گرفتاری و اشغال شدگی می رهاوند و سرنوشت آن جامعه یا جوامع مورد علاقه خود را تغییر می دهند. مثل اعلی و نمونه فاخر و جاودانی در شعر حماسی ایران، شاهنامه فردوسی است و قهرمان حماسی هم رستم که خوب می دانیم از نیرویی فوق بشری برخوردار است.

البته شعر حماسی در ادبیات ملل دیگر نیز وجود دارد، ولی موضوع این مقال، شعر مقاومت در ایران است. لاجرم تنها به ادبیات منظوم حماسی در ایران می پردازیم.

در سال های پایانی حکومت ساسانی- یا عهد ساسانیان- که از نظر بروز و ظهور روایات تاریخی و داستان های حماسی، دوره ای متمایز و درخور توجه بود؛ برای گردآوری و تدوین و سامان دادن آن روایات و داستان ها اقداماتی صورت گرفت، داستان اسطوره ای جمشید و نیز فریدون پسر آبتین از برمانده های ادوار قبل از ساسانیان است که در منابع سنسکریت هم وجود داشته اند و بعدها مطمع نظر فردوسی هم قرار گرفته اند.

علاوه بر آنچه که از دوران باستان- به صورت شرح اساطیر و بیان خاطرات- باقی مانده بود به شکل: بیان نژادگی و اصالت قوم آریا و مفاخر آن، مهاجرت از نقطه ای به نقطه دیگر و طب آب و نان و آسایش و آبادی و درگیر شدن با بومیان و ساکنین محلی آن جاها، درگیری با مهاجمان و متجاوزان و ... که جزو محورهای نیرومند ادبیات منظوم حماسی ایران است؛ داستان ها و روایات حماسی دیگری نیز کم کم ظهور کرد.

داستان های ملی، اسطوره های مذهبی، وقایع صورت گرفته در طول تاریخ، توصیف زیستگاه ها، بیان مهاجرت ها، شرح لشکرکشی ها، وصف قهرمانان و مبارزات و شجاعت ها و تدبیر جنگ ها، غرور ملی، بیان برتری های نژادی، وابستگی به آیین جدید زرتشت و اعتقاد به این که ایزدان و امشاسپندان حامیان و محافظان این مرز و بوم و این ملتند؛ بدنه ادبیات حماسی دیرین را تشکیل می دهد.

ادامه دارد

بدون حافظ هر گز!

است و چنین بود که نام ملیحه، همسر، زینت بخش شعر هایم شد. «رازی که بر غیر نگفتم و نگویم / یادوست بگویم که او محرم راز است». از طنز نهان و حذف شعار و دوم شخص مفرد مؤنث و سادگی زبان به کوتاه سرایی رسیدم. چرا که مثل حافظ معتقد بودم، رستگاری جاوید در کم آزاری مخاطب است. به شعر اجتماعی دل بستم و هزار راه نرفته را از مودم و پیام عالی حافظ را گرفتم و دانستم که چنگ و عود چه تقریر می کنند. حال به لطف مخاطب فهم به شعر فرانو رسیده ام؛ به طنز شریف (شکر خدا که هر چه طلب کردم از خدای / بر منتهای همت خود کامران شدم).

امید که روز حافظ، روز تبلور شعور شاعران مادر پرداختن به مصائب انسان امروز، به محیط زیست، صلح بشری و تقویت باورهای عالی و کشف عظمت از یاد رفته ادب هزار ساله ما باشد تا در پیام های قبل از ساعت ۱۴ صدا و سیما بشنوم: خدا حافظ چاکلر / بدون حافظ هر گز!

اسنام استاد بهاء الدین خرمشاهی، زمانی زینت بخش این شعر فرانو من شد:

بهاء الدین خرمشاهی از قرآن به حقیقت رسید / از حقیقت به طنز / از طنز به حافظ شیراز / بعد نوشت، حافظ، حافظه ماست / او ما به احترام حافظ، کلاه از سر برداشتیم / تا حافظ به کله طاس ما بخندد / شما را نمی دانم / در حافظه من هر چه هست «عصری» است / به اضافه یک قاشق مرباخوری جنگیز خان یوشیچ!

«مرا بیوس»

حسن فرازمند

با این حال، بنا به نوشته پرویز خطیبی، خواننده‌ای که پیش از گلنراقی این ترانه را اجرا کرده است، خانمی به نام «پروانه» بوده که این ترانه را برای صداگذاری روی یک فیلم سینمایی اجرا کرده است.

از جمله شعر و آهنگ «مرا بیوس» که هیچ کس را نگرفت و صدایی به تحسین بلند نشد و آهنگ با آن زیبایی و تازگی می‌رفت تا بیوسد و خاک شود...»

آنچه که «پروانه» روی آهنگ «مجید وفادار»، خوانده، در واقع یک بند و در اصل همان شعر «مرا ببوس» چاپ شده در کتاب «آسمان اشک» سروده «حیدر رفایی» است. آهنگ ترانه «مرا ببوس» برای موسیقی متن فیلم «آهام» ساخته «شاپور یاسمی» که در ادیبهشت ماه سال ۱۳۳۵ روی پرده رفت، ساخته شد.

«مجید وفادار» آهنگساز این ترانه، نیز در مصاحبه‌ای که در شماره ۱۴۱۸ هفته‌نامه «تهران مصور» به تاریخ ۱۱ آذرماه ۱۳۴۹ به چاپ رسیده، می‌گوید:

«... در این دوره من گاه‌گاهی برای فیلم‌ها هم، آهنگ می‌ساختم. یاد می‌آید یکی از این فیلم‌ها «اتهام» نام داشت. تهیه‌کنندگان فیلم از من یک آهنگ نو خواستند، و من برای این فیلم، آهنگی ساختم که بعدها به نام «مرا ببوس» معروف شد... به یاد می‌آورم روزهایی را که این آهنگ سر زبان‌ها افتاده بود و داستان‌هایی را که برای آن ساخته بودند... این آهنگ شاید نقطه عطف موسیقی جاز ایران بود. چرا که بعد از آن خواننده‌های دیگری به رادیو آمدند، و موسیقی جاز نضج پیدا کرد...»

ترانهٔ «مرا ببوس» در یکی از صحنه‌های فیلم با صدای «پروانه» و با لب خوانی «ژاله علو» خوانده می‌شود. در آن فیلم «ژاله علو» نقش زنی را داشت که شوهر سابقش را به سزای خیانتی که به او کرده رسانده، و حالا پس از ماجراهای بعدی عاقبت خود را به پلیس معرفی کرده است. در صحنه‌ای که زن با دختر کوچک خود وداع می‌کند و به سوی زندان و مجازات روانه می‌شود، این ترانه را می‌خواند.

از «ژاله علو» بازیگر نقش زن در این فیلم، نقل است که: «حانم پروانه خواننده ترک‌زبانی بود که آن روزها با ترانه «آن بام بلند» معروف شد، و در فیلم «اتهام» که من به اتفاق ناصر ملک مطیعی، در آن ایفای نقش می‌کردم، به جای من خواند. من در شب جدایی با دختر کوچکم این ترانه را در متن فیلم لب‌خوانی می‌کردم...»

ادامه دارد



پاییز
در سینما

به این فیلم‌ها «کشتن آرام آنها» (Killing them softly) داستانی از اندرو دومینیک با بازی براد پیت را هم اضافه کنید که در مورد آدم کشی است که دربارهٔ دزدی در یک مکان عمومی تحقیق می‌کند. و این‌هایی که تا اینجا نام بردم تمامیشان در برنامه امسال آقای وینشتاین، گنجانده شده است.

فکر می‌کنید «جوزف گوردون لویت» می‌تواند در سنن بالتر شبیه بروس ویلیس شود؟ نویسنده و کارگردان فیلم «حلقه انداز» (Looper) رین جانسون قطعاً این طور فکر می‌کند. نتیجه این فکر او فیلمی شده است در مورد سفر در زمان که جانسون با یک بودجه ۳۵ میلیون دلاری در ساخت آن معجزه کرده است. گوردون لویت در نقش یک قاتل است که باید خودش را در آینده بکشد. فکر می‌کنید فیلم پیچیده‌ای باشد؟ هنوز حتی ذره‌ای از پیچیدگی‌های این فیلم را هم نفهمیده‌اید!

در فیلم «پرواز» (Flight) کارگردان فیلم‌های «بازگشت به آینده» و «فراست گامپ»، رابرت زمه کیس بازگشته است. او دید بزرگی دارد اما در فیلم «پرواز» تمرکزش را روی یک خلبان با بازی دنزل واشنگتون گذاشته است که با اعتیاد به الکل و مردمی که او را به چشم یک قهرمان می‌بینند، در جنگ است.

چطور امکان دارد که کسی بتواند رمان یان مارتل را که در مورد پسری به نام پی است به فیلم تبدیل کند؟ داستان در مورد پسر بچه‌ای است که در دریا با فایق نجات و ببر غران خود گم شده است. مطمئناً فقط این کار از آنگ لی بر می‌آید. اگر یک نفر بتواند وجوه و حیات زندگی انسانی را به فیلم تبدیل کند، قطعاً آن یک نفر آنگ لی است. آنگ لی بار در فیلم «زندگی پی» (Life of Pi) مدل فیلم‌های گذشته خود «دبیر غران اژدهای پنهان» و «کوهستان بر روی یک کوه» این کار را کرده است.

مگان یسون؛ تهیه کننده‌ای که پشتیبان هر دو فیلم «باغی» و «مرشد» هم بود، در فیلم «سی تاریک صفر» (Zero dark thirty) نیز یکی از سرمایه‌گذاران است. فیلمنامه این فیلم توسط مارک بوال نوشته و کارگردانی اش هم بر عهده کاترین بیگلر بوده است و داستانش در مورد دستگیری اسامه بن لادن است که در تاریخ ۱۹ دسامبر توسط کمپانی، سوئیچرز در روی پرده خواهد رفت.

«سی تاریک صفر» در اصل قرار بود که در ماه اکتبر به نمایش درآید، اما نمایش آن در این بحیثیه انتخابات و ادعاهای جمهوری خواهان (و انکار کردن‌های دولت اوپاما) به تأخیر افتاد.

ادعاهایی مبنی بر این که آقای بوال و خانم بیگلر دسترسی به اطلاعات محرمانه‌ای را داشته‌اند که بتوانند در این زمان مهم سیاسی مهمترین دستاورد رئیس‌جمهور (حمله به اسامه بن لادن) را دراماتیزه جلوه دهند.

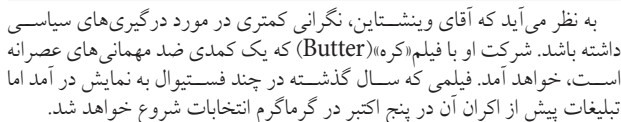
فشار و حمله سیاست ممکن است یک فیلم دیگر را هم آسوده نگذارد. «الینکلن» استیون اسپیلبرگ که چهره یک متحد کننده ملی تحت محاصره را نشان می‌دهد. از سوی کمپانی‌های دریم ورکس و والت دیزنی این طور برنامه ریزی شده بود که بتوانند آن را از ۹ نوامبر به صورت محدود نمایش دهند و در هفته‌های بعدی هم سینماهای بیشتری را به آن اختصاص دهند.

آقای اسپیلبرگ پیش‌تر قول داده بود که فیلم را تا بعد از انتخابات نگه دارد. اما این کار یک فضیه دیگر را به میان می‌آورد.

آن هم این که در آن صورت مجبور بودند تبلیغات پیش نمایش فیلم را درست در وسط مناظرات انتخاباتی و نظرسنجی‌ها و همان موقع که همه درگیر رفتن به پای صندوق‌های رأی هستند، انجام دهند. (به طور معمول فیلم‌های آقای اسپیلبرگ هیچ وقت در فستیوال فیلم‌های اکران پاییز به نمایش در نمی‌آیند و به نظر نمی‌رسد که نیکل:م، ال. کو را در هم شنیده).

سخنگوی آقای اسپیلبرگ، یعنی ماروین لوی می‌گوید: «اگر در مورد لینکلن بحث‌های سیاسی شکل بگیرد ما را متعجب نخواهد کرد. اما فیلم، بیشتر از این که در مورد موقعیت‌های خاص سیاسی باشد، در مورد رهبر بودن است. و حتی انتشار تریلرهای فیلم هم می‌تواند باعث درگرفتن چنین بحث‌هایی شود.»

آقای لوی ادامه می‌دهد: «مهم نیست چه اتفاقی بیفتد. ما همه بخشی از این فیلم خواهیم بود.»



در کمپانی فاکس قرن بیستم، ماههاست که توزیع کنندگان فیلم برای بحث و جدل در مورد فیلم «تسلیم نخواهد شد» (Wont back down) به تهیه کنندگی والدن میدیا انتظار می‌کشند. فیلم درامی با بازی وایولا دیویس و مگی جیلنهال که در مورد والدین و معلمان است که در یک مدرسه ورشکسته می‌خواهند از قانون رأی والدین استفاده کنند. (این فیلم موقعیتی خیالی را به تصویر می‌کشد که در آن به نوعی والدین می‌توانند یک مدرسه غیر انتفاعی را به مدرسه دولتی تبدیل کنند و کارکنان آن را جایگزین کنند و حتی اگر ۵۱ درصد خانواده‌ها موافقت کنند، مدرسه را تعطیل کنند).

دو سال قبل والدین مورد تهاجم و انتقاد تعدادی از معلمان و رهبران اتحادیه‌ها قرار گرفت، به این دلیل که از مستندی در مورد اصلاحات تحصیلی به نام «در انتظار سوپرمن» (Waiting for superman) پشتیبانی کرده بود. بنابراین تسلیم نخواهد شد. «با همان ایده تا ۲۸ سپتامبر به نمایش در نمی‌آید. رهبران اتحادیه‌ها قبلاً هشدار داده‌اند و نویسندگان صف کشیده‌اند تا نگاهی به فیلم بیندازند و نظر خود را بگویند».

به ناچار، مستندهای این فصل که با یک محصول غیر منتظره در فستیوال فیلم بین‌المللی تورونتو در اوایل سپتامبر آغاز شد، بحث‌های خوش‌بینی را به میان می‌آوردند. از بین اینها، سخت‌ترین نشان به نظر می‌رسد که مستند «گناه کبیره من: سکوت در خانه خدا» (Mea Maxima Culpa: Silence in the house of God) به کارگردانی الکس گیبینی باشد که در سال ۲۰۰۸ برای فیلم «تاکسی به سوی تاریکی» (Taxi to the dark side) برندهٔ جایزهٔ اسکار شد و در این مستند که توسط شرکت فیلم‌های مستند HBO منتشر می‌شود به موضوع سوءاستفاده از کودکان ناشنوا در مدرسه و یسکانسین و رسیدگی و اتیکان به این موضوع می‌پردازد. (فیلم) منبجگر کننده است» این یک پیام تبلیغاتی بود که چندی پیش در مورد این مستند با یک احمق فرستاده شد.

اما به نظر می‌رسد که تقابل میان دو تا از رقیبان سستی فصل جوایز، کمتر انفجاری باشد.

آقای وینشتاین و تهیه کننده دیگر به نام اسکات رودین هر دو در فیلم «کابخوان» (Reader) رقابت‌ها را کنار گذاشتند و با هم از این فیلم حمایت کردند؛ اما بعد در اسکار ۲۰۱۰ با شدت با هم رقابت کردند یعنی زمانی که آقای رودین فیلم شبکه اجتماعی را در مقابل «سخنرانی پادشاه» داشت.

رویدین چند هفته قبل ایملی را ارسال کرد که در آن گفته بود بسیار احتمالش کم است که فیلم «درون لیون دیویس» (Inside Liewyn Davis) ساخته جوئل و اتان کوئن را که در مورد یک خواننده فولکلور در نیویورک دهه ۶۰ میلادی است، در فصل جوایز به نمایش در بیاورد.

منابع:

نیویورک ٹائمز، وال اسٹریٹ ژورنال، رولینگ اسٹون



بقیه از صفحه اول

بعد از آن که مجری ها از خودشان و نقش پررنگشان در کمک های پشت جبهه حسابی تعریف کردند؛ استاد «محمدحسین محولانی»، به جای آن که مثل همیشه حسن ختام بر نامه باشد، حسن مطلع شد و به عنوان نخستین شاعر روی سن رفت.

ایشان در توضیح شعری که قرار بود بخواند گفت: مدتی است به این فکر افتاده ام که پیری چیز بدی است. شاید شعرم تکراری باشد، اما اشکالی ندارد. ۸۰ سال است نماز تکراری می خوانم؛ یعنی همان چیزی که ۷۰ سال پیش می خواندم، الان هم می خوانم.

باز عاشق گشته ام بر یاری از آن یارها
باز دل را برده دلداری از آن دلدارها
روز و شب جان تو از من راحتی را کرده سلب
چون به تو مرده عیاری از آن عیارها
آز مودم عشق پیری، سر به رسوایی نزد
گرچه او داده به دستم کاری از آن کارها...
باتائی بار دیگر هم بخوان این شعرا
گر تو هم بیکاری همچون من، از آن بیکارها

سیدی پولدار و امروزی
ظاهرا مدگرا و زیر و زرنگ
کرد هوشنگ نام طفلش را
بود چون پیرو دیار فرنگ
گفتمش تا کنون ندیده کسی
سیدی را به نام «سدهوشنگ»!



ارمان زمان فشمی

رضارفع بعد از نقل این حکایت که «بر روی دیوار مسجدی نوشته بودند: اگر از گناه خسته شدی وارد شو؛ و یک نفر زیرش نوشته بود: اگر هم خسته نشدی با این شماره تماس بگیر!»؛ «علی مظفر» را برای شعر خوانی دعوت کرد:

باکیف و کتاب و دفترش آمده بود
غمگین دل و با چشم ترش آمده بود
می گفت که مهر اول فاصله هاست
باران که بدون مادرش آمده بود...
در اینجا، رضارفع چند نکته طنز آمیز خواند:
این خیلی بد است که یک آهنگ عاشقانه، شمارا به یاد ۵-۴ نفر بیندازد!

*** می گویند پول خوشبختی نمی آورد، اما من ترجیح می دهم تو ماشین لامبورگینی برای بدبختی هایم گریه کنم!
خانم صدقاتی که نصف حواشش معلوم نبود کجا بود، نصف نکته هارا در نمی یافت و قیافه اش شبیه علامت سؤال می شد!

در ادامه سپس فیلمی پخش شد از دانشجویی زرنگ که یک بار در به کلاس رسید و همان طور که سعی می کرد یواشکی خودش را به صندلی برساند، ناگهان استاد که پای تخته بود برگشت و او را دید و بیرونش کرد.
دفعه بعد که آن دانشجو دیر به کلاس آمد، برعکس وارد شد؛ یعنی به شکل دنده عقب سعی کرد خودش را به صندلی برساند. این طوری وقتی استاد برگشت و او را دید، توانست وانمود کند که داشته از کلاس خارج می شده و طبیعتا استاد به او گفت: برو بنشین سرجات!

خانم «میر ترابی» وقتی پشت تربون رفت، خاطره ای از اولین روز مدرسه خواهرش تعریف کرد که با گریه برگشته بود به خانه و گفته بود: مگر شما نگفتید بروم مدرسه باسواد می شوم؟ من که باسواد نشدم!... رضارفع از خانم صدقاتی پرسید: این را فهمیدید؟

هرکسی که تسوی قلب من اومد

راه از دواج واسش ساده می شد
من الان مثل دعای خیری ام
واسه بخت گشایی مرد عزب
اگه امروز به کسی بگم سلام
می شه داماد تاهمین فر دашب!
در شکر خند، مجریان بر نامه در هر فرصتی که پیش بیاید، مطالب طنز آمیزی را که احتمالا در اینترنت پیدا کرده اند می خوانند:

*** زوج خوشبخت: زن لال - مرد کر
زوج غریبه: زن کارمند - مرد کارمند
زوج مبارز: زن باسواد - مرد بیسواد
زوج با تفاهم: زن زشت - مرد زشت
زوج شکاک: زن خوشگل - مرد خوشتیپ
زوج بدبخت: مرد بی پول - زن پولدار
زوج ایده آل: پیدا نمی شود
زوج عاقل: زن مجرد - مرد مجرد!

*** وقتی سگ می شویم هیچ کس دوستان ندارد ولی وقتی خر می شویم همه دوستان دارند. چرا این قدر بین حیوانات فرق می گذارند؟
بعد از آن که «محمدحسین رشیدی» بسیار آرام و خونسرد روی سن رفت و شعر خواند، نوبت به «محمد رضا گلزار» رسید.

ای وای گرفته لوله پولیکا
افزون شده نرخ شیر و مرغ و ریکا
افزایش نرخ شیر، از دست خودی است
البته بگو که مرگ بر آمریکا!

گزارشی از جلسه مهرماه طنز شکر خند — فرهنگسرای ارسباران

وارد شده ده کامیون افغانی چینی!

بعضی ها بارها و بارها یک شعر را در یک جلسه می خوانند و یک ذره هم احساس نمی کنند حق مردمی را که می توانستند شعر تازه ای از یک شاعر دیگر را به جای آن شعر تکراری بشنوند. ضایع کرده اند؟

آقای «نیکبخت» با اشاره به این نکته که از چین، سنگ قبر هم وارد می شود، شعرش را خواند:
من ندارم میکرو فسن ای باهنر
تو از این نعمت بگو قدری سخن
گریوشیدی از آن و خوب بود
لطف کن فوری بز زنگی به من
سنگ قبرش را نکردم امتحان
چون نبود اندازه اندام من...
آقای «محمدحسن شعبانی» (بانی) با پیراهن مشکی روی صحنه ظاهر شد. رفع دلیش را پرسید و شنید: همه باید بمریم... من واقعا علاقه دارم...
- که همه بمریم؟

- نه، به شکر خند علاقه دارم! آن قدر که امروز شب هفت برادر زاده خانم بود، من بچه ها را فرستادم آنجا و خودم آمدم اینجا!
- ان شاء الله روح آن مرحوم از شما بگذرد... البته اگر به روح اعتقاد داریم!
- شعر من...

- از ناله من دور نیست!
اصغری آمد به من چیزی بگه امانگفت
نقل قول حکمت آمیزی بگه امانگفت
عده ای جمع اندو هر یک غولی از قول و غزل
خواست او هم از میان چیزی بگه امانگفت...
اینجای جلسه (درست همین جایش ها!) بود که «رضا احسان پور» از راه دور، این پیامک را برای پر کردن جای خالی اش، به رضارفع فرستاد:
«یک دست جام باده و یک دست زلف یار»
من مطمئنم این فتوشایی است، شک نکن!
رفع همچنین خبر داد که یک سمینار رایگان با عنوان «مزاج شناسی» برگزار می شود و گفت این که مادر کار «مزاج» بیم و آنها در کار مزاج، جالب است! (ببخود منتظر نباشید زمان و مکان سمینار را اعلام کنم. دوم مهر بود، گذشت!)

«مژگان افروزی» وقتی روی سن رفت گفت: با وجود درخواست مجری ها در آغاز برنامه، کسی خاطره ای از مدرسه تعریف نکرد.

رفع پراند: در حالی که خاطرات مدرسه محاله یادم بره!... آن هم با اون همه شور و حال! حالا که حرف شد، این را هم بگویم که به من گفته بودند یک بنده خدای مریمض است و من روی آنتن برایش دعا کردم... نمی دانستم منظورشان فلان خانم خواننده قبل از انقلاب است!

خانم افروزی بعد از بیان خاطره ای از ایام مدرسه اش، شعری مرتبط هم خواند:
آغاز سال نو، با غصه و به زور
ایام می شود در ذهن من مرور
آغاز مدرسه وقت نخفتن است

ایام مدرسه، بیزاری من است...
رضارفع با یادآوری این که دیروز سالروز تولد حسین منزوی بود و امروز سالروز تولد استاد شجریان، هنرمند دیگری را که در جمع شکر خندی ها حضور داشت به روی سن دعوت کرد.

«پروازهای» بعد از اجابت دعوت، پرسید: حالا چه کار کنم؟... و در جواب شنید که:

هر کاری می کنید، در چار چوب موازین باشد!
یک خانم از میان جمعیت پیشنهاد داد: آواز، آواز! و رضارفع گفت: عجب پیشنهادی! خب پروازهای به جز آواز چه کار می تواند بکند؟!... یاد ماجرای دختر ۵ ساله ای افتادم که از کودستان آمد و از او پرسیدند امروز چه یاد گرفتی؟ گفت یک حدیث. گفتند بگو. گفت: النکاح سنتی! شما هم به نکته ای کلیدی اشاره کردید.

همای نیز به نکته ای کلیدی اشاره کرد و گفت: چون ساز به همراه ندارم، فقط می خوانم. رفع اما نکته هوشمندانه ای را یاد آور شد: اگر هم ساز می داشتید، فرقی نمی کرد؛ چون ما به جای گل نشان می دادیم!
و بالاخره آواز گرم و گیرای همای در سالن پیچید:
پرنده نگاه من نشسته در حوالی ات



جهان به زیر پای آن نجابت شمالی ات...
در فضای خاص ایجاد شده بعد از اجرای آواز، رضا رفع به طرح ساخت فرهنگسرای ارسباران در مناطق زلزله زده آذربایجان اشاره کرد و گفت که مردم می توانند اسباب بازی ها و کتاب های فرزندان شان را به همراه پوشاک نو و نوشت افزار، به فرهنگسراها و خانه های فرهنگ محله شان بدهند تا به دست کودکان آسیب دیده از زلزله آذربایجان شرفی برسد.

او ادامه داد: خودم هم چراغ اول را روشن می کنم و این دفتر چه (و دفتر چه را به حضار نشان داد!) و این جامدای و این دو تا خود کار را آورده ام تا اهدا کنم. البته این چراغ خوابی بیش نیست که روشن کردم!
در بخش «عکس و مکث»، عکسی از چیدمان زیبای خربزه های پشت یک نیسان دیدیم که رفع درباره اش گفت: عجب چینش جالبی... به قول آقای دعایی، لطیف، لطیف!

تصاویری از کارت دریافت سهمیه تریاک در سال ۱۳۴۹ برای مصرف روزانه ۵ گرم از این ماده مخدر، پوستر همایش «طرح بصیرت همسران غیر متمرکز» (؟)، تابلوی یک قصایب با مضمون «لوازم بدی مرغ: ران و سینه، بال و کتف موجود است»، تابلوی یک رستوران که اسم خار جکی اش redmoon بود و طرف، می خواست فارسی اش را هم بنویسد که نوشته بود.

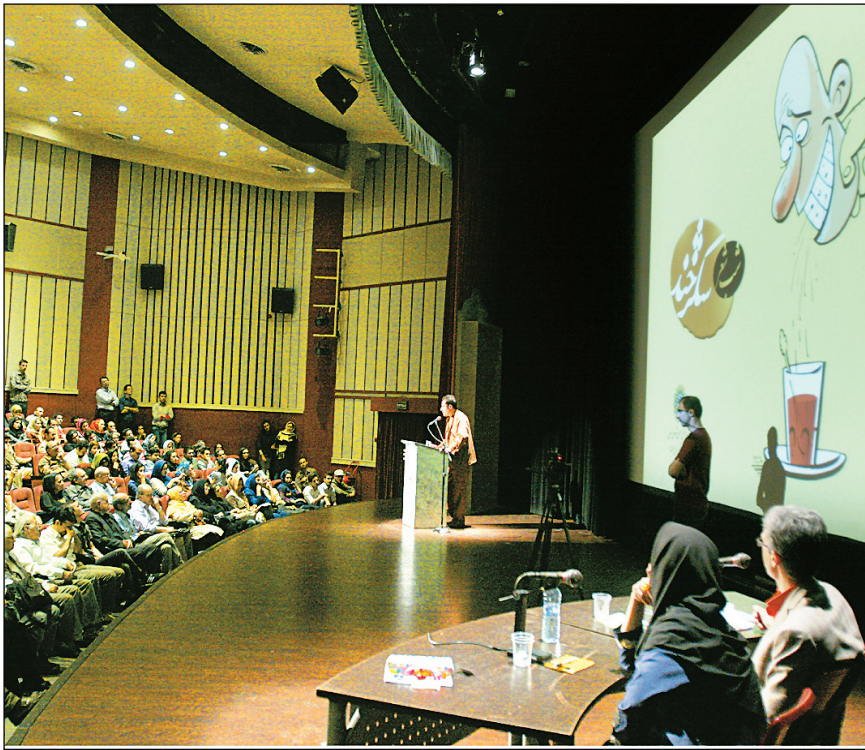
صحنه ای از تقلب یک دانشجوی زرنگ که آستین کاپشنش را طوری روی میز گذاشته بود که انگار دستش روی میز است، اما دستش ازاد بود که زیر میز به ورق زدن کتاب و پیدا کردن جواب سوالات امتحان بپردازد... اینها همه تعدادی از عکس های نمایش داده شده در شکر خند ۶۷ بودند.

آخرین عکس، رسید ۴۵۰ هزار تومان کمک اهالی شکر خند به زلزله زدگان آذربایجان را نشان می داد که رضارفع واریز کرده بود و جالب و دلگرم کننده بود. و بعد از آن، شنیدن شعرهای «رحیم رسولی» بیشتر می چسبید!

خوشابه حال خدا یان که لا مکان هستند
وفار غ از سگ و قاضی و پاسبان هستند...
در آن زمان همه دنبال این زمان بودند...
در این زمان همه دنبال آن زمان هستند...
«صابر قدیمی» بایک رباعی شروع کرد:
آهسته و بی صدا مرا خواهد کشت

قبل از همه شما مرا خواهد کشت
از سرفه بسی وقفه من معلوم است
آلودگی هوا مرا خواهد کشت!
و بعد شعری خواند به نام «چنینان»:
مرداد شد و مد شده بارانی چینی
مستانه و سیراب شوبا «رانی» چینی
از بس که دگر آدم بیسکار نداریم
وارد شده ده کامیون افغانی چینی!
...سگ می شوی آن لحظه که آرام بگیرد
جای تو در آغوش عزیزت، سگ چینی
دربی شد و خوردیم دو شیرینی چینی
از ظرف پدر مادرمان، چینی چینی
ورزش متحول شده با چند روبرو تو
با «باجو» ی افغانی و «مانچینی» چینی...

بقیه در صفحه ۷





صابر ساده

نگاهی بر کتاب «سیزده - پنجاه و نه»، سروده سید احمد حسینی

سربازی که در جنگ دست نداشت

جنگ و خانواده‌های جنگ زده است پرداخته شده است. به طور مثال در شعر صفحه شماره ۹:

«وقتی سراغت را گرفتم

مادر

رنگ آسمان شد

پدرم،

تنها فرشته‌ای بود که

روی شانه‌هایش ستاره نداشت»

از زبان کودکی به سؤال می‌پردازد که درد نبودن پدر را همیشه با خود خواهد داشت. ما همین حس کودک را به گونه‌ای دیگر در شعر صفحه ۱۱ نیز داریم:

«سرو

نام واقعی پدر بزرگ بود

قبل از این که تانک

از روی صورت باغ رد شود»

و صفحه ۱۲:

«بچه که بودم

پدرم به جای شازده کوچولو

برایم از کربلای پنج

قصه می‌گفت...»

و یا در شعر صفحه ۱۴:

«تا به خودم آمدم

جنگ پدرم را گرفت

بانک خانه را»

و اشعاری دیگر از این دست. و یا در شعر صفحه ۱۳:

«ما تنها

برای سربازی

دست می‌زنیم که

در جنگ

دست نداشته باشد»

شاعر از دید افرادی سخن می‌گوید که هیچ وقت در جنگ نه حضور فیزیکی داشته و نه حتی مادی و معنوی ولی اکنون داعیه دار جنگ محسوب می‌شوند و امثالی دیگر از این نوع شعر.

و یا اندیشه درونی شده و غمگانه حاصل از تنهایی برای افرادی که از جنگ برگشته‌اند و دچار درک نشدن از سوی دیگران هستند؛ مانند اشعار صفحات ۲۰ (ایستاده بودی...)، ۲۲ (بین سنگ قبرها...)، ۳۴ (چند تکه کاغذ/ نمی‌تواند/ سندن روزهای بودند باشد...) و...

البته اندیشه‌های دیگری در مجموعه هست که بلا استثناء نشأت گرفته از دردواره‌ای به نام جنگ است که لذت و یا درد کشف آنها را بر عهده مخاطبی قرار می‌دهم که کتاب مذکور را بخواند.

نظرگاه ادبی

تشبیه و تشخیص دو رکن ادبی مهم این مجموعه است. از همان ابتدا ما با شعری روبرو هستیم که تشبیه دارد. در اشعار بعدی تشخیص و انسان انگاری و جان بخشی به عنصری مهم تبدیل می‌شود.

مونولوگ‌ها و فضای نوستالژیک در برخی از اشعار کاملاً پیداست؛ صفحه ۱۲ (بچه که بودم / پدرم/ به جای شازده کوچولو...) تک‌گویی درونی از عناصر شعر- داستانی این مجموعه است. صفحه ۱۳ (ما تنها/ برای سربازی...)، تصویرسازی و تصاویر معناگرا نیز جزو مهمترین عناصر ادبی این مجموعه محسوب می‌شود که به نوعی در اکثر اشعار می‌توان به آنها رسید.

البته در این مجموعه در صفحات ۳۱ و ۳۳ دو تصویر وجود دارد که من آنها را از اشعار کتاب جدا می‌دانم. هرچند در صفحه ۳۱ باز قابلیت اندیشه شاعرانه موجود است، اما در صفحه ۳۳ صرف یک تصویر با کمی تغییر در ظاهر یک بازی رایانه‌ای و نوشتن یک جمله تحکمی در پایین آن (برداشت برای مخاطب آزاد نیست)، ما را به شعر نمی‌رساند.

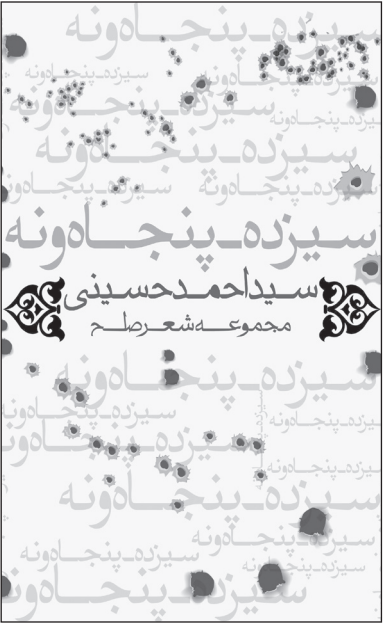
هرچند در شعر امروز از این نوع حرکات بسیار اتفاق می‌افتد، ولی به نظر بنده شعر باید به معنای واقعی کلمه شعر باشد و شعر درست بدون چنین آرایش‌هایی باز هم شعر است.

اگر از این دو صفحه مذکور بگذریم، مجموعه سیزده - پنجاه و نه را مجموعه‌ای موفق و قابل ارزش و تکنیکی می‌دانم و جای خالی چنین مجموعه‌هایی از این دست که کلیشه هم نیستند در بازار شعر امروز احساس می‌شود.

هرچند جنگ یک مقوله جهانی است، پس شاعران علاقه مند به چنین نوع نوشتاری می‌توانند با کمی دقت سطح اشعار خود را تا مرز جهانی شدن هم برسانند که نمونه‌هایی از شعر جهانی و قابل ترجمه در این مجموعه یافت می‌شود. برای شاعر این مجموعه آرزوی موفقیت داشته و امیدوارم اشعار و کتب بیشتری از این دست چاپ شود.

در شعری دیگر به طور مثال در صفحه ۲۶ (یکبار سرت را/ روی شانه‌های کسی گذاشتی...) لحن درونی می‌شود، اما لحن بیرونی به طور کامل در مجموعه یافت نمی‌شود و آن به خاطر جو حاکم بر اشعار است که از اندیشه جنگ و صلح در ذهن شاعر ناشی شده است. با تمام این اوصاف لحن صمیمی است و با مخاطب خود همذات پنداری داشته و همراه می‌کند.

استفاده کردن از کلمات مورد استفاده روزمره مردم چون: تقویم روی میز، آمبولانس، اتوبان، خیابان، مهر، سرباز و خیلی کلمات از این دست سطح این مجموعه را به سمت کاری سبک و دم دستی نزدیک نکرده است و کارها همچنان در راستای اندیشه در حرکت بوده و یک هم محوری مشترک بین زبان و اندیشه مانع از سخیف شدن



اشعار شده است. هرچند ابزار دست شاعر همین واژه‌هاست اما شاعری قدرتمند است که بتواند از این واژه‌ها کارکردهای متفاوتی ارائه دهد و یا حداقل با اندیشه در یک سطح باشد که هردوی این فاکتورها در این مجموعه رعایت شده است. البته شاعر می‌توانست از این میدان سربلندتر خارج شود اما در همین میزان هم به عنوان اولین آوردگاه شعر آزاد کوتاه جنگ‌محورش، قابل ارزش گذاری و ستایش است.

نکته دیگر زبانی اینجاست که شاعر قصد زیادی برای ساخت ترکیب‌های تازه ندارد و حرف خود را در همان زبان ساده بیان می‌کند؛ البته در زبان به اتفاقاتی خوب می‌رسد که تصویری زیبا درفاصله نزدیک و یا دور با ذهن مخاطب می‌سازد و این تصویرسازی‌ها و اتفاقات در زبان اکثر اشعار این مجموعه رخ داده است. به طور مثال شعر صفحه ۲۰:

«ایستادی روی پل هوایی

شهر با تمام اتوبان‌هایش

برایت شاخ و شانه می‌کشید»

در کل پیرامون بحث زبانی این مجموعه باید گفت که زبان در یک مسیر موفق و هم راستا با اندیشه حاصل شده است و یکی از نقاط بارز این مجموعه زبان متناسب آن است.

نظرگاه فکری

اندیشه حاکم بر مجموعه مورد نظر، دارای چند وجه مختلف اما در یک مسیر است که محوریت اصلی اندیشه در تمام کتاب بر دوش جنگ است. حال در اثری جنگ تقبیح شده است و یا در اثری دیگر دیدی مثبت به جنگ وجود دارد و در اثری دیگر صلح دستمایه شاعر قرار گرفته است و داد از نبود آن سر می‌دهد، البته با زبان شاعرانه، یا در اثری دیگر صلح چهره خوب شعر قلمداد می‌شود.

اندیشه صلح در شعر امروز، گونه دیگری از همان نگرش به جنگ است. جنگ در هر حال و هر زمان و در هر جای دنیا و به هر دلیل تخریب کننده است، پس هیچوقت ماهیت و وجود جنگ نمی‌تواند زیبا باشد.

در اشعار صلح امروزی به جنگ از دید مردمی نگاه می‌شود که آسیب دیده و زخم خورده از این اتفاق هستند.

دید شاعر این مجموعه به جنگ دیدی انتزاعی نیست بلکه دید منتقد گونه به ماهیت و چیستی جنگ است. از طرفی هم به دید افراد دیگری که به هر دلیل در جنگ شرکت نکرده‌اند نیز می‌پردازد. از طرفی دیگر به اتفاقاتی که برای بازماندگان از

«سیزده - پنجاه و نه»، تازه‌ترین مجموعه شعر سید احمد حسینی است که دربرگیرنده ۵۵ شعر سپید بوده و توسط نشر فصل پنجم با شمارگان ۱۱۰۰ نسخه وارد بازار ادبیات شده است.

پیشتر از این، مخاطب شعر، سید احمد حسینی را در کتاب‌هایی چون (چسبی به نام زخم؛ غزل روزگار ما؛ سارایسیم؛ سه به علاوه یک؛ چهار بیست و یک و طهران- خیابان جمهوری) دیده و شناخته بود. البته مخاطب شعر او را به عنوان یک غزل سرا می‌شناسد تا یک آزادنویس.

«سیزده - پنجاه و نه» اولین تجربه او در شعر کوتاه جنگ در قالب آزاد است. البته در این مجموعه ۹ شعر بلند و نیمه بلند هم وجود دارد. اما به خاطر بسامد بیشتر کارهای کوتاه، این مجموعه را یک کتاب شعر آزاد کوتاه می‌دانم.

اندیشه جنگ در این کتاب با نام شعر صلح به مخاطب معرفی شده است. نام کتاب ذهن مخاطب را به دو شاخه هدایت می‌کند. یکی به فیلمی با همین نام و دیگری به سال آغاز جنگ ایران و عراق.

اما اشعار داخل کتاب را می‌توان از سه منظر زبانی، فکری و ادبی تفکیک کرده و به بحث درباره اشعار در این سه سرفصل پرداخت.

نظرگاه زبانی

از لحاظ زبانی، مجموعه دارای زبانی یک دست است. زبان معیار در بعضی از اشعار مانند شعر صفحه ۱۷:

«زهر

نام بهشت کوچکی است

پدر که برگشت

آغوش بهشت زهر

بزرگ شده بود...»

و یا شعر صفحه ۲۷ (کبوتری/ نشسته بود روی شانه‌ات...) در عین شعر به زبان محاوره وارد شده است. با این حال این تغییر زبانی از نوع ریخت واژگانی نیست بلکه همان واژگان قبلی است که بر یک لحن آزادتر و کم قیدتر آمده و ما را به زبان محاوره نزدیک می‌کند. اما در کل مجموعه بسامد واژگانی ما را به یک تیپ خانوادگی خاص نزدیک می‌کند. به بیانی بهتر با مطالعه کتاب به کلماتی می‌رسیم که همه از یک خانواده واژگانی استخراج شده‌اند. اما شاعر توانسته از بیشترین پتانسیل معنایی کلمات استفاده کرده و آنها را در یک ازدواج مناسب با کلمات دیگر، در محورهای همنشینی و جانشینی وارد کرده و تا جایی که در توان واژه است از آن کار بکشد. به طور مثال شعر صفحه ۶۲ (سردارها/ سر به دارها) نمونه بارز از این دست کارکردهای چند گانه از ریخت واژگانی است. شاعر در این شعر سه بندی از دو واژه «سردار» به سه حالت، کارکرد معنایی گرفته است. هرچند این ترکیب «سردار»، خود پیشتر از این به انواع مختلف دستاویز دیگران بوده و شاید تازگی چندانی نداشته باشد، اما این حرکت در عرض کلمه و سیالیت شاعر به کردار یک شناگر در ریخت واژه، این توانایی را به خود کلمه داده که چنین مورد استفاده متعادل از سمت شاعر قرار گیرد که این از بازی زبانی کاملاً به دور است و فضای کودکانه بازی زبانی را با خود به همراه ندارد.

نکته دیگر در زبان این مجموعه این است که شاعر هنوز درگیر زبان غزل گونه خودش است و هنوز نتوانسته است خودکار غزل نویس خود را از خودکار سپید نویس به طور کامل جدا سازد و در بسیاری از اشعار این مجموعه با همان خودکار پر کار غزل تبار خود دست به آفرینش شعر سپید زده است.

به طور مثال شعر صفحه ۲۲ (بین سنگ قبرها/ می‌گشت دنبال آشنا/ وقتی/ شهر پر شده بود از غریبه‌ها) در سطر دوم، در تقابل و ادامه سطر اول، اگر شاعر به ذات سپید نویس بود باید گونه‌ای دیگر به نوشتن می‌پرداخت نه این چنین با موسیقی بیرونی و وزن.

از دیگر نکات زبانی در این مجموعه، تصمیم‌گیری‌های زبانی شاعر با آوردن افعال بسیار در هر شعر است. بدین تعبیر که فعل تمام کننده کار و جمله و در نهایت شعر است، وقتی در مجموعه‌ای با این میزان از افعال مواجهیم، اتمسفر حاکم بر مجموعه به مخاطب نوعی فضای تحکمی را می‌دهد و این که از پیشتر برای مخاطب تصمیم گرفته شده است و نمونه این تحکم فعلیه را در اکثر اشعار این مجموعه به صورت بارز مشاهده می‌کنیم.

ما لحن اشعار به یک صورت نیست. بعضی اوقات مانند شعر صفحه ۱۷ شاعر لحن بیرونی و لحن غمگانه را در هم آمیخته و لحنی مابین درون و بیرون را تحویل مخاطب داده است. یا

عروس آب‌ها

حسین جنت‌مکان

چشم‌های منطق سرمستی انگورها

فلسفه در روح سرگردان نیشابورها

ای عروس آب‌ها زیبایی ات آدمکش است

چون پری افتاده در دام سپید تورها

ساز تو در اصفهان اشک‌هایت کوک نیست

ای نوای خنده‌هایت شور در ماهورها

کوه‌نه! جنگل نه! تنها از لب شیرین تو

تا خدایت وحی کرده بر همه زنبورها

من غرور شعر دارم، بار آسمی دهی؟

پادشاه سرزمین سرکش مغرورها!

می‌دهم دنیای خود را تا فقط یک لحظه باز

چشم‌هایت را ببینم - گر چه از این دورها -

دیوارهای شهر

الناز باباخانی

هر روز

به دیوارهای شهر

لگد می‌زنی

کوچه‌های بن‌بست را

لعنت می‌فرستی

ایستگاه‌های منتظر اتوبوس

به نیشخندی

از تو دور می‌شوند

چراغ‌های راهنما چشمک می‌زنند:

سوار شو...

-از کولی دادن به دنیا

خسته نشدی؟-

روی شانه‌های پل هوایی

می‌ایستی

تا ماشین‌ها را زیر بگیري

و دلت خوش باشد

که بوق‌ها را

از بالا می‌شنوی...

عادت

کیانوش خان‌محمدی

عادت دارم ته مدادم را بجوم

وقتی پدر به خانه می‌آید

مادر هم، تا صدای در را می‌شنود

صدای استکان‌ها را در می‌آورد

عادت دارم سلامش کنم

و به اطاقم بروم

عادت دارم به پشت در تکیه بزنم

به سارا که مشغول نقاشی ست

می‌گویم: آمد .

عادت دارد شیروانی بکشد

با چراغی که از پنجره پیداست

عادت دارد خودش را کوچک بکشد

مادر را بزرگ

و من را متوسط

عادت ندارد بابا بکشد

پدر عادت دارد چای بخورد

اما بیشتر صدا می‌زند

زهر را زهر زهر

زهر عادت دارد با دست‌های روی گوش بشنود

زهر مادر است

مادر عادت ندارد بخندد

مادر عادت دارد عادت کند

مادر بدجوری به این زندگی عادت دارد.

قابل توجه دوستان!

صفحه «سیزده» در انتظار آثار خوب شماست. امانت‌ها با ارسال اشعار مقالات ترجمه‌ها و ایده‌های خوب به نشانی ایمیل زیر می‌توانید شاهد انعکاس آنها باشید. آثار رسیده به دقت بررسی و در این صفحه درج خواهند شد.

بهست الکتریکی سیزده برای دریافت آثار و اشعار دوستان
saberkakaei@gmail.com



پیاز و احساس آزادی

حبیب الله بهرامی بیرگانی — اهواز



رضا رفیع

حباب عرض!

چند ماه پیش که نرخ ارز و سکه شدیدالحن به طور کذایی بالا رفت، بانک مرکزی تشبیه جالبی را در راستای بازار ارز به کار برد که باعث شد تا بسیاری از کارشناسان صنایع سنگین ادبی، با تشکیل کمیته های ویژه تحقیق و تفحص، در جست و جوی «وجه شبه» آن در طول تاریخ ادبیات ایران و جهان برآیند.

این جست و جو کماکان ادامه دارد و هنوز ره به جایی نبرده است. از بدشانسی، این موتور جستجوگر گوگل لاکردارهم از کار افتاده و عملیات سرچ (جستجوی سابق) را با مشکل مواجه کرده است.

قطع امید:

گفتند یافت می نشود، «سرچ کرده ایم»

گفت آن که یافت می نشود، آنم آرزوست



در حال حاضر نیز که با دلار ۲۸۵۰ تومان و سکه ۱ میلیون و ۱۳۲ هزار تومانی کاذب مواجهیم و باز مجدداً این حباب ارز و سکه زبان نفهم، کمی بیشتر از دفعات قبل باد کرده و بدتر از زانوی عمه کهنسال ما متورم شده است؛ مسؤولان قویدل و خوشروی بانک مرکزی — که نخواستیم نامشان فاش تر شود — برای چندمین بار وعده داده اند که مقاومت حباب بازار ارز شکسته می شود. احتمالاً رفتند از چین تیر بیاورند.

گفتمان بازار ارز و بانک مرکزی:

— بشکن بشکن بشکن...

— من نمیشکنم...

— بشکن...

— من نمیشکنم...

— خواهش می کنم بشکن... من قول دادم!

ایراز امیدواری: نظر به راه اندازی اتاق معاملات ارزی — که یک چند روزی عده ای رند چنین شایع کردند که گویا در این مکان مخصوص می خواهند رسماً ارز دولتی را به نرخ ارز بازار آزاد بفروشند تا از محل مابه التفاوت آن، مبلغ یارانه را دوبار بر کنند؛ اما خوشبختانه شایعه ای بیش نبود و ای بسا نشر اکاذیب و به قصد تشویش اذهان عمومی بود — امید می رود که وعده های جدید بانک مرکزی در شکستن آخرین مقاومت های بازار ارز، عنقریب جامه تحقق پوشد و احدالناسی سکه و ارز را گران نفروشد و لحظه به لحظه در تغییر نرخ نکوشد و از زیر سنگ، حباب نجوشد.

حکایت اقتصادنا: بازار ارز و سکه را پرسیدند: «نرخ ارز و سکه چه باشد؟» تبسمی از سر تفکر زد و گفت: «الآن یا ... الآن؟»

نتیجه کمیته تحقیق و تفحص: خوشحالیم به استحضار مردم عزیزمان برسانیم که این کمیته کارشناسی در مسیر پیدا کردن وجه شبه لازم در قضیه تشبیه نرخ ارز به حباب، موفق به پیدا کردن این مطلب مهم شد که به طور قطع در این جریان، اهل خبر در کتابت اصل خبر اشتباه کرده اند.

آنچه به حباب تشبیه شده بوده است، «ارز» نبوده است، «عرض» بوده است. در این صورت، وجه شبه نیز به قدر کافی موجود می باشد. عرض می کنیم خدمت شما.

(خدا بیامرزاد یکی از اقوام ما را که تکیه کلامش همین عبارت بود و هرگاه سخنی می گفت که می خواست محکم بودن آن را اعلام و اثبات کند، در پایان کلامش می گفت: «عرض می کنم خدمت شما»...)

سیب زمینی دید.

پیاز کوچولو: «سلام بچه ها! مهمون نمی خواین؟»

یکی از سیب زمینی ها: «علیک».

پیاز کوچولو: «جای خویبه، مگه نه؟... هواش هم خوبه. بهتر از زندونه».

پیاز کوچولو که جوابی نشنید، دوباره گفت: «شما از کجا اومدین؟»

یکی از سیب زمینی ها — که هیکل درشتی داشت — گفت: «واسه چی می پرسی؟ مأموری؟»

پیاز کوچولو خندید و گفت: «من و مأمور؟! من تا چند دقیقه پیش حبس بودم!»

سیب زمینی: «حبس؟! به قیافت نمیداد. چه کار کردی؟»

پیاز کوچولو: «منظورم اینه که توی گونی بودم».

سیب زمینی: «خب از اول بگو که توی گونی بودم. راستش بخوای، ما رو از ده آوردن. مثل خودت توی زمین بودیم. چند روزی هم ما رو توی یه خونه جمع کردن. حالا هم این جا توی شهر هستیم. البته بیشتر دوستامونه همون جا گذاشتن بمونسن. جای خوبی بود. خنک، خوب، راحت.» پیاز کوچولو: «جای ما هم خوب بود. توی باغ حال می کردیم که اومدن مارو ریختن توی گونی و خفه مون کردن. البته، چند وقتی هم حمام افتاب گرفتیم».

سیب زمینی: «شما توی انبار نبودین؟»

پیاز کوچولو: «نه! انبار برا چی؟...»

سیب زمینی: «جاییه برا نگهداری یا احتکار مواد غذایی. بعد از چند روز که توی انبار بازی می کردیم، یه مرد سیبیلو و صدا کلفتی اومد و بعد از صحبت با باغبون، ما رو سوار کامیون کردن و آوردن اینجا».

پیاز کوچولو: «احتکار چیه دیگه؟! خوردنیه؟»

سیب زمینی: «بی خیال».

پیاز کوچولو و سیب زمینی سرگرم صحبت بودند که سر و صدایی در اطرافشان بلند شد. پیاز کوچولو سر را برگرداند و عده زیادی را در حال بردن دوستان خود دید. تازه محل آنها را پیدا کرد، اما وقتی که رسید، جز مقداری پوست، اثری از دوستانش بر جای نمانده بود. پلاستیک های پیاز در دستان خریداران به پرواز درآمده بود!

پیاز کوچولو برگشت و از سیب زمینی پرسید: «چه خبره؟! مگه مردم پیاز ندیدن؟!» سیب زمینی لبخندی زد و گفت: «دیدن؛ ولی چند روزه که شما توی بورسین و طرفداران زیادی دارین. یه روز هم برای ما سر و دست می شکنن. این جوریه دیگه».

پیاز کوچولو همچنان که به حرف های سیب زمینی گوش می داد، صدای مردم را می شنید: «پیاز داری؟ تموم شد؟! بازم میارین؟ کی بیایم؟» و صدای فروشنده که می گفت: «نداریم. تموم شد. با خداست».

پیاز کوچولو از این که این همه طرفدار پیدا کرده بود، به خود می بالید و زیر چشمی سیب زمینی ها رو نگاه می کرد.

ناگهان، سایه ای را روی سر خود احساس کرد. نگاهی انداخت و پسر بچه ای را دید که چشم از او بر نمی دارد. پیاز کوچولو لبخند زد. پسرک خم شد و او را برداشت و از محل دور شد...

پسرک، خیابان ها را یکی پس از دیگری طی کرد. چند بار پیاز کوچولو را به هوا انداخت و آن را گرفت. اما دوبار از دستش افتاد و گوشه هایی از بدنش زخم شد. پسرک وارد حیاط بزرگی شد که چند درخت تنومند کنار دیوارهای آن سر به آسمان برده بودند. عطر گل هایی فضای حیاط را پر کرده بود. پسرک همچنان پیاز کوچولو را به هوا پرتاب می کرد و می پرید و آن را می گرفت.

پیاز کوچولو از پرتاب شدن به هوا ترسیده بود. احساس خطر کرد. او در یکی از پرتاب ها، راهش را کج کرد و توی باغچه ای افتاد و غلت خورد و زیر بوته گلی پنهان شد.

پسرک بعد از کمی جستجو، از پیدا کردن پیاز کوچولو منصرف شد و راهش را گرفت و رفت.

چند ماه بعد در باغچه خانه، بوته ای روید. بوته ای که احساس آزادی می کرد...

وقتی مرد با کمک راننده، گونی پیاز را پشت وانت گذاشت، خورشید، همه جا را زیر نظر داشت.

راننده سوار شد و وانت راه افتاد. مرد وارد دریای پیازها و... شد. پیازهای داخل گونی در هم وول می خوردند. یکی از پیازها — که از همه کوچک تر بود — از وسط گونی صدا کرد: «خفه شدم».

او با صدای بلند فریاد زد: «آهای.... در گونی رو باز کنین می خوام هوا بخوریم. آهای... زندونی گیر آوردین؟! کسی صدای منو می شنوه؟»

بقیه پیازها هم به صدا درآمدند و از تنگ بودن جا و گرمی هوا نالیدند. مرد همچنان در افکار خود بود.

پیاز کوچولو گفت: «بچه ها! منو به بالا بفرستین تا در گونی را براتون باز کنم.» پیازها با جا به جا شدن، کمک کردند و او را به بالای گونی فرستادند.

پیاز کوچولو نفسی تازه کرد و از سوراخ های ریز گونی نگاهی به بیرون انداخت و گفت: «وای بچه ها! چقدر قشنگه... نگاه کن چقدر ماشین!... چه خبره!... برا چی مردم این قدر شلوغ کردن؟!... یکی از پیازها گفت: «بی سواد! ماشین چیه؟ فارسی رو پاس بدار و بگو خودرو» پیاز کوچولو گفت: «ای بابا! خود آدم! میگن ماشین، ما سر پیازیم یا ته اون که بگیریم خودرو؟!»

پیاز دیگری گفت: «خب معلومه، خود پیازیم!»

پیازها خندیدند و پیاز کوچولو طناب را محکم گرفت و گفت: «چه خبر تونه؟... کم بخندین تا بتونم طناب رو باز کنم.» یکی دیگر از پیازها گفت: «می خوای طناب باز کنی یا ببندی؟... بجنب دیگه...»

پیاز کوچولو گفت: «کمی صبر کنین الآن طناب رو باز می کنم».

در این هنگام دستی به سرش خورد و او را به پایین هل داد.

پیاز کوچولو: «چه خبرته؟ چرا می زنی؟»

او در گوشه ای آرام گرفت و به تماشای خیابان نشست.



وانت در گوشه ای ایستاد. مرد پایین پرید و گونی را با کمک راننده، کنار گونی های دیگری گذاشت.

پیاز کوچولو لب باز کرد تا حرف بزند که دستی با عجله طناب را از گردن گونی گشود و پیازها آزاد شدند.

پیاز کوچولو غلتی خورد و در گوشه ای افتاد و تا به خود آمد، اطرافش را پر از

وارد شده ده کامیون افغانی چینی!

این دزد که کوتاه نمی آید پس

دیوار زبان بسته، تو کوتاه بیا

زنبور فقط دارد و زنبور فقط

منظور فقط دارد و منظور فقط

این میوه فروشی حرم هم انگار

انگور فقط دارد و انگور فقط!

اطلاعیه شکر خند بعدی:

در اولین شنبه آبانماه، یعنی روز شنبه ۹۱/۸/۶،

بقیه از صفحه ۵

پایان بخش این جلسه، در حالی که هنوز یک ده

نفری از شاعران شعر نخوانده بودند، اشعار «عباس

صادقی» بود:

کار پدرم دست عصا افتاده

ماندیم که ایستاده یا افتاده

افسوس تمام عمر غافل بودیم

از حادثه های پیش پا افتاده

ای پنجره خسته تو کوتاه بیا

ای نرده بر جسته تو کوتاه بیا



امیر امینی

متولد ۱۳۶۱ در بابل

فارغ التحصیل کارشناسی ارشد انیمیشن

دارای سابقه تدریس در زمینه گرافیک و انیمیشن، همکاری با مطبوعات...

ساخت انیمیشن های کوتاه و

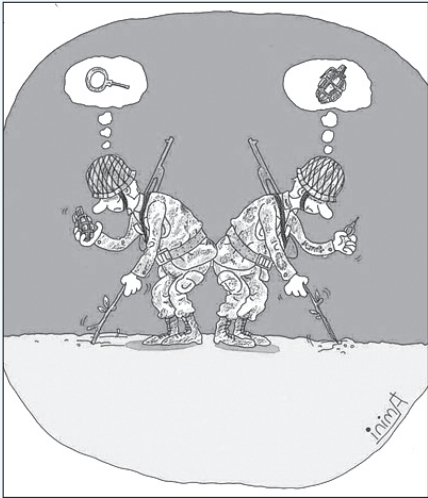
کسب مقام سوم رشته کاریکاتور مسابقات فرهنگی و هنری دانشجویان

کشور — ۱۳۸۱

برگزیده مسابقه ساترینک لندن ۲۰۰۶

کسب جایزه نقدی مسابقه بورس ساترینک ۲۰۰۷

برگزیده مسابقه بین المللی کارتون قبرس با موضوع بحران مالی ۲۰۰۹



چهل سال پیش...

تمامی مطالب از روز نامه اطلاعات روز سه‌شنبه ۱۸ مهر ۱۳۵۱، (برابر با ۲۲مضان ۱۳۹۲، ۱۰ اکتبر ۱۹۷۲)نقل شده است

تجدید نظر در تاریخ و نحوه امتحانات نهائی ششم متوسطه تحت بررسی قرار گرفت

اداره امتحانات آموزش و پرورش تهران از آبانماه سال جاری مطالعاتی را آغاز خواهد کرد که هدف ایجاد تغییراتی در نحوه و تاریخ برگزاری امتحانات نهائی ششم متوسطه است. تاریخ شروع امتحانات نهائی، نحوه برگزاری امتحانات انتخاب چهره‌های جدید برای برگزاری امتحانات از جمله مسائلی است که بیشتر مورد توجه کارشناسان اداره امتحانات قرار خواهد گرفت. یک مقام مطلع درباره این مطالعات گفت سال گذشته تاریخ شروع امتحانات نهائی تقریباً مواجه با انجام امتحانات ورودی دانشگاه‌ها و مدارس عالی بود و قبولشدگان در امتحانات فرصت کافی برای شرکت در کنکور دانشگاه‌ها نداشتند.

برخورد ایران و عراق در سازمان ملل

نمایندگان ایران و عراق در مجمع عمومی سازمان ملل متحد یکبار دیگر در زمینه استقرار نیروهای ایران در جزایر ابوموسی و تنب بزرگ و تنب کوچک روبروی هم قرار گرفتند، فریدون هویدا نماینده ایران به سخنان نماینده عراق که در آن به موضوع سه جزیره خلیج فارس اشاره کرده بود پاسخ داد و نظر مجمع عمومی سازمان ملل را به اسناد رسمی مجمع و شورای امنیت که در آن سیاست و روش دولت ایران مشخص شده جلب کرد.در جریان این بحث «یاسمن» نماینده عراق گفت: «من برای آن به اینجا نیامده‌ام تا درباره مسائلی بحث کنم که قبلاً درباره آن صحبت شده است لکن نماینده ایران بر آنم داشت تا نکاتی را یادآور شوم.

نماینده عراق گفت:در مورد جزایر خلیج عربی مایل نیستم بحث تازه‌ای را شروع کنم «ماهیت عربی این جزایر به نحو تردید ناپذیری در اعلامیه‌ای که وسيله نماینده مابشورای امنیت داده شد مدلل شده است.»

از جاده فیروزکوه و چالوس استفاده می‌شود

همزمان با طوفانی که در روز شنبه در تهران روی داد در جاده هراز نیز طوفان شدیدی توام با ریزش رگبار حادث شد و در چند نقطه کوه ریزش کرد.

امروز سخنگوی وزارت راه اظهار داشت طوفان و رگبار جاده هراز موجب شد که بین پل‌سور و آخرین تونل در جاده هراز چند نقطه کوه ریزش کند.

سخنگوی مذکور افزود ریزش کوه مختصر بود و توقف وسائط نقلیه که از جاده هراز عبور می کردند مدت طولانی نبود ماموران راهداری بلافاصله اقدام به ریزش برداری جاده کردند و هم اکنون جاده هراز باز است و عبور و مرور کامیون‌ها اتوبوسها و اتومبیل‌های سواری در این راه ادامه دارد.

در بهار و تابستان گذشته اقدامات دامنه‌داری برای تعریض و اسفالت جاده‌های فیروزکوه و چالوس از طرف وزارت راه بعمل آمده تاچنانچه در فصل زمستان بر اثر بارندگی‌های شدید و نزول برف‌های سنگین عبور و مرور در جاده هراز امکان پذیر نباشد تردد وسائط نقلیه به شمال از جاده‌های فیروزکوه و چالوس انجام گیرد.

قیمت جدید خرید گوشت اعلام شد

وزارت کشاورزی نرخ خرید گوشت را در سال جاری اعلام داشت. نرخ‌های جدید به نسبت ماه مشابه سال گذشته حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد افزایش نشان میدهد.

نرخ جدید خرید گوشت باین شرح است:نوع مرغوب هر کیلو ۱۱۰ ریال، نوع وسط هر کیلو ۱۰۰ ریال گوشت میش و بز نیز هر کیلو ۹۰ریال.با اینکه نرخ جدید گوشت نسبت بسال گذشته حدود یک چهارم افزایش نشان می دهد معذالک دامداران رغبتی به عرضه دام نمی کنند و در این خصوص کارشناسان سازمان گوشت کشور عقیده دارند که بدلیل خوب بودن سال زراعی و سبزی مراتع و چراگاه‌ها و حتی کوهستان‌ها، دامداران علاقمند به افزایش جمعیت دام هستند.

وزارت کشاورزی و منابع طبیعی به‌منظور جلوگیری از کمبود گوشت و تأمین مصرف و مقابله با سیاه بهار آینده اقدام بخريد نزدیک به ۱۰هزار تن گوشت منجمد و ۴۰۰هزار رأس گوسفند زنده از کشورهای رومانی، بلغارستان و استرالیا نموده است.یکی از کارشناسان گوشت در وزارت کشاورزی اظهار عقیده کرد روش دامداران در مورد عدم عرضه گوشت ضرری است که حالا متوجه خود دامداران خواهد شد، زیرا دولت با تأمین میزان مورد نیاز گوشت در سال جاری احتیاجات فوری خود را تأمین کرده است.

جوان‌گنابادی هواپیمای زمین‌پیماساخت

گناباد –آقای قاسم‌مقبلی از ساکنین گناباد هواپیمائی ساخته که فقط روی زمین میتواند حرکت کند. هواپیمای زمینی آقای مقبلی سیصد کیلو وزن دارد و حداکثر سرعت آن در هوا صفر کیلومتر در ساعت و روی زمین ۸۰ کیلومتر در ساعت است! آقای مقبلی چند روز قبل هواپیمای دست ساخت خود را طی مراسمی در معرض تماشای عموم اهالی گناباد گذاشت و در همین مراسم اعلام کرد اگر به او کمک شود میتواند ترتیبی بدهد که هواپیمای زمینی او چند متری هم در هوا پرواز کند!! آقای مقبلی درباره وسائیل بکار رفته در هواپیمای زمین پیمای خود گفت: این هواپیما دو موتور(یک موتور کوچک و یک موتور بزرگ) – یک شاسی – سه چرخ – ۴ چرخ دو دسته گاز – سه کلاچ و یک باتری شش ولت دارد. طول آن دو متر و پنجاه سانتیمتر و عرضش دو متر و سی سانتیمتر است.

آقای مقبلی سپس باغرو ورافزود: هواپیمای من دارای مزایای زیادی است. مثلاً در هر ۲۴ کیلومتر فقط سه لیتر بنزین مصرف می کند و اگر در خیابان با مانعی بر خورد کرد خلبان آن میتواند برای احتراز از تصادف دکمه‌ای را فشار دهد تا بالهای هواپیما خود بخود جمع شود!

قاپ امروز



پاییز در نیوهمپشایر آمریکا/ منبع: Mshbc

امروز با حافظ

گر ز دست زلف مشکینت خطایی رفت رفت

ور ز هندوی شما بر ما جفایی رفت رفت

برق عشق از خرمن پشمینه پوشی سوخت سوخت

جور شاه کامران گسر بر گدایی رفت رفت

در طریقت رنجش خاطر نباشد می‌بیار

هر کدورت را که بینی چون صفایی رفت رفت

عشقبازی را تحمل بایدای دل پای دار

گسر ملالی بود بود و گر خطایی رفت رفت

گسر دلی از غمزه دلدار باری برد برد

ور میان جان و جانان ماجرای رفت رفت

از سخن چنسان ملالت‌ها پدید آمد ولی

گسر میان همنشینان ناسزایی رفت رفت

عیب حافظ گو مکن واعظ که رفت از خانقاه

پای آزادی چه بندی گر به جایی رفت رفت

سخنان بزرگان

- تجربه فقط اتفاقاتی نیست که برای ما می افتد. این است که دربرابر اتفاقاتی که بر ایمان می افتد، ما چه می کنیم.
- آلدوس هاکسلی

جدول سودوکو

سودوکو (Sudoku)

یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عدد‌های بی تکرار است وام‌روژه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به‌عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

حل جدول شماره ۱۲۹۲

۱	۷	۹	۸	۵	۶	۳	۲	۴
۳	۲	۶	۹	۷	۱	۵	۸	۴
۴	۸	۵	۳	۲	۱	۷	۹	۶
۷	۵	۱	۲	۶	۹	۴	۸	۳
۹	۶	۴	۷	۸	۳	۲	۱	۵
۸	۳	۱	۴	۵	۷	۹	۶	۲
۵	۹	۷	۳	۱	۲	۸	۴	۶
۶	۱	۴	۸	۷	۵	۳	۹	۲
۲	۴	۹	۸	۷	۵	۶	۱	۳

داستان کوتاه

دزد و صاحبخانه دیوانه

شب بود. باران با شدت هر چه تمام به شیشه‌ها می خورد و رعد و برق هر از گاهی روشنایی بخش کوچ‌ه تاریک می شد. مرد نقابدار آهسته خود را به منزل دیوانه‌ای رساند. آرام سرش را به داخل پنجره اتاق خم کرد و دید که مرد دیوانه خواب است. قفل در را به آرامی باز کرد و وارد شد. او تلویزیون و دستگاه پخش دی وی دی مرد دیوانه را برداشت و در داخل کوله‌پشتی اش گذاشت.
حین بیرون رفتن از در ناگهان پای او به گلدانی خورد. گلدان افتاد و شکست. دزد ناگهان پا به فرار گذاشت. مرد دیوانه هم که بیدار شده بود با مشاهده دزد دیده شدن تلویزیون و دستگاه پخش دی وی دی سراسیمه به دنبال دزد دوید و به تعقیب او پرداخت. دزد هر چه قدر تلاش کرد تا بلکه بتواند از دست صاحبخانه دیوانه فرار کند، فایده‌ای نداشت. تا اینکه در یک کوچه بن‌بست گرفتار شد. دزد با دیدن صاحبخانه از ترس به گریه افتاد و التماس کرد که او را تحویل پلیس ندهد. مرد دیوانه که متعجب شده بود گفت: پلیس دیگر چیست. کنترل‌های دستگاه‌ها را جا گذاشته بودی که الان برایت آوردم.

مترجم: آرش میری خانی
منبع: academictips.org

امروز در تاریخ

استقرار نظامی انگلستان در ایران

در ایسن روز در سال ۱۲۹۰هجری خورشیدی در تهران خبری به این مضمون انتشار یافت که در اجرای پیمان‌نامه سال ۱۹۰۷ انگلستان و روسیه مبنی بر تقسیم وطن ما، اصطلاحاً به دو منطقه نفوذ، دولت انگلستان در بوشهر و سپس مناطقی پیرامون مناطق نفتخیز (خوزستان) نیروی نظامی مستقر خواهد کرد. این نیرو که هند را با کشتی ترک کرده بود ۱۲ روز بعد بوشهر را عملاً اشغال نظامی کرد و در آنجا باقی ماند و بعدا به همین ترتیب شهر آبادان و… تحت کنترل نظامی انگلستان درآمدند.

مورگان شوستر: بدون گرفتن مالیات، هیچ مسئله‌ای در ایران حل نمی‌شود

دهم اکتبر ۱۹۱۱ «مورگان شوستر» آمریکایی که خزانه‌دار کل ایران بود در پی اعلام این حقیقت که تا مسئله «مالیات گیری دقیق و در سر موعد مقرر» در ایران حل نشود و در این مورد سسختگیری و دقت لازم بعمل نیاید هیچ‌یک از مشکلات این کشور بر طرف نخواهد شد. دستور

داد که اموال شعاع السلطنه تا تسویه بدهی مالیاتی اش توقیف شود. در پی این اقدام، دولت روسیه که طبق پیمان تقسیم ایران (قرارداد اگوست ۱۹۰۷ سن پترزبورگ)، در وطن ما قراق مستقر ساخته بود برای جلوگیری از اجرای تصمیم شوستر، به بهانه متوسل شد و در اطراف املاک شعاع السلطنه نیروی نظامی مستقر ساخت!. در آن زمان دولت آمریکایی طرف بود و در مسائل بین المللی دخالت نداشت و لذا؛ استخدام مستشار مالیه از آن کشور برای ایران، از نظر انگلستان و روسیه بلامانع بود. شوستر بعدا در بازگشت به آمریکا کتابی در زمینه خاطرات خود در طول اقامت در ایران نوشت و ضمن آن مسائل وقت ایران را برشمرد که در صدر آنها، فرار ایرانیان از پرداخت مالیات به دولت و به این لحاظ، تضعیف دولت بود که باید از تمامیت ارضی کشور، حاکمیت خود، دارایی و جان و امنیت و حیثیت اتباع حفاظت کند. شوستر نوشته است که فرار ایرانیان از پرداخت مالیات، برای آنان بصورت یک عادت درآمده است و مجبور ساختنشان به ترک این عادت آسان نخواهد بود.

زادروز دو داستان نگار اسلاو

امروز زادروز دو داستان نگار اسلاو است که هر دو برنده جایزه نوبل در ادبیات شده اند. یکی «ایوان بونین Ivan Bunin» و دیگری «ایوو اندریچ Ivo Andric» بونین دهم اکتبر ۱۸۷۰ در روسیه به دنیا آمد و ۸۳ سال عمر کرد و جایزه نوبل سال ۱۹۳۳ را به دست آورد. وی نخست، کتابدار، سپس منشی دادگاه (تقریر نویس) و آنگاه روزنامه نگار بود و در روزنامه نگاری تا معاونت سردبیر پیش رفت. این سه شغل از او یک داستان نگار تمام عیار ساخت.

نخست از داستان کوتاه آغاز کرد و سپس به نگارش داستان طولانی پرداخت. داستانهای او انعکاسی از وضعیت مردم روسیه در هر دوره است.

ایوو اندریچ داستان نگار یوگوسلاوی نیز در دهم اکتبر ولی در سال ۱۸۹۲ در بوسنی به دنیا آمد و ۱۳ مارس ۱۹۷۵ در گذشت. «ایوو» برنده جایزه ادبی نوبل سال ۱۹۶۱ شده بود. معروفترین داستانهای او «پلی بر روی درینا» «زنی از سراویو» و «روزنگار بوسنیایی» هستند.

القبای کره‌ای‌ها

کشور کره طبق ساعت خود (وقت خاور دور) دهم اکتبر سال ۱۴۴۶ میلادی بکار بردن القبای ویژه خود را که کار طرح ریزی آن پایان یافته بود آغاز کرد، زیرا القبای چینی برای ادای همه صداها در زبان کره‌ای کافی نبود.

این اقدام به تصمیم «سجونی Sejony» پادشاه این کشور از دودمان چوسون Choson انجام گرفت که خود شخصا به تکمیل آن کمک کرد.

این دودمان از ۱۳۹۳ تا اوایل قرن ۲۰، با این که چین در بیشتر زمان بر کره مسلط بود، در این کشور سلطنت کردند. القبای کره (هان گول Han – Gul) القبایی بسیار کامل توصیف شده است.

www.iranianshistoryonthisday.com

دشوار ۶۱۶

آسان ۱۲۹۳

قانون های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد ۱ تا ۹ نوشته شود بد بهیی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد ۱ تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۸	۳	۷						
			۵					۴
۹				۲				
	۵		۲	۹		۳	۷	
۷	۶				۸			۱
۶	۸					۵		
		۲		۳				۸
					۵		۱	

حل جدول شماره ۶۱۵

۹	۵	۶	۸	۲	۷	۱	۳	۴
۳	۲	۴	۹	۱	۷	۸	۷	۵
۷	۸	۱	۵	۳	۴	۹	۶	۲
۶	۷	۱	۸	۵	۳	۴	۹	
۱	۴	۹	۲	۶	۳	۷	۵	۸
۸	۳	۵	۷	۴	۹	۶	۲	۱
۵	۴	۳	۶	۱	۲	۸	۷	۹
۴	۷	۲	۶	۹	۵	۸	۱	۳
۲	۱	۸	۳	۵	۲	۴	۹	۷